

اصول تعلیم و تربیت بهائی

طبقه بندی و توضیح گزیده هایی از بیانات مبارکه در مورد
تعلیم و تربیت بهائی

رادنی کلارکن

مدیر آزمایشگاه تجربیات میدانی و اسنادیاری

دپارتمان تعلیم و تربیت

دانشگاه متشیگان شمالی

این رساله در اجلاس سالانه انجمن تحقیق تعلیم و تربیت آمریکا
سان دیه گو، کالیفرنیا، ۱۷-۱۲ آوریل ۱۹۹۸ عرضه شده است

ترجمه

جامعه بهائی ایران

فهرست این مجموعه

۳	مقدمه
۵	ماهیت و هدف از تعلیم و تربیت
۵	تأمین بودجهٔ تعلیم و تربیت
۵	لزوم انضباط، استقامت و نظم
۶	اصول حاکم بر مدرسه
۸	لزوم تأسیس مدارس و نظارت بر آنها
۹	وظائف محافل روحانیه
۹	تعلیم و تربیت سبب ترقی و رفاه عالم است
۱۰	لزوم ترویج تعلیم و تربیت
۱۱	تعلیم و تربیت دختران
۱۳	تعلیم و تربیت یتیمان
۱۴	نقش والدین در تعلیم و تربیت
۱۵	تعلیم و تربیت اجباری است
۱۶	تعلیم و تربیت بهائی: اساس شریعت الله و مبنای سعادت
۱۷	ماهیت انسان
۲۰	جلوگیری از جرم و اعمال مضره
۲۲	انضباط
۲۴	تشویق نه سرزنش و انتقاد
۲۵	علم تعلیم و تربیت
۲۹	مثال و سرمشق
۲۹	مقام مربی
۳۱	لزوم مربی
۳۱	خصلت و سلوک معلم
۳۳	دعا برای کسب معرفت

۳۳ برنامه های آموزشی
۳۳ تعلیم درباره خدا و دین
۳۴ خوف و خشیت
۳۵ عرفان مظهر ظهور الهی
۳۶ فنون، صنایع و علوم
۳۶ معیار مفید بودن
۳۷ خواندن و نوشتن
۳۸ لسان عمومی
۳۸ تلاوت کلام الهی به لحن ملیح
۳۹ تعلیم اخلاق
۴۰ علم باید به خداوند هدایت کند
۴۱ اقسام سه گانه تربیت
۴۲ پرورش اراده
۴۳ رحم به حیوانات
۴۳ برنامه آموزشی کلی برای همه
۴۴ محبت در برنامه آموزشی
۴۴ خلاصه ای کوتاه از برنامه آموزشی
۴۶ ایجاد تعادل در جنبه فکری و روحانی

..... استعاره ها در مورد تعلیم و تربیت
۴۸ خداوند به عنوان مربی
۴۹ اطفال دزدانه اند
۴۹ والدین به عنوان مربی
۵۰ معلم به عنوان باغبان
۵۰ استعاره های مربوط به محصلین و مترقیان

مقدمه

دو سؤال که در طول قرون و اعصار در مقابل عالم انسانی قرار گرفته و آن را مبہوت و متحیر ساخته این است که چه دانشی بسیار ارزش دانستن دارد و چگونه به بهترین وجه می‌توان آن را آموزش داد. جوابهای امروز با پاسخ‌های دیروز متفاوت است، و احتمالاً با آنچه که فردا بیان می‌شود نیز تفاوت خواهد داشت. جواب فرهنگ یک نفر با پاسخ فرهنگ دیگری متفاوت است. ما، با نگاهی به تعالیم بهائی در این زمینه، می‌توانیم با استفاده از هدایت الهی که این تعالیم به ما اعطاء می‌کنند، به این سؤالات جواب بدهیم؛ و با پیروی از این هدایت، بهترین تعلیم و تربیت را به فرزندان و جوامع خود تقدیم کنیم.

در تلاش برای یافتن جواب برای سؤالات مربوط به تعلیم و تربیت، بیانات مبارکه مندرج در مجموعه نصوص مربوط به تعلیم و تربیت بهائی (تهیه شده توسط دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۷۶) را طبقه‌بندی کردم و بعضی توضیحات مقدماتی را که ممکن است برای خوانندگان مفید باشد بر آن افزودم. اگرچه بسیاری از این بیانات مبارکه در زمینه‌های گوناگون تربیتی بینش‌هایی را عرضه می‌دارند، اما هر بیان فقط یک مرتبه مورد استفاده قرار گرفته و منطبق با موضوعی که به نظر رسید بیشتر مرتبط یا مفید است استفاده شده است. در این مورد خاص و مهم کاری به مراتب بیشتر باید انجام شود، اما فکر کردم این مجموعه به اندازه کافی ارزشمند است که در حال حاضر در اختیار عموم قرار گیرد. امیدوارم این اثر را، همراه با سایر کارهایی که انجام داده‌ام، توسعه دهم تا سندی پدید آورم که ممکن است در جریان بهبود بخشیدن امر تعلیم و تربیت مورد استفاده مرتبان قرار گیرد. برای پرداختن به بعضی از مواضع مورد بحث در این رساله می‌توان به اثر دیگری^۱ از نویسنده رجوع کرد.

کلیه مستخرجات از مجموعه نصوص مربوط به تعلیم و تربیت است که بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۷۶ منتشر کردند، و به طور متوالی شماره‌گذاری شده است. از آنجا که این سند عمده‌ای از بیانات مبارکه تشکیل شده، لذا آنها، آنچنان که معمول است، با حروف خرابیده (ایتالیک) یا پررنگ نوشته نشده است. آنها از شماره‌ای شناخته می‌شوند که در نشرهای مختلف مجموعه نصوص ۱۹۷۶ درباره‌ی تعلیم و تربیت از آثار و بیانات حضرت بهاء‌الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، جمع‌آوری شده توسط دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم، استفاده شده است. شماره‌های ۱-۲۸ از بیانات حضرت بهاء‌الله، ۱۰۶-۲۹ از آثار مکتوب حضرت عبدالبهاء، ۱۱۵-۱۰۷ از بیانات حضرت عبدالبهاء، ۱۲۳-۱۱۶ از آثار مکتوب حضرت ولی امرالله، و ۱۶۲-۱۲۴ از مکاتیبی است که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده است. کلیه فقرات مزبور، جز

^۱تعلیم و تربیت برای دنیایی جدید، اثر رادنی کلارکن، که در اجلاس سالانه انجمن تحقیق تعلیم و تربیت آمریکا (۱۷-۱۳ آوریل ۱۹۹۸) ارائه گردیده است.

موارد معدودی از مکاتیب نوشته شده از طرف حضرت ولی امرالله، که به آنها نیز به عنوان آثار حضرت ولی امرالله اشاره شده اما مطلب عمده‌ای به موارد مورد بحث نمی‌افزوده، در اینجا نقل شده است. این فقط تلاش دیگری برای درک و برداشت بیشتر در ارتباط به موضوع بغایت مهمّ تعلیم و تربیت است. امید است که این مجموعه راهگشای کسانی باشد که از استعداد و بصیرتی بیشتر برای رویکردی مناسب‌تر به این موضوع برخوردارند. دو گزیده‌ی زیر از بیانات مبارکه به عنوان مقدمه و منطق این اثر نقل می‌گردد:

۱۳۰- حضرت ولی امرالله از استحضار بر این امر که شما برای تربیت اطفال اهمّیت مخصوص قائلید، بسیار خوشوقت و مسرور گردیدند. زیرا هر چه آنان در مراحل اولیه‌ی عمر کسب نمایند، اثراتش در بقیه‌ی دوران حیات باقی و برقرار خواهد ماند و جزئی از صفت و طبیعت ایشان خواهد گردید. کتاب مخصوصی که مورد توصیه و سفارش هیکل مبارک قرار گیرد، موجود نیست. بر عهده‌ی اجنّاب پیشین است که مجموعه‌ای متناسب موضوع ترتیب دهند و با ادامه‌ی این امر، بالمآل تألیف مورد نظر به نحو احسن به دست خواهد آمد...

اینگونه حکایات راجع به حیات انبیای گذشته، همچنین بیانات ایشان برای درک بهتری از آثار و ادبیات امریه نیز مفید و لازمه خواهد بود. زیرا، پیوسته ذکر آنان در آثار مبارکه موجود و به آن خطابات و بیانات اشاراتی به عمل آمده است. در هر حال، این وظیفه‌ی نفوس باتجربه است که این مسائل را با یکدیگر تألیف نموده و از مجموع آنها کتب قرائتی مفید برای اطفال ترتیب دهند.

به تدریج در ظلّ امر الهی نفوسی ظاهر خواهند گردید که در رفع این حوائج اقدام خواهند نمود. فقط موضوع مضی زمان در بین است. آنچه اکنون تکلیف ماست، آن است که افرادمختلفه را که قدرت و استعداد انجام دادن چنین وظیفه‌ای را دارا هستند، تشویق کنیم و آنان را به خدمت بگماریم. (ترجمه)^۲

۱۳۹- شما اطلاعات کاملی راجع به برنامه‌ی تربیت بهائی از حضرت ولی امرالله خواستار شده بودید. هنوز چنین موضوعی که آن را برنامه‌ی تربیت بهائی نام نهاد موجود نیست و هیچیک از نشریات بهائی منحصرأ به این مسأله اختصاص داده نشده است. زیرا تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء یک روش تربیتی مشخص و مشروحی را معرفی نمی‌نمایند؛ بلکه به نحو بساطت پاره‌ای اصول اساسیه را القاء و مقداری از اهداف و مآرب تربیتی را که باید رهنمای معلمین آتیه تربیت و تعلیم بهائی واقع گردد، اعلام می‌نمایند تا آنان یک برنامه‌ی کامل تعلیمی که بنامه با روح تعالیم الهی منطبق و هم‌آهنگ باشد اختیار کنند و بدین طریق احتیاجات و نیازمندی‌های عصر نوین را مرتفع سازند.

^۲ توقیع ۱۹ اکتبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجنّاب، مجموع نصوص تربیتی، ص ۹۴-۹۲

این اصول اساسیه در آثار و نوشته‌های مقدّس امرالله مدوّن و مسطور است و باید دقیقاً مورد مطالعه قرار گیرد و به تدریج در برنامه‌های مختلفه دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها وارد شود. اما وظیفه تنظیم یک روش تربیتی که رسماً از طرف امر الهی شناخته و در سراسر عالم بهائی مجری گردد، امری است که به طور وضوح نسل حاضر یاران نمی‌توانند در عهده گیرند؛ بلکه باید به مرور زمان از طرف محققان و مربیان بهائی در مستقبل ایام صورت تحقّق پذیرد. (ترجمه)^۲

ماهیت و هدف از تعلیم و تربیت

تأمین بودجه تعلیم و تربیت

امروزه، روش‌های متفاوت بسیاری برای تأمین هزینه تعلیم و تربیت در جهان وجود دارد. در آثار

بهائی چند پیشنهاد در این زمینه مطرح شده است:

۷- کتب علی کُلّ آبِ تربیه ابنه و بنه بالعلم و الخطّ و دونهما عمّا حدّد فی اللّوح و الذی ترک ما امر به فللمنّاء أن يأخذوا منه ما یكون لازماً لتربیتهما ان كان غنیاً وَالاً یرجع الی بیت العدل انا جعلناه مأوی الفقراء و المساکین. ان الذی ربّی ابنه أو ابناً من الأبناء کأنه ربّی أحد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت العالمین. (کتاب اقدس، بند ۸ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰)

۸- جمیع رجال و نساء آنچه را که از افتراق و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند، جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و به اطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود. (لوح دنیا، دریای دانش، ص ۹۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰)

۴۵- از جمله تعالیم بهاءالله تعمیم معارف است؛ باید هر طفلی را به قدر لزوم تعلیم علوم نمود. اگر ابوین مقتدر بر مصارف این تعلیم، فیها وَالاً باید هیأت اجتماعیه آن طفل را وسائل تعلیم مهیا نمایند. (لوح لاهه، مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۸)

لزوم انضباط، استقامت و نظم

مدارس باید مکان انضباط و نظم باشند. برای رسیدن به تعلیم و تربیت مطلوب، استقامت و

مداومت لازم است.

۴۶- اساس متین دین‌الله را ارکان مبین مقرر و مسلم است. رکن اعظم علم و دانایی است و عقل و هوشیاری و اطلاع بر حقائق کونیه و اسرار الهی. لهذا ترویج علم و عرفان فرض و واجب بر هر یک از

^۳ توفیق مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰۰

یاران است. پس باید آن انجمن رحمانی و آن محفل روحانی به تمام قوت در تربیت اطفال کوشند تا به آداب الهی و روش و سلوک بهائی از خردسالی تربیت شوند و مانند نهال به ماء سلسال و صایا و نصایح جمال مبارک نشو و نما کنند. پس به جان بکوشید و به لسان تشویق نمائید و اموال انفاق کنید تا مکتب عشق آباد^۴ در نهایت آرایش و انتظام ترقی نماید. (منتخبانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۸)^۵

۷۱- ای یاران عزیز عبدالبهاء یکی از دوستان نامه‌ای در خصوص مکتب عشق آباد مرقوم نمود که این ایام الحمدلله آن یاران به کمال همت به ترتیب و تنظیم مکتب مشغول شده‌اند و معلمین مناسبی قرار دادند و من بعد نهایت مواظبت و دقت و محافظت در مکتب خواهد شد. من نیز امیدم چنان است که الطاف حضرت رحمن شامل گردد و عون و عنایت ملیک منان احاطه کند تا یاران در جمیع شئون ممتاز از دیگران گردند و از جمله مهم‌امور تربیت و تعلیم جمهور اطفال است و این قضیه را بسیار منظور دارید. زیرا، تأیید و توفیق نفوس منوط و مشروط به خدمت و عبودیت حضرت سبوح قدوس و از جمله خدمات فائمه تربیت و تعلیم اطفال و ترویج معارف و فنون شتی است. حال، الحمدلله شما در این خدمت سعی بلیغ دارید و جهدی عظیم. هر چه در این امر مهم اقدام بیشتر فرمایید، تأییدات و توفیقات الهیه بیشتر ظاهر و آشکار گردد، به درجه‌ای که خود شما حیران مانید و هذا امر محتوم و وعده غیر مکذوب. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۴)

۱۰۴- مدرسه اطفال در روز یکشنبه و قرائت الواح و تعالیم حضرت بهاء الله و القاء کلمه الله بر مسامع اطفال بسیار مبارک است. البته دائماً این انجمن را مجری دارید و اهمیت بدهید تا روز به روز توسعه یابد و به نفیسات روح القدس زنده گردد. اگر چنانچه باید و شاید این انجمن ترتیب یابد، یقین بدان نتایج عظیمه بخشد؛ ولی ثبات و استقامت لازم است. نه آن که ایامی چند دوام نماید، بعد کم کم فراموش شود. شرط استقامت است و در هر امری که ثبوت و استقامت گردد البته نتیجه بخشد و الا ایام چند دوام نماید، بعد مختل گردد. (منتخبانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۸)

اصول حاکم بر مدرسه

آثار بهائی هدف از مدارس را توصیف می‌کنند و رهنمودهایی برای فعالیت آن بیان می‌دارند.

^۴ به کتاب قرن بدیع، طبع کتاد، صفحه ۶۱۵ مراجعه نمایید.

^۵ توضیح مترجم: جمله آخر در منتخبات مکاتیب وجود ندارد، اما در صفحه ۳۹ مجموعه نصوص تربیتی مشاهده می‌شود.

۷۴- در ترتیب و تنظیم و تکمیل مدرسه تربیت^۱ بکوشید و به هر وسیله تشبث نمایید که بلکه آن دبستان روضه رحمن شود و انوار عرفان بتابد و اطفال از آشنا و بیگانه چنان تربیت شوند که مفخرت عالم انسان گردند و موهبت حضرت رحمن؛ نهایت ترقی را در اندک مدتی بنمایند و چشم بگشایند و کشف حقایق اشیاء نمایند؛ در هر فنی نهایت مهارت اکتساب کنند و اسرار اشیاء را کماهی ادراک نمایند و این منقبت از آثار باهره عبودیت آستان مقدس است. البتہ کمال اهتمام را مجری دارند و در فکر این باشند که مدارس متعدّد باز نمایند و مدارس علوم باید دبستان تعلیم و ادب باشد و در آداب و اخلاق بیش از علوم و فنون اهتمام نمایند، زیرا ادب و نورانیت اخلاق مرجح است. اگر اخلاق تربیت نشود، علوم سبب مضرت گردد. علم و دانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد والا سم قاتل و آفت هائل. طیب بدخو و خائن سبب هلاکت گردد و علت انواع مرض. این قضیه را بسیار ملاحظه داشته باشید که اساس دبستان اول تعلیم آداب و اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۶)

۸۱- و اما ترتیب مدرسه؛ باید اطفال، اگر ممکن، یک نوع لباس بپوشند، ولو قماش داشته باشد؛ اگرچه بهتر آن است که از یک قماش باشد، ولی اگر ممکن نه ضرری نه؛ و تلامذه باید در نهایت طهارت و نظافت باشند؛ هر چه نظافت بیشتر بهتر؛ و موقع مدرسه در جایی باید باشد که هوا در نهایت لطافت باشد؛ و حسن آداب تلامذه را باید بغایت دقت نمود و اطفال را تشویق و تحریض بر فضائل عالم انسانی نمود تا از صغر سن بلندهمت و پاک دامن و خوش سلوک و طیب و طاهر تربیت شوند و در امور عزم شدید و نیت قوی حاصل نمایند؛ از هزل در کنار باشند و در هر مقصد عزم صمیمی داشته باشند تا در هر موردی ثبات و استقامت کنند.

تربیت و آداب اعظم از تحصیل علوم است. طفل طیب طاهر و خوش طینت و خوش اخلاق، ولو جاهل باشد، بهتر از طفل بی ادب کثیف بد اخلاق، ولو در جمیع فنون ماهر گردد. زیرا طفل خوش رفتار نافع است ولو جاهل و طفل بد اخلاق فاسد و مضر است ولو عالم؛ ولی اگر علم و ادب هر دو بیاموزد، نور علی نور گردد.

اطفال مانند شاخه تر و تازه اند؛ هر نوع تربیت نمایی نشو و نما کنند. باری، در بلندی همت اطفال بسیار کوشش نمایید که چون به بلوغ رسند، مانند شمع برافروزند و به هوی و هوس که شیوه حیوان نادان

^۱ اولین مدرسه بهائی در مدینه طهران که به جامعه بهائیان ایران تعلق داشته و تحت نظارت آنان اداره می شده است. برای استحضار از تأسیس مدارس بهائی در کشور و تعطیل مؤخر آنها به کتاب قرن بدیع، جلد سوم، ص ۲۷۰ و جلد چهارم، صفحات ۱۲۸، ۱۵۱ و ۱۵۲ مراجعه شود.

است، آلوده نگردند، بلکه در فکر عزت ابدیه و تحصیل فضائل عالم انسانی باشند. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۴)

لزوم تأسیس مدارس و نظارت بر آنها

مدارس و مؤسسات تحصیلات عالی را باید به نحوی تأسیس نمود که هر شخصی بتواند به اندازه کافی از تحصیلات برخوردار شود.

۶۹- ای مظاهر الطاف الهی در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم فنون و معارف است و به نص صریح باید جمیع اطفال به قدر لزوم تحصیل فنون نمایند. لهذا، باید در هر شهری و قریه‌ای مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال به قدر لزوم در شهر و لزوم در قریه در تحصیل بکوشند. لهذا، هر نفسی که اتفاق در این مورد نماید، شبهه نیست که مقبول درگاه احدیت شود و مورد تحسین و تمجید ملاً اعلی گردد.

چون در این امر عظیم جهد بلغ مبذول داشتید، لهذا امید چنین که مکافات از رب الآیات الینات حصول یابد و مشمول لحظات عین رحمانیت گردید. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۱ / مکاتیب عبداله، ج ۳، ص ۲۱۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۲)

۱۱۷- از جمله فرائض توسل به جمیع وسائل ممکنه برای ترقی و پیشرفت جوانان در شئون مادی و معنوی و تدارک وسائط لازمه برای تربیت اطفال و تأسیس معاهد مؤسسات تربیتی در صورت امکان و اشراف بر امور این مؤسسات و تثبیت به وسایل و اسباب فعاله جهت ترویج و پیشرفت مصالح آنان است. (توقیع ۱۲ مارس ۱۹۲۳، مترجم در صفحه ۴۰ Baha'i Administration - نقل ترجمه از صفحه ۲۰۳ بهاء الله و عصر جدید)^۲

۱۲۲- باید یاران الهی در خیرات و میراث و ترویج منافع عمومی و تقدم مصالح جمهور از جمیع طوائف من دون ترجیح و استثناء سبقت از کل یابند و مشاراً بالبنان گردند. ابواب مدارس و معاهد علمی و ادبیه خویش را بر وجه اطفال و جوانان غیر بهائی که محتاج و فقیرند مجاناً باز نمایند

... ثانی تعمیم معارف و ترویج آداب و شعائر و احکام بهائیه است؛ باید به قدر مقدور در این ایام که ملت از خواب غفلت بیدار گشته و حکومت در فکر ترفیع و توسعه مؤسسات علمی خویش افتاده، نمایندگان بهائیان در آن سامان چنان قیامی نمایند که به اثر همم عالی آنان در هر قریه و قصبه و بلده‌ای، از کافه ایالات و ولایات، تمهیدات اولیه از برای تأسیس معاهد علمی و ادبیه و دینیه مجری گردد و اطفال بهائی من دون استثناء مبادی قرائت و کتابت را بیاموزند و به آداب و رسوم و شعائر و احکام منصوصه کتاب الله مانوس و آشنا گردند و در علوم و مبادی و فنون عصریه و اخلاق حمیده زکیه و آداب و شعائر

^۲ توضیح مترجم: ترجمه متفاوتی از این بیان را می توان در صفحه ۸۲ مجموعه نصوص تربیتی مشاهده کرد.

بهایه چنان ممتاز از سایرین گردند که عموم طوائف، از اسلام و زردشتی و مسیحی و کلیمی و طبیعی، اطفال خویش را به طیب خاطر و رغبت تمام در آن معاهد عالیّه بهایه گذارند و به دست مرّیان بهائی سپارند و همچنین اجرا و تنفیذ احکام منصوص کتاب الله است. (توقیع زانویه ۱۹۲۹، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۹۰)

وظائف محافل روحانیه

محافل روحانی مسئولیت ترویج تعلیم و تربیت و تأسیس مدارس را دارا هستند.

۱۲۱- از جمله وظائف مقدّسه محافل روحانیّه تعمیم معارف، تأسیس مدارس و ایجاد تسهیلات و لوازم تحصیل از برای عموم بتین و بنات است. هر طفلی من دون استثناء باید از صغر سن علم قرائت و کتاب را کاملاً تحصیل نماید و به حسب میل و رغبت به قدر استعداد و استطاعت خویش در اکتساب علوم عالیّه و فنون نافعه و لغات مختلفه و^۸ حِرَف و صنایع موجوده، همت و سعی موفور مبذول نماید.

اعانه و دستگیری اطفال فقراء در کسب این کمالات علی الخصوص در تحصیل مبادی اولیه بر اعضاء محافل روحانیه فرض و واجب و از فرائض مقدّسه و جدائیّه امنای الهی در جمیع بلاد محسوب. ان اَلدی ربّی ابنه او ابنا من الابناء کانه ربّی احد ابنائی علیه بهائی و عنایتی و رحمتی الّتی سبقت العالمین. (توقیع هشتم ژوئن ۱۹۲۵ خطاب به محفل مرکزی کشور مقدّس ایران، توقیعات مبارکه، ج ۱ (۱۹۲۶-۱۹۲۲)، ص ۲۳۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸۷)

تعلیم و تربیت سبب ترقّی و رفاه عالم است

اهمّیت تعلیم و تربیت در آثار بهائی مورد تأکید واقع شده؛ سبب و علّت پیشرفت، سعادت و رفاه است.

۶- کلّ را وصیت می فرماییم به آنچه که سبب علوّ و سموّ کلمه الله است بین عباد و همچنین در اموری که سبب ارتقاء وجود و ارتفاع نفوس؛ و سبب اعظم تربیت اولاد است، باید کلّ به آن تمسّک نمایند. انا امرناکم بذلک فی الواح شتی و فی کتابی الأقدس طوبی للعاملین. از حق می طلبیم کلّ را تأیید فرماید و توفیق بخشد بر اجرای این امر مبرم که از قلم مالکِ قدّم ظاهر شده و نازل گشته. (مجموع نصوص تربیتی، ص ۹)

۳۶- دقّت نمایید که چگونه معارف و تمدّن سبب عزّت و سعادت و حرّیت و آزادی حکومت و ملت می شود. (رساله مدّینه، ص ۱۳۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۳)

۳۴- چون نظر دقیق نمایید، مشهود و معلوم گردد که علّت عظمای جور و فتور و عدم عدل و حقّانیت و انتظام امور از قلّت تدّین حقیقی و عدم معارف جمهور است. مثلاً اگر اهالی متدّین و در قرائت و کتابت

^۸ توضیح مترجم: در متن انگلیسی بعد از "لغات مختلفه" عبارت "نطق و بیان" نیز ذکر شده، که مترجم از قلم انداخته است.

ماهر و متفّن باشند، اگر مشکلی رخ نماید، اولاً به حکومت محلیّه شکایت نمایند؛ اگر امری مغایر عدل و انصاف بیند و روش و حرکت حکومت را منافی رضای باری و مغایر معدلت شهریاری مشاهده کنند، داوری خود را به مجالس عالیّه رسانند و انحراف حکومت محلیّه را از مسلک مستقیم شرع مبین بیان کنند و بعد، مجالس عالیّه صورت استطاق را از محلّ معلوم بطلبند، البتّه آن شخص مشمول الطاف عدل و داد گردد. ولکن، حال، اکثر اهالی از قلتّ معارف زبان و بیانی که تفهیم مقاصد خویش نمایند ندارند. (رساله مدینه، ص ۲۴-۲۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۲)

لزوم ترویج تعلیم و تربیت

ترویج تعلیم و تربیت از نیازهای بسیار مبرم؛ و مهم ترین سعی و کوشش انسان است. تعلیم و تربیت مؤسسه‌ای حیاتی و ضروری است.

۳۵- الزم امور و اقدام تشبّات لازمه توسیع دائره معارف است و از هیچ ملتی نجات و فلاح بدون ترقّی این امر اهمّ اقوم متصور نه چنانچه باعث اعظم تنزل و تزلزل ملل جهل و نادانی است؛ و الآن اکثر اهالی از امور عادیّه اطلاع ندارند تا چه رسد به وقوف حقائق امور کلیّه و دقائق و لوازم عصریه. (رساله مدینه، ص ۱۲۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۳)

۷۰- ای صاحبان همت بلند و مقاصد ارجمند نامه شما فصیح بود و بلیغ و مضمون بدیع بود و لطیف؛ زیرا دلالت بر همت موفور و بذل سعی مشکور در تربیت اطفال اناث و ذکور بود و این از اهمّ امور. باید اسباب تربیت از برای نورسیدگان رحمانی و نونهالان بوستان الهی از هر جهت فراهم آورد. این است سبب روشنایی عالم انسانی.

الحمد لله اجاء در عشق آباد بنیان متینی نهادند و اساس محکمی گذاشتند؛ اول مشرق‌الاذکار در مدینه عشق تأسیس شد و حال. سبب تربیت اطفال نیز رو به اکمال است؛ چه که در سنین حرب و قتال نیز اهمال نشد، بلکه نواقص اکمال گردید. حال باید دائره را توسیع داد و در تدبیر تأسیس مدارس عالیّه کوشید تا مدینه عشق مرکز علوم و فنون بهائیان گردد و به عون و عنایت جمال مبارک اسباب میسر گردد. مدرسه بنات را نیز خیلی اهمّیت بدهید، زیرا ترقّی عالم نساء سبب ظهور عظمت و بزرگواری این کور بدیع است. این است که ملاحظه می‌نمایید در جمیع اقالیم عالم نساء رو به ترقّی است؛ این از اثر ظهور اعظم و از قوه تعالیم الهی.

اما باید در مدارس ابتدا به تعلیم دین گردد، بعد از تعلیم دیانت و انعقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیت به تعلیم سائر علوم پرداخت. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۵۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۳)

۷۲- خدماتی که در اعانه مدرسه تأیید نموده و می‌نمایید سزاوار تحسین و ستایش است. از الطاف حی قیوم یقین و محتوم است که انواع الطاف شامل و برکت آسمان نازل گردد.

تأسیس دبستان علم و عرفان از برای کودکان از فرائض قطعیه اهل ایمان است. چون آن یاران در این مورد تعهد جانفشانی نموده‌اید و اعانه به دبستان تأیید می‌نمایید، عبدالبهاء در نهایت عجز و انکسار به ملکوت اسرار ستایش و نیایش نماید و شما را برکت و آسایش طلبد تا در نهایت راحت و سرور به حسن خدمت مشکوره موفق و منصور گردید.

ای پروردگار این نفوس خوش رفتار را در دو جهان عزیز بدار و مظاهر الطاف بی‌پایان نما. توثی مقتدر و توانا توثی دهنده و بخشنده و بی‌همتا. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۴)

۷۳- یا مَنْ قام بکلیته علی خدمه امرالله آنچه در خصوص دارالتعلیم مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید؛ مورث فرح و سرور شد و محرک وجد و حور. جمیع یاران خرم و شادمان گشتند.

این دبستان از تأسیسات اصلیه اساسیه است که فی الحقیقه سبب استحکام بنیان عالم انسان است. انشاءالله از هر جهت مکمل گردد و چون این دبستان در هر خصوص مکمل و معمور و فائق بر سایر مکاتب و مدارس گردد، دیگری و دیگری بالتابع تأسیس شود.

مقصود این است که یاران باید در فکر تربیت و تعلیم عموم اطفال ایران افتند تا کل در دبستان چشم و گوش باز نموده و به حقائق کائنات پی برده کشف رموز و اسرار الهی نمایند و به انوار معرفت و محبت حضرت احدیت منور گردند و این بهترین وسیله است به جهت تربیت عموم. (همان، ص ۵۵)

۸۳- در خصوص تعلیم و تربیت اطفال نهایت همت مجری فرمایید؛ اهمیت عظمی دارد و همچنین تربیت بنات در نهایت آداب تا به حسن سلوک و اخلاق پرورش یابند؛ زیرا امهات اول مرتبی اطفالند و هر کودک در بدو طفولیت مانند شاخه تر و تازه است و در تحت تربیت مادر و پدر به هر قسم که خواهند تربیت نمایند. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۵)

تعلیم و تربیت دختران

تعلیم و تربیت دختران، از آنجا که آنها اولین مربیان اطفال خواهند شد، بر تربیت و تعلیم پسران اولویت دارد. تعلیم و تربیت وسیله‌ای برای زنان است تا به برابری کامل با مردان واصل شوند. به این معنی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بعضی از سجایا و فضائلی که باید آموزش داده شود، بیان شده است:

۸۴- ای امه محترمه ... در خصوص مدرسه دختران مرقوم داشته بود. آنچه از قبل مرقوم شد مصداقش هنوز موجود. هیچ ترقی و پیشرفتی حاصل نشود مگر آن که دختران در مدارس و معاهد علمی تحت تعلیم در آیند، علوم و سایر شعب علمی به آنها تعلیم داده شود، و آنها، در حد لزوم، به کسب فنون نائل گردند و

تعلیمات ربّانی ببینند. چه که روزی رسد که این دختران مادران شوند. مادران اوّل مرّبی کودکانند، که فضائل را در طبیعت باطنی طفل القاء نمایند. آنها طفل را به کسب کمالات و سلوک و رفتار ممدوحه تشویق کنند، در مقابل صفات مذمومه انذار نمایند، و او را ترغیب کنند که عزم جزم، ثبات قدم، تحمّل سختی‌ها و شدايد از خود نشان دهد و در سبیل ترقّی و تقدّم قدم نهد. لهذا توجه تامّ به تعلیم و تربیت دختران لازم و ضروری است. این موضوع بغایت اهمّیت دارد و باید تحت نظارت محفل روحانی اداره شود و انتظام یابد. (ترجمه - Compilation of Compilations، شماره ۲۱۳۲)

۸۵- ای اماء الرّحمن مدرسه بنات هم از مدرسه ذکور است؛ زیرا دوشیزگان این قرن مجید باید نهایت اطلاع از علوم و معارف و صنایع و بدایع این قرن عظیم داشته باشند تا به تربیت اطفال پردازند و کودکان خویش را از صغر سنّ تربیت به کمال نمایند؛

و اگر مادر چنان که باید و شاید حائز فضائل انسانی باشد، اطفال مانند فرشتگان در نهایت کمال و جمال و آداب پرورش یابند. پس این مدرسه بنات که در آن سامان تأسیس شده، باید مشمول نظر احبّای الهی گردد و مورد اهتمام نفوس رحمانی شود. معلّماتی که در این مدرسه هستند، اماء مقربّه درگاه احدیتند، زیرا امتثال اوامر مقدّسه جمال مبارک نمودند و به تربیت اطفال اناث برخاستند. روزی آید که این دختران مادران گردند و هر یک در نهایت ممنونیت به درگاه احدیت تصرّح و زاری نمایند و این معلّمات را نجاج و فلاح و رستگاری طلبند و علوّ درجات در ملکوت ربّ الآیات خواهند. این مدرسه را مدرسه موهبت نام نهد.^۹ (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۶)

۸۶- یا امه الاعلی نامه‌ای که در خصوص مدرسه دختران^{۱۰} مرقوم نموده بودی، از قرائتش دلها شادمان شد که الحمدلله در طهران دوشیزگان را چنین دبستانی که در کمال همت تحصیل فضائل عالم انسانی می‌نماید و در ظلّ عنایت حضرت احدیت تربیت می‌شوند تا اندک زمانی نساء در میدان کمال، هم‌عنان رجال شوند. تا به حال در ایران اسباب ترقّی نسوان نبود؛ از هر ترقّی بی‌بهره بودند. ولی الحمدلله که از یوم طلوع صبح هدی روز به روز نساء در ترقّی هستند و امید چنان است در خصائل و فضائل و تقرّب درگاه کبریا و ایمان و ایقان سبقت گیرند و نساء شرق غیبه نساء غرب شوند.

الحمدلله تو مؤید به خدمتی و در این مورد بسیار زحمت و مشقّت می‌کشی و همچنین معلّم مدرسه، میس لیلیان کاپس^{۱۱} به او نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ دار. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۷)

^۹ مدرسه بهائی دختران در همدان، ایران

^{۱۰} مدرسه تربیت در مدینه طهران، ایران

^{۱۱} مجله نجم باختر، سال یازدهم، شماره ۱۹، صفحات ۶-۳۲۴ ملاحظه شود.

۸۷- ای بنات ملکوت در قرون سابق بنات ایران بکلی از تعلیم محروم؛ نه مکتبی و نه دبستانی؛ نه معلمی و نه استادی و نه مرتبی مهربانی. حال، در این قرن عظیم فضل کریم مشمول بنات نیز گردیده؛ مکاتب متعدده در ایران به جهت تعلیم دختران گشوده گشت؛ ولی تربیت مفقود، با آن که تربیت اعظم از تعلیم است، زیرا اعظم فضیلت عالم انسانی است.

حال، در همدان الحمدلله تأسیس مدرسه بنات بهائی^{۱۱} گردیده. شماها که معلّمید، باید بیشتر از تعلیم به تربیت پردازید تا بنات را به عصمت و عفت و حُسن اخلاق و آداب پرورش دهید و تعلیم علوم نمایید. اگر چنین مُجری گردد، تأییدات ملکوت ابهی در اوج آن دبستان موج زند. امید چنان است که موفق گردید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۸)

تعلیم و تربیت یتیمان

همه باید از فرصت برخوردار از تحصیلات و تعلیم و تربیت برخوردار شوند، علی‌الخصوص کسانی که در غیر این صورت محروم می‌مانند.

۹۰- در این امر مبارک مسأله ایتام بسیار اهمّیت دارد. ایتام را باید نهایت نوازش نمود، پرورش داد و تعلیم کرد و تربیت نمود، علی‌الخصوص تعلیم حضرت بهاء‌الله؛ به قدر امکان به هر یتیمی باید تعلیم کرد. از خدا خواهم که اطفال ایتام را پدر و مادر مهربان باشی و به نفحات روح القدس آنان را زنده نمائی تا به بلوغ رسند و هر یک عالم انسانی را خادم حقیقی گردند، بلکه شمع روشن شوند. (متخاتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۴ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۸)

۹۱- ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید و سبب نهایت مسرت گردید که الحمدلله در همدان تأسیس اعانه خیریه گردید. امیدوارم که سبب نجاح و فلاح کلی گردد و اسباب راحت و آسایش فقرا و ضعفا و تعلیم اطفال و تربیت ایتام حاضر و مهیا شود.

مسأله تربیت اطفال و پرستاری ایتام بسیار مهم است و همچنین تربیت و تعلیم بنات اهم‌ترین امور است. زیرا این دختران وقتی مادران گردند و اول مرتبی اطفال امهاتند. اطفال را هر قسم تربیت نمایند نشو و نما کنند و مادام‌الحیات آن تربیت تأثیرش باقی و تبدیل و تغییر بسیار مشکل. مادر بی تربیت و نادان چگونه تربیت و تعلیم اطفال نماید. پس معلوم شد که تربیت دختران اعظم و اهم از پسران است. این کیفیت بسیار اهمّیت دارد و باید نهایت همّت و غیرت را مبذول داشت.

^{۱۲} مدرسه موهبت در همدان، ایران

خدا در قرآن می‌فرماید، «لا یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»^{۱۳} پس جهل مطلقاً مذموم، خواه در ذکور و خواه در اناث؛ بلکه در اناث مضرتش بیشتر است. لهذا امیدوارم که احباء اطفال را، چه ذکور چه اناث، در نهایت همت تربیت و تعلیم نمایند. هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۹)

نقش والدین در تعلیم و تربیت

مسئولیت والدین در تعلیم و تربیت فرزندانشان بسیار عظیم است. به مادر و پدر وظائف متفاوتی در تعلیم فرزندانشان احاله می‌شود. این وظائف توصیف شده و اهمیت آنها مورد تأکید واقع شده است. ۹۸- ای اماء رحمن تربیت اطفال از آغاز کودکی برعهده شما گذاشته شده؛ شما باید اخلاق فرزندان را تهذیب و تحت جمیع شرایط و احوال آنان را سرپرستی و مراقبت نمایید. چه که حق جل جلاله مادران را اول مربی اطفال و نونهالان مقرر فرموده است. این خدمت وظیفه‌ای بسیار عظیم و خطیر و مقامی بغایت عزیز و جلیل است و نباید نسبت بدان هیچگونه سستی و تهاون راه یابد. اگر در این صراط مستقیم قدم نهی، نسبت به اطفال، هم در مراتب روحانی و هم در شئون جسمانی، مادر حقیقی به شمار خواهی رفت. (ترجمه، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۴)^{۱۴}

۹۹- به نور دیده خویش ... همچنین به فرزند کهتر خود ... تعیات و اشواق قلبیه مرا ابلاغ نما. فی الحقیقه هر دو نزد من عزیز و محبوبند، به همان قرار که پدر پهریانی نسبت به اطفال دلبنده خویش در نهایت عشق و محبت است. راجع به شخص خود، آنان را کماز ملاطفت ابراز دار و همت بلیغ در تعلیم و تربیت آنها بگمار تا به لبن محبت الله پرورش یابند و نشو و نما نمایند. زیرا تکلیف والدین چنان است که در تعلیم و تربیت اولاد به منتهای جد سعی و کوشا باشند.

و نیز باره‌ای وظائف مقدسه بر عهده اطفال است که باید در حق والدین مرعی دارند؛ وظائف و تعهداتی که در کتاب الهی مدوّن و مسطور است. چه که مرتبط به خداوند است.^{۱۵} ترقی اطفال در این

^{۱۳} سوره زمر، آیه ۱۲ (در قرآن به صورت «هل یستوی الذین... نازل شده است - م)

^{۱۴} ترجمه انگلیسی آن در صفحه ۶۰۶ جلد سوم Tablets of Abdu'l-Baha مندرج است.

^{۱۵} در رساله سؤال و جواب، که متمم کتاب اقدس محبوب، حضرت بهاء الله خدمت ابوبین را وظیفه حتمیه اولاد مقرر فرموده‌اند و نیز خود قاطع و صریح بیان می‌فرمایند که بس از عرفان حق جل جلاله اعظم تکلیف اطفال همانا بذل توجه کامل نسبت به حقوق والدین و اعزاز و اکرام آنان به حنت کمال است. (ترجمه)

عالم و در جهان ملکوت موقوف به رضایت و مسرت خاطر ابوبین است و بدون آن در خسران و زیان محض خواهند بود. (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۵)^{۱۶}

۱۰۰- پدر باید همواره بکوشد که پسر را تربیت کرده با تعالیم آسمانی آشنا نماید؛ باید همیشه او را نصیحت نموده تشویق و ترغیب کند؛ اعمال و کردار ممدوحهٔ پسندیده به او بیاموزد و جهت حصول تعلیم و تربیت در مدرسه، کمک و مساعدتش نماید. خلاصهٔ کلام، باید فضائل و کمالات عالم انسانی را در ذهن و روحش القاء کند. مهم‌تر از همه، او باید مستمراً فرزند را به ذکر الهی متذکر دارد به نحوی که عروض و شریان تباضش به محبت الهی مهتر گردد. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء - انوار هدایت، شماره ۷۶۶)

۹۶- الیوم احبای الهی را فرض و واجب است که اطفال را به قرائت و کتابت و تعلیم دانش و ادراک تربیت نمایند تا آن که روز به روز در جمیع مراتب ترقی کنند. اول مرتبی اطفال مادرانند، زیرا طفل در بدو نشو و نما چون شاخ تر و تازه باشد؛ به هر قسم بخواهی تربیت توانی؛ اگر راست تربیت کنی راست گردد و در کمال موزونی نشو و نما کند و این واضح است که مادر اول مرتبی است و مؤسس اخلاق و آداب فرزند.

پس ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است

به آداب کمال انسانیت و ثوابی اعظم از این تصور نتوان نمود. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۷۰ / نصوص تربیتی، ص ۷۲)

۱۰۱- ای عزیز عبدالبهاء پسر آن پدر باش و ثمر آن شجر؛ زادهٔ عنصر جان و دل او باشد، نه همین آب و گل. پسر حقیقی آن است که از عنصر روحانی انسان منشعب گردد. از خدا خواهم که در جمیع اوقات موفق و مؤید باشی. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۶ / نصوص تربیتی، ص ۷۶)^{۱۷}

۱۴۳- در باب مسألهٔ تربیت اطفال با توجه به تأکیدی که از طرف حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء نسبت به وظیفهٔ والدین راجع به تربیت اطفال در سنین اولیةٔ عمر به عمل آمده به نظر می‌رسد ارجح آن است که این تربیت در کانون عائله و به دست مادران صورت گیرد نه آن که اطفال به پرورشگاه‌ها سپرده شوند. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰۵؛ انوار هدایت، شماره ۵۰۱)^{۱۸}

تعلیم و تربیت اجباری است

همه باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

^{۱۶} ترجمهٔ بیان مزبور در صفحات ۳-۲۶۲ جلد دوم Tablets of Abdu'l-Baha مندرج است.

^{۱۷} توضیح مترجم: در بالا اصل بیان مبارک نقل شد. در مجموعه نصوص تربیتی ترجمه از انگلیسی نقل شده است.

^{۱۸} این رأی مبارک در مورد عنایت شده که بعضی از مادران در صدد بودند فرزندان (۲/۵ و ۳ ساله) خود را در کودستان بگذارند زیرا در مجاورت آنها هیچ همبازی برای آنها وجود نداشت و نیز به این سبب که آنها فکر می‌کردند چندین ماه بعد از تولد نوزادانشان وقت کافی برای کودکان خود نخواهند داشت.

۱۱۴- حضرت بهاءالله اعلام فرمودند که چون جهل و نادانی و فقدان تربیت و دانایی علت انفصال و جدایی بین افراد انسانی است، لذا باید کل به کسب علم و تربیت موفق گردند تا با حصول این منظور، عدم تفاهم بین افراد بشر زائل شود و وحدت نوع انسان چهره گشاید. تربیت عمومی شریعت و قانون عمومی است. (ترجمه خطابه اول سپتامبر ۱۹۱۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۴)

۱۲۳- امر بهائی ... طرفدار و مدافع تعلیم اجباری است. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۹۵)

۱۱۵- تعلیم و تربیت هر طفل امری الزامی و اجباری است ... علاوه بر تعلیم وسیع و دامنه دار، هر طفل باید شغل و پیشه ای و یا حرفه و صنعتی بیاموزد تا هر فرد جامعه بر رفع حوائج و تأمین معاش خود قادر گردد. هر کار که با روح خدمت انجام پذیرد همان نفس عبادت محسوب است. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۴)

تعلیم و تربیت بهائی: اساس شریعت الله و مبنای سعادت

تعلیم و تربیت بهائی اساس شریعت الهیه، و بنیان دین الله است؛ مبنای سعادت انسانی در دنیا و عقبی است.

۴۸- این اطفال را تربیت بهائی خواهم تا در ملک و ملکوت ترقی نمایند و سبب سرور دل و جان تو گردند. در آینده اخلاق عمومی بسیار فاسد گردد؛ باید اطفال را تربیت بهائی نمود تا سعادت دو جهان یابند؛ والاد زحمت و مشقت افتند، زیرا سعادت عالم انسانی به اخلاق رحمانی است. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۴ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۹)

۴۹- ای مفتون نفحات قدس الهی تعلیم و تربیت طفل اهمیت بی منتهی دارد. طفل رضیع، باید از تربیت بهائی نصیب برد و روح محبت حضرت مسیح و حضرت بهاءالله در او الفاء شود تا منطبق با حقایق انجیل و کتاب اقدس پرورش یابد. (ترجمه - Compilation of Compilations، شماره ۵۹۷)

۵۴- ای دو بنده آستان مقدس محافلی که از برای تربیت و تعلیم نورسیدگان ترتیب گردیده مورث نهایت روح و ریحان شد و هر نفسی ساعی در آن یا معلم طفلان یا مشوق کودکان است البته مظهر تأییدات غنیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف بی پایان شود. لهذا با نهایت سرور تشویق بر این امر مشکور می گردد تا مناهده اجر موفور فرماید و منتظر تأیید حتمی رب غفور باشید... ع (مجموع نصوص تربیتی، ص ۴۲)

۵۶- ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید؛ مفهوم موجب فرح و نهایت سرور گردید که الحمدلله نورسیدگان جنت ابهی از رشحات ابر عنایت در نهایت حرارت و لطافتند و به باران نیشان هدایت کبری نشو و نما می نمایند و روز به روز ترقی می کنند.

یقین است که هر یک رایب هدی شونء و آیب موهبب ملکوب ابهبی گوردنء؛ حءبقة عرفان را بلبل خوش الحان شونء و صحرای محببب الله را غزالان خوش خط و خال. مسأله تربیبب اطفال را بسیار اهمیبب بدهیبء، زیرا این اساس شریعب الله و پایه بنیان دین الله.

اگر بدانیبء از قضیه اطفال چقدر مسرت حاصل گردیبء، البه جمعب اطفال را چنین تربیبب نماییبء.

(مجموعه نصوص تربیبب، ص ۴۳)

ماهیت انسان

اگر ما بی به ماهیبب انسان نبریبم، قادر نخواهیبم بود به نحوی صحیح به افراد کمک کنیم تا در جهت صحیح حرکت کنند و رشد نماینء. بسیاری سوء تفاهمات در این خصوص که ما که هستیبم و چگونه رشد می کنیم در فقراتی که ذیلاً نقل می شود واضح و معلوم می گردد. جمعب ما در نتیجه صفات ذاتی، موروثی و اکتسابی متفاوتیبم.

۳۸- بعضی نفوس چنان گمان کنند که ناموس طبیعی انسان مانع ارتکاب اعمال قبیحه و ضابط کمالات معنویه و صوره است. یعنی شخصی که متصف به خرد طبیعی و غیرت فطریه و حمیبب ذاتیه است، بدون ملاحظه عقوبات شدیدة مرتبه بر اعمال شرابه و ثبوبات عظیمه افعال خیریه بری از اضرار عباد و حریبص بر اعمال خیریه است.

اولاً آن که در تواریخ عمومیه دقت نمایم واضح و مبرهن شود که ناموس طبیعی از فیوضات تعالیم انبیای الهی است و همچنین ملاحظه می نمایم که از اطفال در صغر سن آثار تعدی و تجاوز ظاهر و اگر از تربیبب مرتبی محروم ماند آناً فآناً شیبم غیر مرضیه اش تزیاید یابد. پس معلوم شد که ظهور ناموس طبیعی نیز از نائج تعلیم است.

و ثانیاً آن که بر فرض تصور این که خرد طبیعی و ناموس فطری مانع شر و مدل بر خیر است؛ این معلوم و واضح است که همچو نفوس چون اکسیر اعظم است، چه که این ادعا به قول تمام نشود بلکه عمل لازم. حال چه امری در وجود جمهور را بر نیات حسنه و اعمال صالحه ملجاء و مضطر می نماید و از این گذشته آن شخصی که مصدر ناموس طبیعی است اگر مظهر خشیه الله گردد، البه در نوایای خیریه اش ثابت تر و راسخ تر گردد. (رساله مدنیه، ص ۱۱۵-۱۱۴ / مجموعه نصوص تربیبب، ص ۲۵)

۳۹- و اما تفاوت بین نفوس و پستی و بلندی و برتری و بهتری؛ طبیعیون دو قسمند، قسمی بر آنند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است؛ به اصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گوینء که تفاوت بین نوع واضح است که طبیعی است. مثلاً نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و

حیوان نیز تفاوت طبیعی دارد، حتی در جماد نیز تفاوت طبیعی است؛ یکی معدن سنگ است و دیگری معدن لعل پُر آب و رنگ؛ یکی صدف است و دیگری خزف.

و قسم دیگر از فلاسفه قدما بر آنند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت است؛ زیرا شاخ کج به تربیت راست گردد و درخت بی ثمر بیابانی بُستانی شود و پیوند گردد و بارور شود و شاید تلخ است شیرین شود، میوه اش صغیر است کبیر گردد و لذت و حلاوت یابد.

و برهان اعظمشان این است که زنگیان افریک قاطبه وحشی و نادانند و متمدنان امریک قاطبه دانا و هوشمند و این واضح است که تفاوت این دو فرقه مبنی بر تجربه و تربیت است. این قول فلاسفه و حکما است.

ولی انبیاء بر آنند که در اصل فطرت تفاوت مُسَلَّم و مبرهن و "فَضَلْنَا بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ" قضیه‌ای محتوم و معلوم. البته، نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند. اگر اطفال معدود از یک پدر و یک مادر در مکتب واحد و به تعلیم واحد و تربیت واحده و به غذا و طعام واحد پرورش یابند، بعضی به نهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسط باشند و بعضی به هیچ وجه تعلیم نگیرند. پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب و خلقت است.

و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیری عظیم مُسَلَّم و مقرر دانند. مثلاً اگر طفل از دبستان محروم ماند، البته جاهل و نادان ماند و معلوماتش محصور در اکتشافات خویش باشد؛ و چون نزد ادیب دانا تحصیل علوم و معارف نماید بر اکتشافات هزاران نفوس از بشر اطلاع یابد. پس تعلیم اهل ضلالت را سبب هدایت شود و کوران را علت بینایی گردد، بی خردان را دانا کند، بی حاصلان را سبب بزرگواری شود، انسان ابکم را ناطق کند و فجر کاذب را صبح صادق نماید، دانه صغیر را نخل باسق نماید و عبد آبق را بلیک فائق فرماید.

لذا، البته تربیت تأثیر دارد و نظر به این حکمت است که مظاهر غیب احدیت و مطالع رحمانیت در عالم بشریه مبعوث گردند تا نوع انسان را به نفعات قدس تربیت نمایند و طفل رضیع را رَجُل رشید کنند؛ پس محرومان ناسوت مُحَرمان لاهوت گردند و بی نصیبان بهره و نصیب یابند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۷۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۶)

۴۰- سؤال: اخلاق در بین نوع انسان چند قسم است و اختلاف و تفاوت از چه جهت است؟

جواب: اخلاق فطری و اخلاق ارثی و اخلاق اکتسابی که به تربیت حاصل گردد. اما اخلاق فطری هر چند فطرت الهیه خیر محض است، ولیکن اختلاف اخلاق فطری در انسان به تفاوت درجات است؛ همه خیر

^{۱۹} قرآن کریم، سوره اسرا آیه ۲۱ (مترجم: در نفس قرآن فَضَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ آمده است.)

است، اما به حسب درجات خوب و خوشتر است. چنان که جمیع نوع انسان ادراک و استعداد دارد، اما ادراک و استعداد و قابلیت در میان نوع انسان متفاوت است و این واضح است.

مثلاً چند طفل از یک خاندان در یک محل، در یک مکتب، از یک معلم تحصیل نمایند و به یک غذا و یک هوا و یک لباس تربیت شوند و یک درس بخوانند، لابد در میان این اطفال بعضی ماهر در فنون می‌شوند و بعضی متوسط و بعضی پست. پس معلوم شد که در اصل فطرت تفاوت درجات موجود و تفاوت قابلیت و استعداد مشهود، ولی این تفاوت نه از روی خیر و شر است، مجرد تفاوت درجات است؛ یکی در درجه اعلی است و یکی در درجه وسطی و یکی در درجه ادنی. مثلاً انسان وجود دارد، گیاه وجود دارد، جماد وجود دارد، اما وجود در این موجودات اربعه متفاوت است؛ وجود انسانی کجا و وجود حیوانی کجا؟ ولی کل موجودند و این واضح است که در وجود تفاوت درجات است.

و اما تفاوت اخلاق ارثی؛ این از قوت و ضعف مزاج، یعنی ابوین چون ضعیف المزاج باشند، اطفال چنان گردند و اگر قوی باشند اطفال جسور شوند و همچنین طهارت خون حکم کلی دارد. زیرا نطفه طیبه مانند جنس اعلی است که در نبات و حیوان نیز موجود. مثلاً ملاحظه می‌نمایید اطفالی که از پدر و مادر ضعیف و معلول تولد یابند، بالطبع به ضعف بنیه و ضعف عصب مبتلا و بی‌صبر و بی‌تحمل و بی‌ثبات و بی‌همت و عجول هستند. زیرا ضعف و سستی ابوین در اطفال میراث گشته.

و از این گذشته، بعضی از خانمان و دودمانها به موهبتی مخصوص گردند. مثلاً سلاله ابراهیمی به موهبتی مخصوص بوده که جمیع انبیای بنی اسرائیل از سلاله ابراهیمی بودند. این موهبت را خداوند به آن سلاله عنایت فرمود. حضرت موسی از طرف پدر و مادر و حضرت مسیح از طرف مادر و حضرت محمد، حضرت اعلی و جمیع انبیای بنی اسرائیل و مظاهر مقدسه از آن سلاله‌اند. (جمال مبارک نیز از سلاله ابراهیمی هستند، چون حضرت ابراهیم غیر از اسمعیل و اسحق پسرهای دیگر داشت که در آن زمان به صفحات ایران و افغانستان هجرت نمودند و جمال مبارک نیز از آن سلاله‌اند.)

پس معلوم شد اخلاق میراثی نیز موجود، حتی اگر اخلاق مطابق نیاید ولو جسماً از آن سلاله است، ولی روحاً از آن سلاله شمرده نشود؛ مثل این که کنعان^{۲۰} از سلاله نوحی شمرده نمی‌شود.

و اما تفاوت اخلاق من حیث التریبه؛ این بسیار عظیم است. زیرا تربیت بسیار حکم دارد؛ نادان از تربیت دانا شود، جبان از تربیت شجاع گردد، شاخه کج از تربیت راست شود، میوه‌های کوهی جنگلی تلخ و گز از تربیت لذیذ و شیرین گردد، گل پنج‌پر از تربیت صدپر شود، امت متوحشه از تربیت متمدن گردد، حتی حیوان از تربیت حرکت و روش انسان یابد. این تربیت را باید بسیار مهم شمرد. زیرا امراض همچنان

²⁰ عهد عتیق، سفر پیدایش، باب نهم، آیه ۲۵

که در عالم اجسام به یکدیگر سرایت شدید دارد، به همچنین اخلاق در ارواح و قلوب نهایت سرایت دارد. این تفاوت تربیت بسیار عظیم است و حکم کلی دارد.

شاید نفسی بگوید که مادام که استعداد و قابلیت نفوس متفاوت است و به سبب تفاوت استعداد لابد تفاوت اخلاق است.²¹

اما نه چنان است؛ زیرا استعداد بر دو قسم است: استعداد فطری و استعداد اکتسابی. استعداد فطری که خلق الهی است، کل خیر محض است؛ در فطرت شر نیست. اما استعداد اکتسابی سبب گردد که شر حاصل شود. مثلاً خدا جمیع بشر را چنین خلق کرده و چنین قابلیت و استعداد داده که از شهد و شکر مستفید شود و از سم متضرر و هلاک گردند. این قابلیت و استعداد فطری است که خدا به جمیع نوع انسان یکسان داده است. اما انسان بنا می‌کند کم‌کم استعمال سم نمودن؛ هر روزی مقداری از سم می‌خورد. اندک اندک زیاد می‌کند تا به جایی می‌رسد که هر روز اگر یک درهم افیون نخورد، هلاک می‌شود و استعداد فطری به کلی منقلب می‌گردد. ملاحظه کنید که استعداد و قابلیت فطری از تفاوت عادت و تربیت -بگونه تغییر می‌یابد که بالعکس می‌شود اعتراض بر اشقیای از جهت استعداد و قابلیت فطری نیست بلکه اعتراض از جهت استعداد و قابلیت اکتسابی است.

در فطرت شری نیست؛ کل خیر است، حتی صفات و خلقی که مذموم و ملازم ذاتی بعضی از نوع انسانی است، ولی فی الحقیقه مذموم نه. مثلاً در بدایت حیات ملاحظه می‌شود که طفل در شیر خوردن از پستان آثار حرص از او واضح و آثار غضب و قهر از او مشهود. پس حسن و قبح در حقیقت انسان خلقی است و این منافق خیریت محض در خلقت و فطرت است. جواب این است که حرص که طلب ازدیاد است، صفت ممدوح است، اما اگر در موقعش صرف شود. مثلاً اگر انسان حرص در تحصیل علوم و معارف داشته باشد و یا آن که حرص در رحم و مروت و عدالت داشته باشد، بسیار ممدوح است و اگر بر طالمان خونخوار که مانند سباع درنده هستند، قهر و غضب نماید، بسیار ممدوح است. ولی اگر این صفات را در غیر مواضع صرف نماید مذموم است. (مفروضات، ص ۱۶۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۹)

جلوگیری از جرم و اعمال مضوره

آثار مبارکه در خصوص نحوه سلوک با مجرمین و علل جنایت پیش‌هایی در مورد تعلیم و تربیت به ما می‌دهند. اهمیت آموزش صحیح از زمان نوزادی، همراه با استفاده صحیح از تشویق و تنبیه، مورد تأکید واقع شده است.

²¹ یعنی از این قرار: نفوس مسئول اخلاق خویش نیستند.

۴۱- و اما تفاوت بین مدنیت طبیعیّه که الیوم منتشر است و بین مدنیت الهیّه که از نتایج بیت‌العدل خواهد برد؛ فرق این است که مدنیت طبیعیّه به قوه قوانین جزائیه و قصاص رادع و مانع خلق از ارتکاب قبایح اعمال گردد و با وجود این این است که ملاحظه می‌نماید که قوانین مجازات و احکام زجریه متصل در انتشار است و ابدأ قانون و مکافات در میان نه.

و در جمیع شهرهای اروپا و امریکای ابنیه و اسعده حبس‌خانه‌ها به جهت زجر ارباب جرائم تأسیس و بنا شده است.

اما مدنیت الهیّه نفوس بشر را چنان تربیت نماید که نفسی ارتکاب جرائم ننماید، الا افراد نادره که آن ابدأ حکم ندارد. پس فرق است در این که نفوس را از قبایح و جرائم به واسطه زجر و قصاص و شدت انتقام منع نماییم و یا آن که چنان تربیت کنی و نورانیت بخشی و روحانیت بدهی که نفوس بدون خوف از زجر و انتقام و قصاص از جرائم اجتناب نمایند، بلکه نفس جرائم را نعمت کبری و جزاء عظیم شمردند و منجذب فضائل عالم انسانی شوند و در آنچه سبب نورانیت بشر است و ترویج صفاتی که مقبول درگاه کبریا است جانفشانی کنند.

پس ملاحظه نما که در بین مدنیت طبیعی و مدنیت الهیّه چه قدر فرق و امتیاز است. مدنیت طبیعی به زجر و قصاص بشر را مانع از اذیت و ضرر گردد و از ارتکاب جرائم باز دارد؛ ولی مدنیت الهیّه چنان تربیت نماید که نفوس بشریه بدون خوف از جزا اجتناب از اجرام کنند و نفس جرم نزد آنان اعظم عقوبت گردد و به نهایت جذب و وله به اکتساب فضائل انسانی و مابه‌الترقی بشری و آنچه سبب نورانیت عالم انسانی است پردازند. (متنخانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۳)

۴۲- از جمله محافظه دین‌الله تربیت اطفال است که از اعظم اساس تعالیم الهیّه است. پس باید امهات طفل شیرخوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند. زیرا اول مرتب امهاتند تا چون طفل بالغ گردد به جمیع خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصف و متخلق شود.

و همچنین به موجب اوامر الهیّه هر طفل باید قرائت و کتابت و اکتساب فنون لازمه مفیده نماید و همچنین تعلیم صنعتی از صنایع این امور را نهایت اهتمام باید. قصور و فتور در این خصوص جائز نه.

ملاحظه فرمایید که چقدر زندان و سجون و محل عذاب و عقاب از برای نوع بشر حاضر و مهیا است تا به این وسائط زجریه نفوس را از ارتکاب جرائم عظیمه منع نمایند و حال آن که این زجر و عذاب سبب ازدیاد سوء اخلاق می‌گردد و مطلوب چنانچه باید و شاید حاصل نشود. پس باید نفوس را از صغر سن چنان تربیت نمود که اکتساب جرائم ننمایند، بلکه جمیع همشان به اکتساب فضائل باشد و نفس جرم و

قصور را اعظم عقوبت شمردند و نفس خطا و عصیان را اعظم از حبس و زندان دانند. چه که می‌توان انسان را چنان تربیت نمود که جرم و قصور اگر به کلی مفقود و معدوم نگردد، ولی نادرالوقوع شود. باری مقصود این است که تربیت از اعظم اوامر حضرت احدیت است و تأثیرش تأثیر آفتاب در شجر و ثمر. اطفال را بسیار باید مواظبت و محافظت و تربیت نمود. این است حقیقت و شفقت پدر و مادر. و لا ُعلف خودرو گردند و شجره زقوم شوند؛ خیر و شر ندانند و فضائل را از رذائل تمیز نتوانند؛ مرئای غرور گردند و متفور رب غیور. لهذا، جمیع اطفال نورسیدگان باغ محبت‌الله را به کمال مواظبت و تربیت لازم. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۵)

انضباط

بعضی از فلسفه‌های تربیتی این نکته را مطرح می‌کنند که بهترین رویکرد این است که اطفال را به حال خود باید گذاشت تا آزاد از تأثیرات بیرونی رشد نمایند. آثار بهائی بر این نکته تصریح می‌کند که تعلیم و تربیت و انضباط برای کمک به رشد صحیح کودک لازم است. یکی از مشکل‌ترین و حیاتی‌ترین مسئولیت‌های مربی حفظ جو صحیح در کلاس و توسعه انضباط فردی است. امروزه، با تلاش مربیان برای یافتن راه‌هایی جهت بهبود رفتار فردی و کلاسی، این عنوان مورد توجه زیاد واقع می‌شود. در میان مواردی که در حال حاضر اجرا می‌شود، که به نحوی دقیق نزدیک به نوع کنترلی است که حضرت عبداله‌بهاء به مدنیت مادی نسبت می‌دهند، هدایات بهائی دیدگاهی است که در اقلیت قرار دارد. این آموزش، با پرورش شخصیت و پرداختن به آن قسمت از برنامه آموزشی که به خوی و سرشت و رفتار مربوط است، رتباط نزدیکی دارد. اولین بیانی که نقل می‌شود تلخیص مطلوبی از هدایت لازم توسط حضرت عبداله‌بهاء ز انضباط است. اگرچه مخاطب آن مادرانند، اما قابلیت کاربرد آن برای مربیان واضح و مشهود است.

۹۷ب - در خصوص تربیت اطفال، امهات باید نهایت اهمیت بدهند و همت بگمارند. زیرا شاخه تا تر و تازه است، هر نوع تربیت‌نمایی تربیت شود. پس امهات باید طفلان خردسال را مانند نهالها که باغبان می‌پرورد، پرورش دهند؛ شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمان و محبت دلبر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسس یابد. مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند، ستایش کند و تحسین نماید و تطیب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی‌فائده صدور یابد، طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و به وسائط معقوله حتی زجر لسانی جزئی، اگر لازم باشد، مجری دارد؛ ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست. زیرا به کلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد. (مکاتیب عبداله‌بهاء، ج ۷، ص ۱۶ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۴)

۱۵۲ - حضرت ولی امرالله از استماع این خبر که فرزند کوچک شما دارای رشد و نمو رضایت‌بخش نیست، بسیار متأثرند. عده بسیار قلبی از اطفال فی الحقیقه دارای وضعی غیرمتناسب می‌باشند. اطفال مذکور

پاره‌ای اوقات دارای خصوصیات پیچیده و مفصل بوده و برای تربیت آنها تدابیر حکیمانه شدید لازم است تا افرادی طبیعی، خلیق و دلشاد به بار آیند. اگر احساس می‌کنید که طفل فی الحقیقه از حضور در مدرسه پدر فلاناگان^{۲۲} استفاده خواهد نمود، می‌توانید به آن مدرسه روانه دارید. اما به نحو عموم، یاران باید از اعزام اطفال بهائی به مدارس متعصب مذهبی، خصوصاً کاتولیک، پیوسته خودداری نمایند. زیرا عقاید مذهبی آن قوم که نزد اهل بهاء از عقاید سالفه و خارج از شئون و مقتضیات عصر حاضر شمرده می‌شود، در قلب آنان نقش خواهد بست. هیکل مبارک برای حل این مشکل خصوصاً دعا می‌فرمایند. (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱۰/ انوار هدایت، شماره ۵۰۷)

۱۴۰- در باب بیانی که متسیب به حضرت عبدالبهاء است و شما در نامه خودتان راجع به یک طفل ناملازم و صعب‌التربیه ذکر نموده‌اید، این بیانات مبارکه هر چند در اساس کامل و مقرون به حقیقت است، ولی نباید هرگز آنها را تحت اللفظ تعبیر و تفسیر نمود. حضرت عبدالبهاء را به هیچ وجه منظور آن نبوده که طفلی را باید به خود وا گذاشت و یا بالمره او را در شئون خویش آزاد ساخت.

فی الحقیقه تربیت بهائی مانند هر روش تربیتی دیگر مؤسس بر این نظریه است که پاره‌ای نواقص طبیعی در هر طفل، ولو هر قدر صاحب استعداد باشد، موجود است که مرئیان وی، اعم از والدین، استادان و یا رهنمایان و معلمین روحانی، باید در علاج آن سعی و مراقبت موفور مبذول دارند. انتظام و روش صحیح به هر نوع جسمانی، اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ تربیتی را نمی‌توان کامل و مفید تلقی نمود، مگر آن که این اصل اساسی در آن مرعی گردد. طفل پس از تولد از سرحد کمال بسیار دور، یعنی نه تنها ضعیف و بیچاره است، بلکه عملاً ناقص و حتی بالطبع متوجه ضرور و مفاسد می‌باشد. بنابراین، باید تربیت یابد، تمایلات طبیعی او هم‌آهنگ، بل تعدیل و کنترل گردد و، در صورت لزوم، متوقف و یا منتظم شود تا رشد و نمو جسمانی و ترقی و پیشرفت اخلاقی او تأمین پذیرد. والدین بهائی نمی‌توانند به سادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت به اطفال خویش در پیش گیرند، خصوصاً اطفالی که بالطبع ناملازم و شدیدند. حتی این امر به تنهایی کافی نیست که ابویں در حق اطفالشان دعا کنند. بلکه باید سعی و همت نمایند که به کمال ملایمت و شکیبایی شئون اخلاقی را در افکار جوانشان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مانوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند تا بالمال فرزندان حقیقی الهی گردند و سگان باوفا و هشیار ملکوت ابهی به بار آیند. این است مقصد بلند و نیت ارجمندی که حضرت بهاء الله بنفسه المقدس در آثار مبارکه تشریح و آن را هدف اعلی و غایت قصوای هر تربیت مقرر فرموده‌اند. (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰۱/ انوار هدایت، شماره ۵۱۰)

²² Father Flanagan

۱۴۹- حضرت ولی امرالله در تذکرات خودشان به خانم ماکسول در باب روابط والدین و اطفال، همچنین زنان و شوهران در آمریکا، مقصد و مرادشان آن است که در آن کشور یک حالت و تمایلی برای اطفال به وجود آمده که می‌خواهند از افکار و مآرب والدین خویش به کلی مستقل بوده و تکریم و احترامی را که در خورشان و مقام آنان است از نظر محو نمایند. (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰۹)

۱۵۰- راجع به سؤال شما در باب نزاع و جدال اطفال؛ بیان حضرت عبدالبهاء که می‌فرمایند در مقام مخالفت و مقابله به مثل برنیابند، نباید به نحوی تلقی گردد که اطفال بهائی معتقد شوند که باید مورد تعدی و اجحاف و محلّ تهدید و اعتراض قرار گیرند. در چنین موارد اگر بتوانند راهی در پیش گیرند که اختلاف بدون دفاع و مقاومت شخصی مرتفع گردد، البته باید به همان قرار عمل نمایند. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰۹)

نشویق نه سرزنش و انتقاد

نقش تمجید و تشویق در تعلیم و تربیت موضوعی بسیار بحث‌برانگیز است. هدایت حضرت عبدالبهاء در این باب در بهبود میزان پیشرفت محصلین در مدرسه، علی‌الخصوص کسانی که احساس می‌کنند از هوش کمتری برخوردارند، تأثیر شدید دارد.

۵۲- و اما ما سئلت فی تریبة الأطفال؛ فقلیک أن تُرضعهم من ثدی محبة الله و تشویقهم الی الروحانیات و التوجه الی الله و حسن الآداب و احسن الاخلاق و اکتساب الفضائل و الخصال المحمودة فی عالم الانسان و درس العلوم بغایة الاتقان حتی یکونوا روحانیین ملکوتیین منجذبین بنفحات القدس من صغر سنهم و یتربوا تریبة دینیة روحانیة ملکوتیة و انی ادعوا الله أن یوفقهم علی ذلك. (منتخبانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۱)

۱۱۰- اگر به تلمیذی گفته شود که میزان هوش و استعدادش از سایر تلامیذ کمتر است، البته این امر علت خمودت گردد و مانع بزرگ در راه ترقی و پیشرفت وی ایجاد خواهد نمود. اما، به جای این تذکر، احسن و اولی آن که مورد تشویق قرار گیرد و در طی طریق کمک و مساعدت شود. (ترجمه خطابه ۲ مه ۱۹۱۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۲)

۱۱۳- طفل را نباید مبعوض داشت که چرا طفلی؛ باید او را تربیت نمود. (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۴۶ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۴)^{۲۳}

^{۲۳} توضیح مترجم: در مجموعه نصوص تربیتی ترجمه از انگلیسی نقل شده و عین بیان مبارک نیست.

۱۳۴- حضرت ولی امرالله از مندرجات نامه... شما مشعر بر کیفیت شدیدی که رفتار و سکنات دخترتان، همچنین ارتباط و وضعیت عمومی مشارالیه نسبت به امر الهی ایجاد نموده است، بی نهایت متأثر و محزون گردیدند...

هرچند حدوث این امر فی الحقیقه مایه تأسف و تأثر است و هیکل مبارک از انعکاسات نامناسبی که ممکن است در این باب نسبت به آئین رحمانی ایجاد گردد، کاملاً مستحضر و واقفند. معذک، احساس ایشان آن است که جز عشق و محبت مادرانه، همچنین تذکرات و نصایحی که از طرف شما و سایر دوستان الهی به وی القاء شود، هیچ امری نمی تواند اثرات این پیشامد را خنثی نماید و این درد شدید را کاملاً علاج و درمان کند. بعلاوه، باید صبور و مطمئن باشید که مساعی شما در این زمینه با تأییدات و عنایات حضرت بهاءالله تقویت و هدایت خواهد گردید. یقیناً ادعیه شما به ساحت اقدس متساعد و مسئول شما اجابت خواهد شد و آرزو و انتظارتان نسبت به روحیه صبیّه، همچنین نسبت به امر الهی، به تدریج رو به تحقق کامل خواهد رفت.

بنابر این حضرت ولی امرالله توصیه می فرمایند که به هیچگونه عمل تند و شدید نسبت به حضور دخترتان در مجامع تشبث ننمایید... چه که از طریق ملایمت امید و انتظار بیشتری راجع به اصلاح رفتار وی موجود است تا هر اقدام دیگری که به زور و شدت عمل منتهی گردد. عشق و محبت نسبت به اصلاح اخلاق و تعدیل رفتار بشری از هر تنبیه و مجازات مؤثرتر و نافذتر است.

حضرت ولی امرالله مطمئن اند که بدین وسیله به ایجاد یک تغییر اساسی در حیات روحانی دخترتان به تدریج موفق خواهید شد و او را به فردی صدیق تر و با ایمانی عمیق تر مبدل خواهید ساخت. هیکل مبارک به نهایت اشتیاق در حق او دعا نمایند که کاملاً به این مقام فائز گردد. (ترجمه/ مجموعه نصوص تربیتی، ص ۹۶)

علم تعلیم و تربیت

در سراسر آثار بهائی، از مطالب فراوانی که در خصوص تعلیم و تدریس، بخصوص تدریس مطالب امریه موجود است، روش های آموزش را می توان استنباط نمود. همچنین هدایات مصرّحی به مربیان داده شده است. قضاوت در مورد قابلیت کاربرد آنها در موارد و مواضع عمومی دشوار است، اما تردیدی نیست که بعضی از هدایات را می توان از آنها استخراج کرد. بعضی از بیاناتی که ذیلاً نقل می گردد با موضوعات اداری و نیز موارد مربوط به برنامه های آموزشی ارتباط دارد.

۷۷- ای ثابت بر پیمان تربیتی که در تعلیم قرار دادید، که از بدایت اثبات الوهیت و وحدانیت ربّ قدیم و نبوت انبیاء و مرسلین و بیان آثار و آیات و عجائب گوئیّه گردد، بسیار موافق؛ چنین مجری دارید، البتّه تأیید از ربّ مجید خواهد رسید و حفظ الواح و آیات محکمات و احادیث بسیار موافق، البتّه کمال همت را در تعلیم و تفهیم و تدریس مبذول دارید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۹)

۷۸- اما اطفال از پنج سالگی باید در تحت تربیت داخل شوند؛ یعنی روزها در محلی که مربیان هستند محافظه شوند و ادب آموزند و به تحصیل بعضی حروف و کلمات و قرائت مختصر به عنوان بازی تعلیم نهند؛ چنان که در بعضی بلاد حروف و کلمات را از شیرینی ساخته به طفل می دهند. مثلاً شکل الف را از شیرینی ساخته اند، اسمش "الف" است و "با" را از شیرینی ساخته اند، اسمش "با" است و همچنین سایر حروف به طفل خردسال می دهند؛ اطفال زود حروف را یاد می گیرند...

اما در وقت خواب اطفال، امهات باید غزلیات جمال مبارک را بخوانند تا از سن طفولیت این اطفال به آیات هدی تربیت شوند. (مکاتیب عبدالهاء، ج ۳، ص ۲۶۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۹)

۷۹- ای بنده حضرت یزدان در خصوص تربیت صبیان و تعلیم کودکان سؤال نموده بودی؛ اطفالی که در ظلّ سدره مبارکه به عرصه وجود قدم نهادند و در مهد هدایت پرورش یافتند و رضیع ندی عنایت گشتند، این اطفال را باید امهات از بدایت به تربیت الهیه تربیت نمایند، یعنی همواره ذکر حق کنند و از بزرگواری حق سخن رانند و القای خشیه الله نمایند و در نهایت لطافت و نظافت و مهربانی طفل را پرورش دهند تا آنکه هر کودکی از بدو حیات نسیم محبت الله استشاق نماید و از رائحه هدایت الله به اهتزاز آید. این بدایت تأسیس تربیت است و اساس کلّ.

و چون طفل به سنّ تمیز رسد، او را در دبستان الهی داخل نمایند که ابتدا در آن ترتیل آیات رحمانی می شود و عقاید دینیّه تعلیم می گردد. در این مکتب طفل باید قرائت و کتابت تحصیل کند و همچنین بعضی از مبادی علوم که از برای صبیان ممکن التحصیل است.

یعنی بر این منوال که از بدایت باید معلّم قلم در دست اطفال دهد و آنان را دسته دسته نماید و هر دسته را به اقتضای استعداد درس و تعلیم دهد. آن اطفال در مقرّی صف زده نشسته و قلم در دست گرفته و کاغذ در پیش نهاده، معلّم نیز لوحه ها در مقابل معلّق نموده و به قلم خویش حرفی نوشته و اطفال نیز متابعت نموده آن حرف را بنگارند. مثلاً معلّم حرف الف را مرقوم نماید و بگوید، "این الف است"، اطفال نیز مانند آن بنگارند و بگویند، "این الف است." بر این منوال تا نهایت حروف ابجدیه و چون این حروف را درست بشناسند، آنوقت معلّم حروف را ترکیب نماید، همچنین اطفال متابعت نمایند و بر صحیفه بنگارند تا بر این

منوال حروف و کلمات را بتامه بشناسد. بعد، معلّم جمله بنگارد و اطفال نیز متابعت نمایند و بر ورق خویش بنگارند، معلّم معنی آن جمله را به اطفال تفهیم نماید.

و چون در لسان فارسی مهارت یابند، معلّم ابتدا ترجمه کلمات مفرده نماید و از تلامیذ معنی آن کلمات را استفسار نماید. اگر یک تلمیذ یکی ادراک نمود، آن کلمه را ترجمه نماید، معلّم تحسین نماید و اگر کلّ نتوانستند، معلّم در زیر آن کلمه ترجمه آن را به لسان دیگر بنگارد؛ مثلاً "سما" بنویسد و سؤال کند، "این کلمه را به پارسی چه گویند؟" اگر طفلی از اطفال بگوید، "ترجمه این کلمه به پارسی آسمان است،" معلّم تحسین کند و تشویق نماید و اگر نتوانستند خود معلّم بیان نماید و بنگارد و هم شاگردان بنگارند.

بعد، معلّم سؤال کند که این کلمه را به روسی یا فرانسوی و یا ترکی چه گویند. اگر دانستند بهتر و خوشتر و اگر ندانستند، معلّم بگوید ترجمه اش به لسان روسی یا فرانسوی چنین است و بر لوحه بنگارد و همچنین اطفال بنگارند.

چون اطفال در ترجمه کلمات مفرده مهارت یابند، معلّم کلمات را ترکیب نماید و جمله را بر لوحه بنگارد و ترجمه آن را از اطفال بطلبد. اگر ندانند نفس معلّم ترجمه نماید و بنگارد و اگر السنه متعدده به کار برد، البته بهتر است.

و به این سبب در مدتی قلیله، یعنی سه سال، اطفال در السن متعدده، بسبب نگاشتن، مهارت تامه حاصل نمایند و بتوانند عباراتی را از لسانی به لسان دیگر ترجمه نمایند و چون در این مبادی مهارت حاصل کنند، به تحصیل مبادی علوم پردازند و چون مبادی علوم را تمام کنند، هر کس بتواند و هوس نماید فنون متعدده در مکاتب عالیّه تحصیل نماید.

ولی عموم به تحصیل فنون عالیّه و علوم سامیه نتوانند مشغول گردند. باید اطفال را به مکاتب صنایع فرستاد تا تحصیل صنایع نیز نمایند و چون در صنعتی از صنایع مهارت حاصل کنند، آنوقت ملاحظه نمایند که میل و رغبت طفل در چه چیز است؛ اگر چنانچه به تجارت است، به تجارت و اگر به صنعت است، به صنعت و اگر به معارف است، به نشر معارف و اگر به سائر وظائف انسانیّه است، هر کدام را میل و رغبت و استعداد داشته باشد، به آن محوّل نمایند.

اما اساس اخلاق الهیه است و فضائل و خصائل ممدوحه انسانیّه؛ این را بیش از همه باید منظور داشت. اگر نفسی امّی باشد ولی به اخلاق الهیه متخلّق و به نفس رحمانی زنده، آن بی سوادی ضرری به او نرساند و این نفس سبب خیر عموم است و اگر چنانچه جمیع فنون را تحصیل نماید و متدین نباشد و متخلّق

به اخلاق الهیه نگردد و نیت خالصه نداشته باشد و منہمک در شہوات گردد، مضرّت محض است؛ ابدأ از علوم و معارفش جز اذیت و رسوایی حاصل نشود.

ولی اگر اخلاقش رحمانی و صفاتش نورانی و مسلکش ربّانی و انجذابش سبحانی و علوم سائره را تحصیل نماید، آن وقت نورّ علی نور است؛ ظاهرش روشن و باطنش منور، قلبش سلیم و فکرش عظیم و ادراکش سریع و ثنائش جلیل. طوبی لمن فاز بهذا المقام الکریم. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۰)

۱۰۷- این اطفال چنانچه طبق تعالیم بهائی تربیت شوند، از بین آنان نفوس مبارک‌های بر خواهند خاست؛ اگر نهالی تحت توجّه و مراقبت دقیق باغبان در آید، نشو و نمای کامل حاصل کند و ثمره مرغوب به بار آرد. اطفال را باید از دوران طفولیت تعلیم صحیح نمود و به نحو منظمّ تربیت کرد تا روز به روز ترقّی نمایند و بصیرت بیشتر حاصل کنند و دایره استعداد روحانشان وسیع تر گردد. از آغاز طفولیت باید تعلیم گیرند؛ نمی‌توان آنان را به وسیله کتاب چیزی آموخت. بسیاری از علوم و مبادی مقدّماتی باید در پرورشگاه‌ها برای اطفال روشن شود و به وسائل بازی و سرگرمی مسائلی را بیاموزند. اغلب افکار و معلومات باید ضمن صحبت و مذاکره تفهیم گردد نه از راه کتاب. یک طفل باید از طفل دیگر درباره این مواضع پرسش کند و طفل ثانی پاسخ گوید. بدین طریق ترقّی محسوس حاصل خواهد شد. فی‌المثل، مسائل ریاضی نیز بایستی به صورت سؤال و جواب تفهیم گردد. یکی از اطفال سؤالی طرح می‌کند و طفل دیگر باید جوابگو باشد. بعداً خود اطفال به میل و اراده خویش با یکدیگر راجع به همان مسائل بحث خواهند نمود. اطفالی که در رأس کلاس باشند، بایستی جایزه و انعام دریافت دارند؛ باید تشویق شوند؛ و چون یکی از ایشان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای ظاهر ساخت، برای حصول ترقّی بیشتر، لازم است مورد تمجید و ترغیب قرار گیرد. حتی در مسائل الهیه سؤالات باید شفاهاً به عمل آید و اجوبه نیز به همان قرار شفاهی داده شود. اطفال باید بدین قرار با یکدیگر به بحث و مذاکره پردازند. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از صفحه ۵۴۳ عالم بهائی جلد نهم / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱۷)

۱۳۰- ... حضرت عبدالبهاء نسبت به حفظ الواح حضرت بهاء‌الله و حضرت اعلی و به خاطر سپردن آنها توجّه مخصوص مبذول می‌داشتند. در ایام مبارک روش عمومی اطفال عائله آن بود که الواح را از حفظ نمایند. هر چند اکنون به سرحدّ رشد رسیده و فرصت چنین اقدامی موجود نیست، مع‌الوصف نفس عمل بسیار مفید است. زیرا بدین طریق حقیقت و روح کلمات در قلوب و اذهان اطفال منعکس و مرکوز خواهد گردید.

همچنین می‌توانند از کتاب "مطالع‌الانوار" که در اختیار شما است، حکایات و سرگذشت‌های جالب و مفید در باب ایام اولّیه امر که استماع آنها مورد علاقه مخصوص اطفال است، تنظیم نمایید.

همچنین قصص و روایاتی از حیات حضرت مسیح و حضرت محمد و سایر انبیای الهی موجود است که اگر برای اطفال بیان شود، هر نوع اوهام و تعصبات مذهبی را زائل خواهد نمود؛ اوهام و تعصباتی که ممکن است از افراد سالخورده که دارای عرفان محدودتری هستند، فرا گرفته باشند. (ترجمه بیان مرقومه از طرف حضرت ولی امرالله / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۹۳-۹۲)

مثال و سرمشق

حضرت عبدالبهاء مقل اعلی هستند. مربیان و سایرین نیز به عنوان مثال و سرمشق عمل می کنند و باید برای ملاحظه سرمشق و کسب الهام به آنها ناظر بود.

۱۰۳- جوانان نوریسیدگان باید روش حضرت حکیم^{۲۴} گیرند و به آن روش تربیت شوند. زیرا آن نفوس مهمه به ملکوت ابهی صعود نمودند، نوریسیدگان باید نشو و نما نمایند و مقام پدران گیرند تا این موهبت در سلاله هر یک از احبای الهی که مشقت عظیمه کشیدند، روز به روز زیاد شود و عاقبت در دو جهان ثمره بخشد. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۷)

مقام مربی

اهمیت و احترام بسیاری که به مربیان و معلمین عنایت شده به انحاء مختلف در آثار بهائی منعکس گردیده است. معلم تنها فردی غیر از منسوبین است که در فهرست نفوس برخوردار از ارث ذکر شده است. رجوع معلمین به این فقرات برای کسب هدایت و الهام جهت ایفای وظیفه دشوار و حیاتی خود مفید است.

۲۷- یا حسین یا معلم قد اقبل الیک وجه القدم من شطر سجنه الأعظم و یعلمک بما یقرنک الی الله مولی الأنام طوبی لمعلم قام علی تعلیم الأطفال و هدی الناس الی صراط الله العزیز الوهاب. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۶)

۲۸- طوبی از برای معلمی که به عهد الهی وفا نمود و به تربیت اطفال مشغول گشت. اجر آنچه در کتاب اقدس نازل درباره او از قلم اعلی ثبت شد. طوبی له؛ طوبی له. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۶)

۶۰- ای بنده جمال مبارک خوشا به حال تو که به خدمتی مشغولی که سبب روشنایی رخ در ملکوت ابهی است و آن تعلیم و تربیت اطفال است. اگر انسان چنانکه باید و شاید تعلیم نوریسیدگان نماید، خدمتی اعظم از این در درگاه احدیت نیست. از قرار مسموع شما به این خدمت موفق.

^{۲۴} یکی از احبای ممتاز و مخلص و خدوم قزوین

ولی باید دم به دم بکوشید تا بهتر و بیشتر موفق گردید. من همواره از حضرت یزدان تمنّا و آرزو می‌نمایم که شما سبب احیاء قلوب و تزکیه نفوس و نورانیت آن اطفال گردید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۷)

۶۶- ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید در جواب مجبور به اختصارم. شکر کن خدا را که موفق به آن گشتی که به تعلیم نونهالان جنت ابهی پردازی و در این ضمن سایر اطفال نیز بهره و نصیب یابند.

تعلیم کودکان به نص صریح فرض و واجب. لهذا، معلّمان خادمان حضرت رحمانند، زیرا قائم به این خدمت که عبارت از عبادت است. لهذا، باید شما هر دمی شکرانه نمایید که تربیت اولاد روحانی می‌نمایید.

پدر روحانی اعظم از پدر جسمانی است. زیرا پدر جسمانی سبب حیات جسمانی است، اما پدر روحانی سبب زندگانی جاودانی. این است که از وراثت به موجب شریعه الله معدودند.

حال، شما مفتامّت این همه اولاد معنوی داری که بهتر از اولاد جسمانی است؛ زیرا اولاد جسمانی ممنون از پدر نیستند، پدر را مجبور بر خدمت خود می‌دانند. لهذا، آنچه پدر کند، به نظر نیارند. اما، اولاد معنوی همیشه ممنون پدر مهربان و هذا من فضل ربک المنان. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۰)

۶۷- ای ثابت بر پیمان در خصوص تربیت اطفال نهایت همت را مجری داشتی و من منتهای رضا را از شما داشته و دارم. الحمد لله در این خصوص به خدمت پرداختی و یقین است که تأییدات ملکوت ابهی شامل گردد و نجاح و فلاح خواهی یافت. الیوم، تربیت و تعلیم اطفال احیاء الله از اعظم مقاصد و مآرب اصفیا است؛ عبودیت آستان مقدّس است و خدمت جمال مبارک. لهذا، باید در نهایت سرور و فرخ مباهات به این خدمت نمایی. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۱)

۶۸- در ترقیات عصریه بکوشید و در مدیّت مقدّسه جهد بلیغ و سعی شدید نمایید؛ دبستان‌هایی در نهایت انتظام ترتیب دهید و اصول تحصیل معارف را ترویج؛ معلّمانی در نهایت تقدیس و تنزیه، جامع آداب و کمال، تعیین نمایید و ادیبان و مریّانی خائز علوم و فنون ترتیب دهید.

و هیأت مقدّسه ایادی امرالله باید مواظبت در حفظ شئون و لوازم این دبستانها نمایند تا روز به روز سبب ترقی از هر جهت فراهم آید و انوار دانش جهان را روشن نماید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۰)

۵۲- ای یاران در تحصیل علوم و عرفان بکوشید و در اکتساب کمالات صوری و معنوی جهد بلیغ نمایید. اطفال را از صغر سن بر تحصیل هر علمی تشویق کنید و به اکتساب هر صنعتی تحریض نمایید تا قلب هر یک به عون و عنایت حق مانند آینه کاشف اسرار کائنات گردد و به حقیقت هر شینی پی برد و در علوم و معارف و صنایع مشهور آفاق شود. البتّه صد البتّه در تربیت اطفال قصور و فتور مفرماید و به اخلاق رحمانی پرورش دهید و مطمئن به موهبت و عنایت حضرت پروردگار باشید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۱)

۹۳- لهذا، زن و شوهر مجذوب یکدیگر گردند، و مانند شخص واحد متحد و متفق شوند. با اتحاد، انس و الفت، و محبت متقابل آنان، نتایج عظیمه مادی و معنوی در عالم حاصل شود. نتایج روحانیه عبارت از ظهور فیوضات الهیه است. نتیجه مادیه عبارت از اطفالی است که در مهد محبه الله متولد شوند، از ثدی معرفه الله بنوشند، در کهف موهبه الله پرورش یابند، و تحت تعلیمات الهیه تربیت شوند. این اطفال نفوسی هستند که حضرت مسیح فرمود، "آنها اطفال ملکوتند." (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از صفحه ۶۰۵ جلد سوم Tablets of Abdu'l-Baha)

لزوم مرتبی

بعضی از فلاسفه معتقدند که بهترین و مطلوبترین وضعیت عبارت از عدم مداخله در رشد و پیشرفت طفل است. تعلیم بهائی بر ارزش و ضرورت مرتبی صحه می گذارد.

۱۱- بسیاری از امور است که اگر اعتنا نشود، ضایع و باطل خواهد شد. چه بسیار از اطفال که در ارض بی آب و ام مشاهده می شوند؛ اگر توجهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود، بی ثمر خواهند ماند و نفس بی ثمر موتش ارجح از حیات او بوده. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱)

۶۸- ای معلمه اطفال ملکوت به خدمتی قیام نموده ای که اگر به جمیع معلمین آفاق افتخار کنی سزاوار است. زیرا معلمین آفاق تربیت ناسوتی نمایند تا قوای بشری، چه صوری چه معنوی، نشو و نما نمایند. ولی تو تازه نهالهای باغ الهی را تربیت آسمانی می کنی و درس ملکوتی می دهی. نتایج این تعلیم حصول الطاف ربّ جلیل است و ظهور فضائل عالم انسانی. در این تعلیم ثابت و مستقیم باش، نتایج عظیمه حاصل خواهد شد. اطفال را باید از صغر سن بهائی روحانی ربّانی تربیت کرد. اگر چنین تربیت شوند، از هر امتحانی محفوظ و مصون مانند. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۱)

۴۴- اگر مرتبی نباشد جمیع نفوس وحوش مانند و اگر معلم نباشد، اطفال کل مانند حشرات گردند. این است که در کتاب الهی در این دور بدیع، تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری؛ یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۳۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۸)

خصلت و سلوک معلم

از جمله نظریه هایی که می توان از گزیده های بیانات مبارکه که ذیلاً نقل می شود، استخراج نمود، دیدگاهی که به نظر می رسد از همه بی نظیرتر باشد این است که خصلت و سلوک معلمین بر محصلین تأثیر

می‌گذارد. این نکته مبین آن است که نقش معلم به عنوان مثال و الگو به مراتب مهم‌تر از محتوای علم و دانشی است که به محصلین عرضه می‌کند، اما همانطور که اولین بیان تصریح دارد، معلمین باید از هر دو برخوردار باشند.

۶۴- در خصوص معلمه جستجو نماید ولی باید بسیار محجوب و ساکن و مظلوم و باتربیت و در لسان انگلیزی ماهر باشد. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۹)

۶۴- ای معلم رحمانی در دبستان تعلیم آن نورسیدگان الهی را آداب ملکوتی بیاموز و در مکتب توحید ادیب عشق گرد و اطفال باران رحمانی را رسم و آیین محبت‌الله تعلیم نما؛ تازه‌نهالان جنت ابهی را به فیضان میاه روح و ریحان پرورش ده و به ریزش باران بخشش حضرت یزدان نشو و نما بخش؛ تا توانی بکوش که این اطفال مانند اشجار بی‌همال در ریاض ذوالجلال در نهایت طراوت و لطافت و حلاوت جلوه نمایند.

این مواهب عبارت از محبت جمال ابهی روحی لاجبانه الفدا است و فیوضات تعالیم حضرت کبریا، و تربیت روحانیة ملاً اعلی و انجذاب و اشتعال و اشتغال به آنچه سبب عزت ابدیه در عالم انسان. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۹)

۹۲- در خصوص بنات احباب مرقوم نموده بودی که به مدرسه ملل سائره می‌روند؛ فی الحقیقه این اطفال هرچند در آن مدارس اندک تعلیمی می‌گیرند، ولیکن اخلاق معلّمات را در اطفال تأثیری و از القای شبهات، قلوب بنات را تغییر و تبدیلی.

باید اجزای الهی مدرسه‌ای از برای بنات تهیه و تدارک نمایند که معلّمات بنات را به تربیت الهیه تربیت نمایند، اخلاق ربّانی بیاموزند و اطوار رحمانی تعلیم کنند.

طفل مانند نهال تازه است؛ به هر قسم تربیت نمایی نشو و نما نماید؛ اگر به راستی و درستی و حق‌پرستی بی‌روانی نهالی مستقیم گردد و در نهایت طراوت و لطافت نشو و نما و الا به سوء تربیت از استقامت بیفتد و اعوجاج حاصل کند و دیگر چاره ندارد.

فی الحقیقه معلّمات اروپ تعلیم لسان و خطوط و ترتیب بیوت و طرازی و خیاطی می‌نمایند؛ اما اخلاق به کلی تبدیل گردد، به قسمی که بنات امهات را نپسندند و بدخوی و بدرفتار و متکبر و پُرخور و پُرخور گردند.

پس، باید چنان تربیت نمود که روز به روز بر خضوع و خشوع بیفزایند و اطاعت و انقیاد به آباء و اجداد کنند و سبب راحت و آسایش کلّ گردند. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۰)

۹۴- ملاحظه نمایید، اگر امهات مؤمنانند اطفال نیز مؤمن شوند ولو پدر منکر باشد و اگر امهات منکرات باشند، اطفال محروم از ایمانند ولو پدر در نهایت ایقان و اطمینان، الا ما قدر و الحکم علی الأغلب.

پس باید دختران صغیر را پدران و مادران کبیر نهایت مواظبت نمایند و در مکاتب به واسطه استادهای ماهر زنانه تربیت نمایند تا به هر فنی آشنا گردند و بر آنچه لازم زندگانی انسان و سبب سعادت و آسایش دودمان است، اطلاع یابند و پرورده گردند.

لهذا، محفل روحانی عشق آباد باید در این مهم سبقت گیرد تا به عون و عنایت حق تاسیسی نمایند که سبب فلاح و نجات ابدی است. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۱)

دعا برای کسب معرفت

نقش دعا در حصول توفیق در هر وظیفه‌ای در آثار بهائی توضیح داده شده است. چندین دعا است که برای تعلیم و تربیت کودکان و جوانان نازل شده است. این ادعیه باید به مربیان در ایفای وظیفه خود مساعدت نماید. ذیلاً مناجاتی که از قلم حضرت عبدالبهاء در مقدمه یکی از الواح مبارک ایشان صادر شده، نقل می‌گردد.

۲۹- هو الله اللهم يا من تجلّى على الحقائق النوراء بتجلّى العلم و الهدى و میزها عن سائر الكائنات بهذه لموهبة العظمى و جعلها محیطة على كل الأشياء تدرك حقائق الموجودات و تخرج الاسرار المكنونة من حيز الغیب الى عالم الآثار و بخص برحمته من یشاء.

رب ائد احبائك على تحصيل العلوم و الفنون الشتی و الاطلاع على الاسرار المخزونة فی حقیقة الكائنات و اطلعهم على الرموز المندمجة المندرجة فی هویة الموجودات و اجعلهم آیات الهدی بین الوری و اتوار النهی المتثلثة فی هذه النشأة الاولى و اجعلهم ادلاء عليك هداة الى سبيلك و سعاة الى ملكوتك.

انتك انت المقتدر المهيمن العزيز القوي الكريم العظيم. (مکاتب، ج ۱، ص ۲۲۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۸)

برنامه های آموزشی

تعلیم درباره خدا و دین

یکی از تفاوت‌های عمده بین مفاهیم بهائی و آنچه که امروزه میان مردم متداول است، تمرکز امر بهائی بر مفاهیم روحانی و تعلیم دین است.

۱- انبیاء و مرسلین محض هدایت خلق به صراط مستقیم حق آمده‌اند و مقصود آن که عباد تربیت شوند تا در حین صعود با کمال تقدیس و تنزیه و انقطاع قصد رفیق اعلی نمایند. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۶۴ / مجموعه اشراقات، ص ۲۱۶ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸)

۱۲- آباء باید در دین ابناء و اتقان آن جهد بلیغ نمایند؛ چه، هر فرزندی از دین الهی خارج شود، البتّه به رضای ابویں و حقّ جلّ جلاله عمل ننماید. جمیع اعمال حسنه به نور ایمان ظاهر و مشهود و در فقدان این عطیة کبری از هیچ منکری اجتناب نکند و به هیچ معرفی اقبال ننماید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱)

۴۷- در خصوص اطفال مرقوم نموده بودی؛ باید از بدایت اطفال را به تربیت الهی پرورش داد و همواره به ذکر حقّ متذکر نمود تا محبت الله در طینت آنان ثبوت و قرار یابد و با شیر امتزاج نماید. (متخانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۴ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۹)

خوف و خشیت^{۲۵}

عامل خوف برای کنترل رفتار لازم است، اما باید با محبت همراه شود و مبتنی بر عدالت گردد تا آسیب نرساند و زیان وارد ننماید. طبق آثار بهائی، خوف در امر تعلیم و تربیت نقش ایفا می کند. در یک مورد حضرت بهاء الله می فرمایند که خشية الله عامل اول در تعلیم و تربیت است و در بیانی دیگر در خصوص ازاله خوف به عنوان یک فضیلت سخن می گویند. حدس من این است که مورد اول خوف از خداوند است، و مورد دوم از مواردی است که به خدا مربوط نیست. همانطور که حضرت ولی امر الله بیان می فرمایند که ما نمی دانیم عامل از بین رفتن خوف دوم که حضرت بهاء الله به آن اشاره کرده اند چه چیزی است، ما فقط می توانیم معنی و ارزش آن را در رابطه با تعلیم و تربیت حدس بزنیم.

۱۳- آنچه سبب اول است از برای تربیت خلق خشية الله بوده؛ طوبی للقاترین. (لوح شیخ نجفی، ص ۲۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱)

۲۱- در خزائن علوم الهی علمی موجود که عمل به آن خوف را زائل می نماید و لکن علی قدر مقدور و آن تربیتی است که باید از ایام طفولیت به آن عمل شود؛ بسیار فرق می نماید. (لوح شیخ نجفی، ص ۲۵ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۳)

راجع به علم مذکور در بیان فوق از حضرت ولی امر الله سؤال گشته؛ منشی مبارک پاسخ ذیل را از طرف هیکل اطهر مرقوم داشته است: متأسفانه به نظر می رسد علمی که می تواند خوف را به میزان زیاد زائل نماید از جانب حضرت بهاء الله مکشوف نشده و معرفی نگردیده است. بنابراین ما از کیفیت آن بی اطلاعیم. (ترجمه - همان مأخذ)

۱۵۱- از حضرت ولی امر الله راجع به خشية الهی سؤال نموده بودید؛ شاید یاران متوجه این حقیقت نیستند که نفوس انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش اکثر به خشية الله نیازمندند مگر معدودی قلیل که صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و صرفاً عشق و محبت یزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است.

²⁵ توضیح مترجم: در انگلیسی برای سه لغت خوف از خدا، خشیت الله و تقوای الهی یک عبارت fear of God به کار برده می شود.

بیم مجازات و خوف از عقوبت الهی در صورت ارتکاب معاصی برای تثبیت اقدام نفوس در صراط مستقیم لازم و ضروری است. یقین است وجود ما باید نسبت به خداوند تعالی مشحون از عشق و انجذاب باشد؛ ولی خوف الهی را نیز بایستی در قلوب استقرار دهیم، به همان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین در خوف و هراس است. این توجه و تذکر نباید چون دهشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم تلقی گردد، بلکه سزاوار است الطاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ماوراء داد و معدلت الهیه بشناسیم. (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱۰)

۱۴- آنچه از برای اطفال در مقام اول و رتبه اولیه واجب و لازم است، تعلیم کلمه توحید و شرائع الهیه است؛ چه که من دون آن خشیه الله حاصل نمی شود و در فقدان آن صدهزار اعمال مکروهه غیر معروفه و اقوال غیر طیبیه ظاهر می گردد...

آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند؛ چه، اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد، از اطاعت ابوبین که در مقامی اطاعة الله است، غافل گردد. دیگر چنین اولاد مبالات نداشته و ندارد. یفعل بأهوائه ما یشاء... (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱)

۱۵- دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرائط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد؛ ولکن به قدری که به تعصب و حمیه جاهلیه منجر و منتهی نگردد. (ورق هشتم از کلمات فردوسی، مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲)

۱۶۱- در باب توضیح خشیه الله به اطفال اشکالی نیست که آن را در لباس تمثیل، چنان که حضرت عبدالبهاء در بیان حقایق به ذکر امثال می برداختند، تعلیم نماییم. باید به اطفال تفهیم نمود که ترس ما از خداوند به علت آن نیست که او را ظالم و یا بی رحم می شماریم، بلکه بیم ما از جهت عدل و داد الهی است که اگر عمل خلافی مرتکب شویم که مستوجب عذاب و عقاب باشد، حق تعالی به مقتضای عدالت خویش ممکن است ما را مورد مجازات قرار دهد. ما باید هم خداوند را دوست داریم و هم در قلوبمان خوف و خشیه ربانی مرکوز باشد. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱۵)

عرفان مظهر ظهور الهی

نیل به معرفت مظهر ظهور الهی که برای این بوم ظهور فرموده و ترویج تعالیم او از جمله موارد مورد توجه در برنامه آموزشی بهائی است. این تعلیم امروزه عموماً در اکثر برنامه های آموزشی دیده نمی شود.

۲- یا قوم انا قدرنا العلوم لعرفان المعلوم. (کتاب اقدس، بند ۱۰۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸)

۵- همت را بر تربیت اهل عالم مصروف دارید که شاید نفاق و اختلاف از مابین امم به اسم اعظم محو شود و کلّ اهل یک بساط و یک مدینه مشاهده شوند. (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۱۴ / نصوص تربیتی، ص ۹)

فنون، صنایع و علوم

علاوه بر توجه به حقایق روحانیه و ادیان الهیه، تعالیم بهائی مجهوداتی را که جنبه دنیوی بیشتری دارند، در صورتی که منفعتی به حال جامعه داشته باشند، قویاً مورد حمایت و تأیید قرار می‌دهد. معرفت دینی به ماهیت روحانی می‌پردازد و دانش دنیوی به طبایع مادی مشغول می‌شود. فنون، صنایع و علوم را حضرت بهاءالله بالصّراحه ذکر فرموده و ارزش آنها برای یادگیری را مورد تأکید قرار داده‌اند زیرا این موارد به ترویج رفاه و سعادت نفوس انسانی منجر می‌گردد.

۱۶- سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقاة است از برای صعود. تحصیلش بر کلّ لازم؛ ولکن علومی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علومی که از حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد...

فی الحقیقه کثر حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فرح و نشاط و بهجت و انبساط. طوبی لمن تمسک به و ویل للغافلین. (لوح شیخ نجفی، ص ۲۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲)

۱۷- مقصود از علم منفعت عباد است و آن صنایع بوده و هست. لازال فرموده و می‌فرمایند قدر اهل صنایع را بدانید، چه که سبب و علت تسهیلات امور شده‌اند. اساس دین به شریعة الله محکم و اساس معاش به اهل صنایع. مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود، نه علمی که سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد. نفوسی که در طین ظنون و اوهام غرقند، قابل ادراک تجلیات انوار آفتاب حقیقت نبوده و نیستند. تا قلب از نار و هم فارغ نشود البته به نور یقین فائز نگردد. (پیام آسمانی، ج ۲، ص ۳۶۵)

۱۸- اذناکم بأن تقرئوا من العلوم ما ینفعکم لا ما ینتهی الی المجادلة فی الکلام. هذا خیر لکم ان اتم من اعارفین. (کتاب اقدس، بند ۷۷)

دعیار مفید بودن

معیار مهمتی که حضرت بهاءالله برای هر زمینه علمی تعیین می‌فرمایند، و در انتخاب آنچه که باید تعلیم داد یا یاد گرفت قابل استفاده است، ارزش آن برای فرد و جامعه است. ارتباط آن با محو و زوال بی قانونی مطرح می‌شود.

۱۹- علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند. علمی که از لفظ ابتدا و به لفظ منتهی گردد، مفید نبوده و نخواهد بود. اکثری از حکمای ایران عمرها به درس حکمت مشغولند و عاقبت حاصل آن جز الفاظی نبوده و نیست. (لوح مقصود، ص ۱۴ / نصوص تربیتی، ص ۱۳)

۲۵- باید اول هر امری آخر آن ملاحظه شود و از علوم و فنون آنچه سبب منفعت و ترقی و ارتفاع مقام انسان است، اطفال به آن مشغول گردند تا رائحه فساد از عالم قطع شود و کل به همت اولیای دولت و ملت در مهد امن و امان مستریح مشاهده شوند...

حضرت موجود می فرماید حکیم دانا و عالم بینا دو بصرند از برای هیکل عالم. انشاء الله ارض از ابن دو عطیه کبری محروم نماند و ممنوع نشود. (لوح مقصود، ص ۱۳ و ۱۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۵)

خواندن و نوشتن

اشاره های حضرت بهاء الله به خواندن و نوشتن، که در بُعد وسیعی به عنوان مهارت های اساسی در تعلیم و تربیت تلقی می شود، رنگ و بویی متفاوت با علوم، فنون و صنایع به خود می گیرد. اطفال باید سعی کنند خواندن و نوشتن را یاد بگیرند، اما مهارت های تحریر ممکن است تنها منطبق با ارزش های مورد نظر فرد برای زمینه هایی که مد نظر دارد توسعه یابد. به خواندن و نوشتن، آنگونه که امروزه معمول است، مهارت اطلاق نمی گردد، بلکه در زمره فنون محسوب می شود. همچنین، به نظر می رسد که آخرین بیان حضرت بهاء الله از متخصص شدن افراد برای وصول به اعلی مدارج کمال حمایت می کند.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند که ضروری است همه بتوانند بخوانند و بنویسند. بیانی که ذیلاً نقل می گردد نیز به نظر می رسد این نکته را مطرح می سازد که خواندن و نوشتن از جمله مبانی علم هستند. حضرت ولی امر الله نیز می فرمایند که خواندن و نوشتن را باید تعلیم داد: «هر طفلی من دون استثناء باید از صغر سن علم قرائت و کتابت را کاملاً تحصیل نماید.» (ترجمه - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸۷)

ریاضیات یا کامپیوتر از همان اهمیت کتاب و قرائت برخوردار نیست. اکثر برنامه های آموزشی امروزه آن را مهارت اساسی در سطحی مشابه خواندن و نوشتن تلقی می کنند. می توان پذیرفت که ریاضیات برای امرار معاش ضروری خواهد بود و این که مقدار ریاضیات به نیازهای افراد متفاوت بستگی خواهد داشت.

۲۰- باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خط مبذول دارند ... خط به قدری که رفع ضرورت نماید از برای بعضی کافی است. اگر وقت را در علوم نافع صرف نمایند، اولی و انساب. و لکن چون حق جل جلاله هر صنعتی اکمل آن را دوست داشته، لذا از قلم اعلی جاری شد آنچه شد. (مجموعه الواح خط عندلیب، ص ۲۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۳)

۷۶- ای ثابتان بر پیمان الحمدلله موفق به آن شدید که در مهدی آباد^{۲۶} تأسیس مدرسه تربیت نمودید و اطفال را به نهایت همت و غیرت تربیت می‌نمایید.

ترویج علوم و معارف در این امر بدیع اساس اعظم متین است. باید جمیع یاران بذل جهد بلیغ نمایند تا ترویج امر نور مبین گردد و جمیع اطفال به قدر لزوم بهره از علوم و فنون برند. حتی طفل دهقانی نماند که به کلی از علوم محروم باشد.

مبادی علوم فرض است و قرائت و کتابت واجب، لهذا نخستین این تأسیس می‌گردد و تشویق این ترتیب می‌شود. از خدا خواهم که سایر قراء نیز تاسی به شما نمایند. در هر قریه‌ای که معدودی از اجباء هستند، مکتبی ترتیب شود که نوریسیدگان در آن تحصیل قرائت و کتابت و مبادی علوم نمایند. این است سبب سرور قلب عبدالبهاء؛ این است سبب روح و ریحان جان عبدالبهاء. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۸)

لسان عمومی

یکی دیگر از مقتضیات برنامه آموزشی که حضرت بهاءالله به آن اشاره دارند و در برنامه‌های آموزشی موجود مشاهده نمی‌شود، آموزش لسان دوم یا لسان عمومی است. این زبان هنوز انتخاب نشده، لذا این نیاز را نمی‌توان در برنامه‌ها گذاشت، اما با آموختن زبانی که به بهترین وجه اهداف تعیین شده توسط حضرت بهاءالله را تأمین می‌نماید، می‌توان به روح آن پرداخت.

۲۲- باید ... و کلامی دولت مجلسی بیارایند و در آن مجلس یک لسان از السن مختلفه و همچنین یک خط از خطوط موجوده را اختیار نمایند و یا خط و لسانی بدیع ترتیب دهند و در مدارس عالم اطفال را به آن تعلیم فرمایند. در این صورت دارای دو لسان می‌شوند: یکی لسان وطن و دیگری لسانی که عموم اهل عالم به آن تکلم نمایند. اگر به آنچه ذکر شد تمسک جویند، جمیع ارض قطعه واحده مشاهده شود و از تعلیم و تعلم السن مختلفه فارغ و آزاد شوند. (لوح شیخ نجفی، ص ۱۰۱ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۴)

تلاوت کلام الهی به لحن ملیح

حضرت بهاءالله تلاوت کلام الهی به لحن ملیح را توصیه و تجویز می‌فرمایند. امروزه در مدارس نظر مساعدی نه با تلاوت به لحن خوش وجود دارد نه با نفس دیانت، لذا تلاوت آیات بهائی مسلماً بخش جدیدی است که به اکثر برنامه‌های آموزشی افزوده می‌شود. این کار ممکن است اساس آموزش موسیقی به کودکان را بگذارد.

^{۲۶} قریه‌ای نزدیک مدینه یزد در ایران

۲۲- عَلَمُوا ذُرِّيَاتِكُمْ مَا نَزَّلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَقْرُوهُ بِأَحْسَنِ الْأَلْحَانِ. هذا ما نَزَّلَ فِي كِتَابٍ عَظِيمٍ. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۵)

۲۴- عَلَمُوا ذُرِّيَاتِكُمْ مَا نَزَّلَ مِنْ سَمَاءِ الْعِظْمَةِ وَالْإِقْتِدَارِ لِيَقْرُوا الْوَاحِ الرَّحْمَنَ بِأَحْسَنِ الْأَلْحَانِ فِي الْغُرْفِ الْمَبْنِيَّةِ فِي مَشَارِقِ الْأَذْكَارِ. (کتاب اقدس، بند ۱۵۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۵)

۸۸- ... نهایت مسرت عبدالبهاء این است که مشاهده نماید ورقاتی چند از کنیزان جمال مبارک تعلیم دیده‌اند که جوهر انقطاع باشند، و بر اسرار عالم وجود واقف گردند و چنان ندایی در حمد و ثنای اسم اعظم بلند کنند که سگان عالم ملکوت مجذوب و مجبور شوند، ادعیه را به نظم و نثر قرائت کنند، و آیات الهی را به لحنی ملیح تلاوت نمایند. امیدوارم که تو یکی از آنها باشی، درر و لثالی بیفشانی، مستمراً به تمجید الهی ترنم کنی و به لحنی آسمانی صفات او را مدح و ثنا گویی. (ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از انگلیسی: Compilation of Compilations، شماره ۲۱۳۱)

تعلیم اخلاق

حضرت بهاءالله به اصول اخلاقی، خصلت یا ارزش‌ها مقامی مهم در برنامه آموزشی اعطاء می‌فرمایند. هدایت هیكل مبارک در خصوص تعلیم دین و اهمیت تحصیلات و ارزش آن برای اهل عالم نمونه‌ای از این توجه است. آن حضرت تعدادی از صفات مشخص را نیز که باید به کودکان تعلیم داده شود بر می‌شمارند. آثار هیكل مبارک مشحون از سایر فضائلی است که باید در مدارس آموزش داده شود. حضرت عبدالبهاء نیز به نقش تعلیم اخلاق تأکید می‌فرمایند و بیان می‌کنند که عدم فضائل اساسی ردائل است. این بیان، که یکی از روشن‌ترین و قوی‌ترین موارد در خصوص پرورش خصلت است که از آثار بهائی به انگلیسی ترجمه شده، دیدگاه‌های بسیاری را عرضه می‌کند که مستحق بررسی بیشتر است. هیكل مبارک می‌فرمایند که ابزار بصیرت و دانایی برای ازاله جهل و نادانی جنبه حیاتی دارد، خوف نقشی را ایفا می‌کند؛ معیار و میزان به مراتب اعلی و اشرف از آن است که عموماً پذیرفته شده و پرورش خصلت به مراتب مهم‌تر از آن است که الیوم در مدارس مورد توجه است. هدایتی که در مورد طبیعت بشری و نقش تربیت در رشد شخصیت اعطاء شده حاوی بینش‌های بسیاری است که مربیان و روانشناسان باید مورد تحقیق و بررسی بیشتر قرار دهند.

۲۶- اَمَّا الْإِطْفَالُ؛ اَمْرٌ نَمُودِمُ فِي الْبَدْءِ إِلَى آدَابٍ وَ أَحْكَامٍ دِينِ تَرْبِيَةِ نَمَائِنْدُ وَ بَعْدَ بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ وَ التَّجَارَةِ الْمَرْتَبَةِ بِطَرَاذِ الْأَمَانَةِ وَ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَكُونُ دَلِيلًا لِنَصْرَةِ أَمْرِهِ أَوْ يَجْذِبُ بِهِ أَمْرًا يَقْرَبُ الْعَبْدَ إِلَى مَوْلَاهُ.

نَسْتَلِ اللَّهَ أَنْ يُؤَيِّدَ إِطْفَالَ أَوْلِيَائِهِ وَ يَزِينَهُمْ بِطَرَاذِ الْعَقْلِ وَ الْآدَابِ وَ الْأَمَانَةِ وَ الدِّيَانَةِ أَنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ

الرَّحِيمِ. (پیام آسمانی، ج ۲، ص ۹۵ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۶)

۴۳- اسّ اساس سیّات نادانی و جهالت است. لهذا باید به اسباب بصیرت و دانایی تشبّث نمود و تعلیم اخلاق کرد و روشنی به آفاق داد تا در دبستان انسانی تخلّق به اخلاق روحانی نمایند و یقین کنند که هیچ جحیم و سعیری بدتر از خُلق و خوی سقیم نه و هیچ جهنّم و عذابی کثیف‌تر از صفاتِ موجبِ عتاب نیست؛ تا تربیت به درجه‌ای رسد که قطع حلقوم گواراتر از کذبِ مشوم شود و زخم سیف و سنان آسانتر از غضب و بُهتان گردد؛ آتش غیرت برافروزد و خرمن هوی و هوس بسوزد.

هر یک از باران الهی رُخس به اخلاق رحمانی چون مه تابان بدرخشد و نسبتشان به آستان الهی حقیقی گردد نه مجاز؛ اساس بنیان شود نه طراز ایوان.

لهذا باید مکتب اصفال به نهایت انتظام باشد؛ تعلیم و تعلّم محکم گردد و تهذیب و تعدیل اخلاق منظم شود تا در صغر سن در حقیقت اطفال تأسیس الهی شود و بنیان رحمانی بنیاد گردد.

این مسأله تعلیم و تهذیب و تعدیل و تشویق و تحریض را بسیار مهم شمرد که از اسّ اساس الهی است که بلکه انشاءالله از دبستان‌های الهی اطفال نورانی به اشرف کمالات انسانی مبعوث گردند و سبب نورانیت ایران بلکه عموم امکان شوند.

تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود. تجربه شده است که نهایت سعی و کوشش را می‌نمایند تا خلقی از اخلاق نفسی را تبدیل کنند، نمی‌شود. اگر ایوم اندکی متنبه گردد، بعد از ایامی معدود فراموش کند و بر حالتی که معتاد و خوی نموده راجع شود. پس باید از طفولیت این اساس متین را بنهند، زیرا تا شاخ تازه و تر است، به کمال سهولت و آسانی مستقیم و راست گردد.

مقصود این است که اسّ اساس الهی، اخلاق رحمانی است که زینت حقیقت انسانی است؛ علم و دانش است که سبب ترقی عالم بشریت است. در این قضیه باید اجزای الهی نهایت اهمّیت و غیرت را مبذول دارند. (مکاتیب عبداله... ج ۱، ص ۴۰۴. مجموعه نصوص تربیتی، ص ۳۶)

علم باید به خداوند هدایت کند

عرفان الهی نه تنها هدف کلّ علم و دانش است، بلکه شرطی است که به وسیله آن سایر علوم را باید سنجید.

۳۱- ای دوست حقیقی در دبستان الهی درس و سبق رحمانی خوان و از ادیب عشق تعلّم حقایق و معانی نما؛ اسرار ملکوت جو و از فیوضات لاهوت دم زن.

هرچند تحصیل فنون و علوم اعظم منقبت عالم انسانی است، ولی به شرط آن که این نهر متصل به بحر اعظم شود و از فیض قدم استفاضه کند. چون چنین شود، هر استاد بحر بی‌پایان گردد و تلمیذ ینوع

علم و عرفان شود. پس اگر علوم دلیل بر جمال معلوم شود، فنعلم المأمول والأشاید این قطره سبب گردد و از فیض موفور محروم شود؛ وی را تکبر و غرور آرد و قصور و فتور بخشد.

علوم حاضره قطره حقیقت است. پس اگر حقیقت میسر نگردد، از مجاز چه ثمر و اثر. تالله الحق ان لم یکن العلوم سبباً للوصول الی المعلوم، فهی خسراً مبین. علیک بتحصیل العلوم و التوجه الی الجمال المعلوم، حتی تكون آیه الهدی بین الوری و مرکز النهی فی هذه الدائرة الّتی تاهت فیها عقول ذوی الحجی الأ من فاز بالأسرار و دخل فی ملکوت الأنوار و اطلع بالسرّ المصون و الرمز المکنون. (منتخبانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۰۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۰)

اقسام سه گانه تربیت

آثار بهائی پیشنهاد می کند تربیت، یادگیری و معرفت به سه مقوله جسمانی، انسانی و روحانی طبقه بندی شود و تصریح می کند که تربیت، برای آنکه جامع باشد، باید به هر سه جنبه پردازد. حضرت عبدالبهاء در مورد نقش مرتبی برای هر سه وجه مزبور نیز هدایت می فرماید:

۳۷- لکن تربیت بر سه قسم است: تربیت جسمانی، تربیت انسانی، و تربیت روحانی. اما تربیت جسمانی به جهت نشو و نمای این جسم است و آن تسهیل معیشت و تحصیل اسباب راحت و رفاهیت است که حیوان با انسان در آن مشترکند؛

و اما تربیت انسانی عبارت از مدنیت است و ترقی یعنی سیاست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسیمه که مدار امتیاز انسان از حیوان است؛ و اما تربیت الهیه تربیت ملکوتی است و آن اکتسابات کمالات الهیه است و تربیت حقیقی آن است؛ زیرا در این مقام انسان مرکز سنوحات رحمانیه گردد و مظهر "لنعلمن" انساناً علی صورتنا و مثالنا شود و آن نتیجه عالم انسانی است.

حال ما یک مرتبی می خواهیم که هم مرتبی جسمانی و هم مرتبی انسانی و هم مرتبی روحانی گردد که حکم او در جمیع مراتب نافذ باشد و اگر کسی بگوید که من در کمال عقل و ادراکم و محتاج به آن مرتبی نیستم، او منکر بدیهیات است؛ مثل طفلی که بگوید من محتاج تربیت نیستم؛ به عقل و فکر خود حرکت می نمایم و کمالات وجود را تحصیل می کنم و مثل آن است که کوری گوید که من محتاج به چشم نیستم، چون که بسیار کوران هستند که گذران می کنند.

پس، واضح و مشهود است که انسان محتاج به مرتبی است؛ این مرتبی بی شک و شبهه باید در جمیع مراتب کامل و ممتاز از جمیع بشر باشد؛ چه که اگر مثل سائر بشر باشد، مرتبی نمی شود، علی الخصوص که باید هم مرتبی جسمانی باشد و هم مرتبی انسانی و هم مرتبی روحانی. یعنی نظم و تمشیت

امور جسمانی دهد و هیأت اجتماعی تشکیل کند تا تعاضد و تعاون در معیشت حاصل گردد و امور جسمانی در جمیع شؤون منتظم و مرتب شود و همچنین تأسیس تربیت انسانی کند، یعنی باید عقول و افکار را چنان تربیت نماید که قابل ترقیات کتبه گردد و توسیع علوم و معارف شود و حقایق اشیاء و اسرار کائنات و خاصیات موجودات کشف گردد و روز به روز تعلیمات و اکتشافات و مشروعات ازدیاد یابد و از محسوسات استدلال و انتقال به معقولات شود.

و همچنین تربیت روحانی نماید تا عقول و ادراک پی به عالم ماوراء الطبیعه برسد و استفاضه از نفحات مقدسه روح القدس نماید و به ملا اعلی ارتباط یابد و حقایق انسانی مظاهر سنوحات رحمانیه گردد تا این که جمیع اسماء و صفات الهی در مرآت حقیقت انسان جلوه کند و آیه مبارکه *لنعملن انساناً علی صورتنا و مثالن* تحقق یابد. (مفاوضت عبدالبهاء، ص ۶ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۳)

۱۲۸- مکتوب مختصر و مؤثر شما که حضور حضرت ولی امرالله معروض داشته بودید واصل گردید. میکل مبارک با دقت و علاقه تام آن را ملاحظه و به این عبد دستور فرمودند از طرف آن حضرت اظهار تشکر و امتنان گردد. امید و طید آن است که با همت و پشتکار فراوان تحصیلات عالی خود را تعقیب خواهید نمود. نظر به این که شما یک فرد بهائی در ظل امرالله مستظلبید، البته بر این حقیقت واقفید که حضرت بهاء الله تعلیم و تربیت را یکی از مهم ترین عوامل اساسی از برای ظهور مدنیّت حقیقی محسوب فرموده اند. این تعلیم و تربیت برای این که کامل و مشرئمر باشد، باید ضماً جامع شرائط لازمه بوده و نه تنها جنبه جسمانی و عقلانی انسان را در مدنظر داشته باشد، بلکه وجهه های روحانی و اخلاقی او را نیز تقویت و تکمیل نماید. این است برنامه جوانان بهائی در سراسر عالم انسانی. (ترجمه نصوص تربیتی، ص ۹۱)

پرورش اراده

تعلیم عزم جزم، استقامت و سایر خصوصیت های اخلاقی مرتبط با آن در برنامه آموزشی بهائی تجویز و توصیه شده است. حضرت عبدالبهاء به نظر می رسد این نکته را بیان می فرمایند که با تعلیم موارد مزبور نتایج مدوحه متعدده حاصل خواهد شد.

۹۷ الف - ای امام رحمن محفل روحانی که در آن مدینه نورانی تأسیس نمودید، بسیار بجا و مجری بود. فی الحقیقه همتی نمودید و گوی سبقتی ربودید و به عتبه کبریا به عبودیتی قیام نمودید و به موهبتی رسیدید. حال، باید به کمال همت و روحانیت در آن محفل نورانی جمع شوید و ترتیل آیات کتاب مبین نمایید و به ذکر حق مشغول گردید و بیان حجج و براهین نمایید و در هدایت نساء آن دیار بکوشید و به تربیت بنات و اغفال پردازید تا امهات از صغر سن اولاد را به ترتیب تام تربیت نمایند و حسن اخلاق بیاموزند و به فضائل عالم انسانی دلالت نمایند و از صدور حرکات مذمومه منع کنند؛ در آغوش تربیت بهائی پرورش دهند و

تا آن که طفلان نورسیده از ثدی معرفت‌الله و محبت‌الله شیر بنوشند و نشو و نما نمایند و حُسن سلوک و علو فطرت و همت و عزم و جزم در امور و استقامت در هر کار و علویت افکار و حب ترقی و بلندی همت و شفقت و عصمت آموزند تا هر کاری که شروع نمایند از عهده بر آیند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۷، ص ۱۴ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۳)

رحم به حیوانات

حضرت عبدالبهاء توصیه می‌فرماید که رحم و مهربانی نسبت به حیوانات به اطفال آموزش داده شود. این هدایت را نیز می‌توان در مورد شخصی که به تعلیم و تربیت نیاز دارد، به کار برد. ۱۰۸- اطفال را از صغر سن نوعی تربیت نماید که بی‌نهایت به حیوان رؤف و مهربان باشند. اگر حیوانی مریض است، در علاج او کوشند؛ اگر گرسنه است، اطعام نمایند؛ اگر تشنه است، سیراب کنند؛ اگر خسته است، در راحتش بکوشند.

انسان اکثر گناه کارند و حیوان بی‌گناه؛ البتّه بی‌گناهان را مرحمت بیشتر باید کرد و مهربانی بیشتر باید نمود، مگر حیوانات مودیه را، مثل گرگ خونخوار، مثل مار گزنده و سایر حیوانات مودیه. چه که رحم به اینها ظلم به انسان و حیوانات دیگر است. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۱۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱۸)

برنامه آموزشی کلی برای همه

تساوی فرصت حقّ اساسی است که در تعلیم بهائی مورد حمایت واقع شده است. نیاز به تساوی در تربیت به عنوان وجه اساسی وحدت، صلح، ارتباطات و فرصت است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید که پسران و دختران باید دارای برنامه آموزشی واحدی باشند. این هدایت را نیز می‌توان در مورد سایر تفاوت‌های گروهی مانند محل سکونت جغرافیایی، نژاد و طبقه، به کار برد.

۱۱۲- حضرت بهاء‌الله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند، رجالاً و نساءً، دختر و پسر، تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد، ارتباط تامّ بین بشر حاصل شود و چون نوع بشر یک نوع تعلیم یابد، وحدت رجال و نساء اعلان گردد، بنیان جنگ و جدال برآفتد و بدون تحقق این مسائل ممکن نیست؛ زیرا اختلاف تربیت مورث جنگ و نزاع. مساوات حقوق بین ذکور و اناث مانع حرب و قتال است؛ زیرا نسوان راضی به جنگ و جدال نشوند. این جوانان در نزد مادران خیلی عزیزند، هرگز راضی نمی‌شوند که آنها در میدان قتال رفته و خون خود را بریزند. جوانی را که بیست سال مادر در نهایت زحمت و مشقت تربیت نموده آیا راضی خواهد شد که در میدان حرب پاره پاره گردد. هیچ مادری راضی نمی‌شود ولو هر اوهامی به عنوان محبت وطن و

وحدت سیاسی، وحدت جنس، وحدت نژاد و وحدت مملکت اظهار دارند و بگویند این جوانان باید بروند و برای این اوهامات کشته شوند. لهذا، وقتی که اعلان مساوات بین زن و مرد شد، یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد. (خطبات مبارکه، ج ۲، ص ۱۳۵ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۳)

۸۹- ... تأسیس محفل امام به جهت ترویج معارف بسیار موافق، اما باید حصر در مذاکره معارف باشد. زیرا باید نوعی نمود که اختلاف روز به روز زائل شود، نه این که منتهی به آن شود که در میان رجال و نساء، معاذالله، به مجادله انجامد. مثل مسئله حجاب بی حکمت سلوک نمایند. حضرات نساء باید الیوم به امری تشبث نمایند که سبب عزت ابدیه عالم نساء گردد؛ عالم نساء روشن شود و آن محافل درس تبلیغ است و مجالس ترتیل آیات و تضرع به ملکوت ربّ الیّنات و تنظیم تحصیل بنات. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۷، ص ۳۵)

۸۱- حضرت بهاء الله وحدت تربیت را اعلان نموده که به جهت اتحاد عالم انسانی لازم است که جمیع بشر یک تربیت شوند، رجالاً و نساءً، دختر و پسر تربیت واحد گردند و چون تربیت در جمیع مدارس یک نوع گردد، ارتباط تام بین بشر حاصل شود و چون نوع بشر یک تعلیم یابد، وحدت رجال و نساء اعلان گردد، شیان جنگ و جدال برافتد. (خطبات مبارکه، ج ۲، ص ۱۳۵)^{۲۷}

محبت در برنامه آموزشی

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: در مکتب توحید ادیب عشق گردد. اطفال یاران رحمانی را رسم و آیین محبت الله تعلیم نما. (نصوص تربیتی، ص ۴۹) در فقرات متعدد از بیانات مبارک، حضرت عبدالبهاء تلویحاً به آنچه که مفاهیم مزبور را در بردارد اشاره دارند، اما این زمینه نیاز به بررسی بیشتر دارد، بخصوص از آن جهت که در اکثر برنامه های آموزشی، موضوعی جدید است.

۶۱- امید عبدالبهاء چنان است که آن نورسیدگان در دبستان عرفان نزد ادیب عشق چنان تربیت و پرورش یابند و در مقامات معنوی معانی و اسرار آموزند که هر یک در جنت ابهی مانند عنده لب گویا گلبانگ اسرار بلند کند و به راز و نیاز پردازد. (منتخبانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۸)

خلاصه ای کوتاه از برنامه آموزشی مدارس

حضرت عبدالبهاء رؤوس آنچه را که توصیه می شود در مدارس تعلیم داده شود، به اختصار بیان می فرمایند. این یکی از موجزترین و کامل ترین توصیفات در آثار بهائی است. معیار دیگری برای سنجش ارزش هر درس یا آنچه که در برنامه آموزشی عرضه می شود، بیان شده، و آن کسب کمالات انسانی به

^{۲۷} توضیح مترجم: به نظر می رسد نویسنده از دو ترجمه برای بیان واحد استفاده کرده، لذا سهواً آنچه را که در ردیف ۱۱۲ آورده، تکرار کرده است. لاجل حفظ امانت، عیناً نقل گردید.

میزانی افزونتر است. میان دوم به گروهی از بانوان پرداخته که مقدمات امر برای تعلیم و تربیت دخترانشان در ایران را فراهم می‌آورند. حضرت عبدالبهاء در جای دیگر برنامه آموزشی واحدی را برای پسران و دختران تجویز می‌فرماید، اما با تصدیق نقشی که دختران محتملاً به عنوان مربی اطفال خود ایفا خواهند کرد، تربیت خاصی توصیه شده است. این رهنمودها برای نفوسی که به تلاش برای به کار بردن این هدایت جهت تعلیم و تربیت عمومی علاقمند هستند، مفید و آموزنده است. در جای دیگر^{۲۸}، حضرت ولی امرالله دو زمینه دیگر را که بالصراحه در فهرست زمینه‌های واجب‌التعلیم ذکر نشده، به آن می‌افزاید و آن عبارت از نطق و بیان و حرف و صنایع موجوده است.

۸۰- تعلیمات مکتب اطفال مفصل است و حال فرصت میسر نیست. لهذا مختصر جزئی تعلیم مرقوم می‌گردد: اول تربیت آداب و تربیت به اخلاق و تعدیل صفات و تشویق بر اکتساب کمالات و تحریض بر تمسک به دین الله و ثبوت بر شریعه الله و اطاعت و انقیاد تام به حکومت عادله و صداقت و امانت به سریر سلطنت حاضره و خیرخواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کل امم و تعلم فنون مفیده و السن اجنبیه و حسن سلوک و مداومت ادعیه خیریه در حق ملوک و مملوک و اجتناب از قرائت کتب طوائف ماذبه امم طبیعه و از حکایات و روایات عشقیه و تألیفات غرابیه؛ خلاصه جمیع دروس محصور در اکتساب کمالات انسانیه. این تعالیم تربیت مکتب‌ها است که مختصر مرقوم می‌گردد. (مکاتیب، ج ۱، ص ۴۰۶ / نصوص تربیتی، ص ۶۴)

۹۵- از کنیزان جمال ابهلی نامه شما رسید و از قرائت آن سطور سرور موفور حاصل گشت. الحمدلله اماء الرحمن انجمنی آراستند که درس تبلیغ بخوانند و به نشر نفعات پردازند و در فکر تربیت اطفال باشند. اما این محفل باید روحانی محض باشد؛ یعنی مذاکرات باید حجج بالغه و براهین واضحه و ادله قاطعه بر طلوع شمس حقیقت باشد و همچنین آنچه سبب تربیت بنات و تعلیم علوم و آداب و حسن سلوک و حسن اخلاق و عفت و عصمت و ثبات و استقامت و قوت عزم و ثبوت نیت و اداره منزل و تربیت اطفال و آنچه از لوازم و ضروریات بنات است؛ تا این بنات در حصن کمالات و حجر حسن اخلاق از صغر سن تربیت شده، وقتی که امهات گردند اطفال خویش را به احسن آداب و اخلاق از صغر سن تربیت نمایند، حتی آنچه سبب صحت بدن و قوت بنیه و صیانت اطفال از عروض امراض است، تحصیل نمایند و چون کار چنین انتظام یابد، هر یک از اطفال بهائی نهال بی‌همال جنت ابهی شوند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۷، ص ۱۰۴ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۱)

۵۱- از قبل نامه‌ای مشروح راجع به تربیت اطفال در امر الهی و ظهور ایمان و ایقان و کسب علوم و معارف روحانی و تفهیم این اصل که با قلوب متضرع و پرابتهال توجه به ملکوت حضرت ذوالجلال نمایند، مرقوم

²⁸ مجموعه نصوص تربیتی، صص ۸۸-۸۷

و ارسال گردید. یقین است نسبت به حصول این مقصود بذل هر گونه سعی و مجاهدت خواهید نمود.
(مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۱)

۶۳- ای امه الله دبستان تعلیم روحانی باز کن و ادیب دارالتعلیم رحمانی شو و اطفال را به تربیت الهی تربیت نما و در آغوش صدف هدایت الله چون دردانه پرورش ده و به جان و دل بکوش که نورسیدگان در متهی حالات انسانی تربیت شوند به قسمی که هر یک از اطفال در عقل و کیاست و درایت و تبتل و نصرت آیت مدی گردند و در نهایت خضوع و خشوع و وقار و انجذاب تربیت شوند. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۸)

۱۱۹- امر تربیت از بنین و بنات، این ایام از امور اساسیه لازم محسوب و این از وظائف اعضای محافل روحانی است که به معاونت یاران در تأسیس مدارس محض تربیت بنین و بنات در امور روحانیه و تعلیم اصول تبلیغ و تلاوت آیات و ینت و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و تحصیل السن و لغات به کل قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائی چنان صبتش مشتهر گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس بهائیان تعلیم الهیه و علوم مادیه را بیاموزند و به این واسطه اسباب ترویج امرالله را فراهم آرند.
توفیقات مبارکه، ج ۱ (۱۹۲۶-۱۹۲۲)، ص ۱۷۴، مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸۳

ایجاد تعادل در جنبه فکری و روحانی

آثار بهائی اهمیت تربیت روحانی، بخصوص برای اطفال خردسال، را روشن می کند، اما در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده بر اهمیت تعلیم و تربیت فکری در مدارس عالی که از اعتبار برخوردارند، نیز تأکید شده است.

۱۲۷- از نحوه شگفت انگیزی که فرزندان شما نسبت به بلاغ امر الهی در محاضر عمومی اختیار نموده اند، از مجاری مختلفه استحضار حاصل گردید. حضرت ولی امرالله امیدوارند که هر سه آنان ناطقین قابل و فداکار امرالله گردند و در حقایق مربوط به این امر اعظم و موضوعات مشابه آن به بحث و گفتگو پردازند. برای اجرای این منظور به نحو اتمه و اکمل آنان را احتیاج به اساسی محکم و متین از تعلیمات علمی و ادبی است که خوشبختانه در سبیل تحقق آن سالک و ثابت اند. برای جوانان بهائی از ذکور و اناث تعلیم کامل در دانشکده ها که صاحب مقام و موقعیت عالی هستند، همانقدر دارای اهمیت و ضرورت است که تعلیم و تربیت در مسائل روحانی لازم و متحتم می باشد، جنبه فکری و روحانی هر جوان بهائی قبل از آن که بتواند به نحو اکمل در دایره خدمات امریه وارد گردد، باید مورد بسط و تقویت قرار گیرد. (جزوه تحقیق و تتبع، ص ۲۳)

استعاره ها در مورد تعلیم و تربیت

استعاره‌هایی که در آثار بهائی استفاده شده از قوت توضیحی و تبیینی شگرفی برخوردارند. استعاره‌هایی که ما استفاده می‌کنیم آنچنان بخشی از ملاحظه امور قرار می‌گیرد که غالباً از اندیشه عمیق درباره مفاهیم ضمنی آنها غافل می‌مانیم. بعضی از استعاره‌های متداول که در آثار بهائی مورد استفاده واقع شده و به مرتیان و متریان مربوط می‌شود، ذیلاً نقل می‌گردد.

۵۸- تعلیم اطفال و پرورش کودکان اعظم مناقب عالم انسان و جاذب الطاف و عنایت حضرت رحمان. زیرا اسّ اساس فضائل عالم انسانی است و سبب تدرّج به اوج عزّت جاودانی. چون طفل در کودکی تربیت شود، مانند نهال در جویبار علم و دانش، به عنایت باغبان گلشن احدیت از زلال معانی بنوشد و البته پرتو شمس حقیقت گیرد و به شعاع و حرارتش در گلشن وجود طراوت و لطافت بی‌نهایت یابد.

پس، ادیب باید طیب باشد؛ یعنی اطفال را تعلیم دهد و اخلاق را تعدیل نماید؛ علم و دانش آموزد و به خُلق و خوی ربّانی پرورش دهد؛ طیب اخلاق باشد تا ابناء آفاق را از علل و امراض روحانی معالجه نماید.

اگر در این مورد عظیم همت جلیله مبذول شود، عالم انسانی زینت دیگر یابد و نورانیت دیگر حاصل نماید؛ جهان ظلمانی نورانی شود و عالم امکانی بهشت جاودانی گردد؛ حتی دیوان فرشتگان شوند و گرگان شبان اغنام گردند و کلاب غزالان بر وحدت شوند و درتندگان چرندگان شوند و مرغان تیزچنگ خوش نغمه و آهنگ گردند.

زیرا حقیقت انسانیّه خطّ فاصل بین الظلّ و النور و مجمع البحرین و نهایت قوس نزول است. لهذا، استعداد جمع مراتب دارد. به تربیت اکتساب فضائل کند و از عدم تربیت در اسفل درجات نقائص ماند.

هر طفلی ممکن است که سبب نورانیت عالم گردد و یا سبب ظلمانیت آفاق شود. لهذا باید مسأله تربیت را بسیار مهمّ شمرد و اطفال را از کودکی از پستان محبت الله شیر داد و در آغوش معرفت الله تربیت نمود، تا نورانی گردند، رحمانی شوند، علم و دانش آموزند و خُلق و خوی فرشتگان یابند. حال، چون شما به این خدمت مقدسه معین شده‌اید، البته باید نهایت همت مجری دارید تا آن مدرسه به جمع شئون و مراتب شهیر آفاق گردد و سبب عزّت کلمه الله شود. (متخاتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۶ / نصوص تربیتی، ص ۴۵)

خداوند به عنوان مربی

یکی از استعاره‌های بزرگی که می‌توانیم برای کسب الهام و هدایت به آن پردازیم، عبارت از ذات الوهیت یا مظاهر ظهور به عنوان مربی است. آنها اولین و بزرگترین مربیان هستند، و به معنای دقیق کلمه، در مورد نحوه تعلیم، بیش بسیاری عنایت می‌کنند.

۲- تجلی شمس اسم رب را در کل ملاحظه نمایید، چه که در کل آثار تجلی این اسم مشهود است و تربیت کل منوط به او و تربیت هم دو قسم است: یک قسم آن محیط بر کل است و کل را تربیت می‌فرماید و رزق می‌دهد، چنانچه خود را رب العالمین فرموده و قسم دیگر مخصوص نفوسی است که در ظل این اسم در این ظهور اعظم وارد شده‌اند. ولکن نفوس خارجه از این مقام محروم و از مائده احدیه که از سماء فضل این اسم اعظم نازل، ممنوعند. چه نسبت است آن نفوس را مع این نفوس. (متخاتی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۲۵ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸)

۵۷- ای باران حقیقی جمع بشر و نوع انسان به مثابه اطفال دبستانند و مطالع نور و مظاهر وحی رب غفور؛ دیب عجیب جلیل و مربی بی نظیر و مثیل در دبستان حقائق این فرزندان را به تعلیم الهی تربیت نمایند و در آغوش عنایت پرورش دهند تا در جمع مراتب ترقی نموده مظاهر مواهب گردند، مرکز سوحات رحمانیه شوند و مجمع کمالات انسانی در کل شئون صوری و معنوی پنهان و عیان جسمانی و روحانی ترقی نمایند و عالم فانی را آئینه جهان‌نمای جهان جاودانی کنند.

پس، ای دوستان حق شمس حقیقت چون در این دور عظیم در اشرف نقطه اعتدال ربیعی طلوع نمود و بر آفاق اشراق کرد، چنان حشر و نشری نماید و شور و ولوله‌ای در اطباق وجود اندازد، و چنان نشو و نمایی ببخشد و چنان تابشی بناید و ابر عنایتش چنان بیارد و باران رحمتش چنان ریزش بنماید و دشت و صحران چنان گل و ریاحینی برویاند که غبار جنت اهبی گردد و روی زمین بهشت برین شود و بسیط خاک چون محیط افلاک شود، عالم وجود عرصه محمود شود، نقطه تراب مطلع الطاف رب الارباب گردد.

پس، ای اجنای الهی جهد بلیغ نمایید تا شما مظهر این ترقیات و تأییدات گردید و مرکز سوحات رحمانیت شوید و مشرق انوار احدیت گردید و ترویج علوم و معارف نمایید و در ترقی بدایع و صنایع کوشید، تعدیل اخلاق نمایید و به خلق و خوی سبقت بر اهل آفاق جوید، اطفال را از سن شیرخواری از ندی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید، از هر علم مفیدی بهره‌مند نمایید و از صنایع بدیع نصیب بخشید، پرهمت نمایید و متحمل مشقت کنید، اقدام در امور مهمه پیامورید و تشویق بر تحصیل امور مفیده بنمایید. (متخاتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۲۵ / نصوص تربیتی، ص ۴۴)

اطفال دُرْدانه‌اند

استعارهٔ دیگر این است که اطفال مانند دُرْدانه‌اند و تعلیم و تربیت مانند صدف است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، اطفال را به تربیت الهی تربیت نما و در آغوش صدف هدایت‌الله چون دُرْدانه پرورش ده. (نصوص تربیتی، ص ۴۸)

۵۹- تعلیم اطفال و تربیت نونهال‌های جنت ابهی از اعظم خدمات درگاه کبریا است تا مانند لئالی موهبت در صدف تربیت به فیض هدایت پرورش یافته، زینت اکلیل عزت ابدیه گردند. ولی قیام به این خدمت بسیار مشکل است و از عهده بر آمدن مشکل تر. امیدوارم که آن جناب موفق به این خدمت عظمی گردند و از عهده برآیند تا مظهر موهبت کبری شوند تا جمیع اطفال به تربیت الهیه تربیت شده خلق و خویشان مانند نفحات گلشن ابهی معطر گردد و مشام آفاق را معنیر کند. (متمخانی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۷)

والدین به عنوان مربی

می‌توانیم والدین را به عنوان مربی، یا مربیان را به عنوان والدین، مشاهده کنیم زیرا هر دو مثال سودمند است. بعضی از تفاوت‌های آنها متضمن سطوح متفاوتی از مسئولیت، نگرانی، توجه، وابستگی عاطفی و تکالیف است. حضرت عبدالبهاء مادران را اولین مربی اطفال و نوزادان می‌خوانند. بعضی از هدایات روشن‌کننده در ارتباط با تعلیم و تربیت خطاب به مادران است. کودکان وظیفه دارند به والدین خود خدمت کنند، از آنها اطاعت نمایند و احترام بگذارند، و والدین مسئولیت مراقبت و رسیدگی برای پرورش و تحصیل اطفالشان دارند. حکمت و هدایتی را که در آثار بهائی به والدین و خانواده‌ها عنایت شده می‌توان برای تدریس، کلاسها و مدارس به کار برد.

۱۱۱- به موجب تعالیم حضرت بهاء‌الله خانواده که یک واحد انسانی محسوب است باید طبق اصل تقدیس و احترام تعلیم و تربیت باید و جمیع فضائل و کمالات به وی القا گردد. تمامیت و جامعیت روابط عائله بایستی پیوسته مورد توجه دقیق قرار گیرد و حقوق و شئون اعضا کل محترم و محفوظ باقی ماند. حقوق فرزند، حقوق پدر و مادر، هیچیک از آنها نباید پایمال شود و معرض تخطی و تجاوز واقع گردد و در عین حال هیچیک نباید جنبه انفرادی و مطلق اختیار نماید؛ همانطور که فرزند نسبت به پدر خویش دارای پاره‌ای تعهدات است، پدر نیز به همان قرار صاحب وظائفی است که باید در حق فرزند مجری دارد. مادر، خواهر و دیگر اعضا عائله نیز هر یک دارای حدود و مقامات مخصوصه‌اند. جمیع این حدود و مشخصات بایستی مورد احترام واقع گردد و در عین حال وحدت و یگانگی خانواده محفوظ و لن‌بتغیر باقی ماند؛ ناراحتی هر یک باید ناراحتی عموم تصور شود و راحت و آسایش هر عضو راحت و آسایش عضو دیگر و

بالاخره اعتلاء و افتخار هر فرد اعتلاء و افتخار سایر افراد تلقی گردد. (ترجمه خطابه دوم زونن ۱۹۱۲ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۲۲)

معلم به عنوان باغبان

معلم به عنوان باغبان غالباً در سراسر آثار بهائی به صورت استعاره استفاده شده است.

۵۰- ای ناظر به ملکوت الله نامه تو رسید از مضمون معلوم گردید که مشغول تعلیم اطفال احباء هستی و آن کودکان معصوم کلمات مکونه و مناجات تعلیم گرفته‌اند و به معنی بهائی بودن پی برده‌اند.

تعلیم این اطفال مثل نهال‌های تازه‌ای در گلشن ابهی است که دهقان مهربان به تربیت آنها مشغول و البته نتایج مطلوبه حصول خواهد یافت. علی‌الخصوص تفهیم شروط و اخلاق بهائی. زیرا باید اطفال صغیر به جان و دل مطلع بر آن شوند که بهائی به لفظ نیست، به معنی است. هر طفلی باید به تربیت الهی تربیت شود تا مجمع اخلاق حمیده گردد و سبب عزت امرالله شود و الا لفظ بهائی بی ثمر نتیجه ندارد.

باری تا توانی بکوش تا این اطفال را بفهمانی که بهائی یعنی انسان جامع جمیع کمالات؛ باید مثل شمع روشن باشد. نه این که ضلالت اندر ظلمات باشد و اسمش بهائی. نام مدرسه را مدرسه یکشنبه بهائیان بگذارید. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۹ مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۴۰)

۵۱- ای دو کنیز عزیز الهی نشان آنچه به لسان گوید باید به اعمال و افعال اثبات کند. اگر ادعای ایمان نماید باید به موجب تعالیم منکوت ابهی عمل نماید.

الحمدلله شما به اعمال قول خویش را ثابت نمودید و به تأییدات الهیه موفق شدید و اطفال بهائی را جمع نموده در یامداد تعلیم مرحمت می‌دهید. این عمل بسیار مقبول و سبب سرور قلوب که آن اطفال هر صبح توجه به ملکوت نموده ذکر حق مشغول گردند و در نهایت ملاحظت و حلاوت مناجات کنند. آن اطفال به مثابه نهالند و این تعبیه و مناجات مانند باران که طراوت و لطافت بخشد و به مثابه نسیم محبت الله که به اهتزاز آرد. طوبی لکم و حسن مآب. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۳۵ مجموعه نصوص تربیتی، ص ۴۲)

استعاره‌های مربوط به محصلین و مترقیان

تشبیهات بسیاری در کتب و آثار بهائی یافت می‌شود که برای درک حقیقت انسانی به ما کمک می‌کند. مردم به بسیاری چیزهای مختلف تشبیه می‌شوند که می‌تواند در درک بهتر و تعلیم آنها به مربیان کمک کند. مانند طلسم، معدن، شجر، فولاد، مرآت، مشکاة، سراج، روز/شب، حیوان و ملک، کتاب آفرینش، زغال الماس، گیاه، ماده مغناطیسی، اغصان، شاگردان حق، طیبیان و بیدار کنندگان.

۴- انسان طلسم اعظم است، ولکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده؛ به یک کلمه خلق فرمود و به کلمه آخری به مقام تعلیم هدایت نمود و به کلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود می‌فرماید، انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما؛ به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد. (الوح مفصود، ص ۳ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸)

۹- در تحصیل کمالات ظاهره و باطنه جهد بلیغ نمایند چه که ثمره سدره انسانی کمالات ظاهریه و باطنیه بوده. انسان بی علم و هنر محبوب نه؛ مثل اشجار بی ثمر بوده و خواهد بود. لذا لازم که به قدر قوه و وسع سدره وجود را به اثمار علم و عرفان و معانی و بیان مزین نمایند. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۰)

۱۰- انسان به مثابه پولادی است که جوهرش مستور است؛ به ذکر و بیان و نصیحت و تربیت جواهر آن ظاهر و هویدا گردد و اگر به حال خود بماند، زنگک مشتبهات نفس و هوی او را معدوم سازد. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۱)

۳۰- ایها الحزب الالهی قدرت قدیمه هر یک از کائنات و انواع موجودات را به مزیتی و منقبتی و کمالی مخصّص فرمود تا در رتبه خود آیات داله بر علو و سمو مرتبی حقیقی گردند و هر یک به منزله مرآتی صافیه از فیض و تجلی شمس حقیقت حکایت نمایند.

انسان را از بین کائنات به موهبت کبری مخصّص فرمود و به فیض ملا اعلیٰ فائز کرد و آن موهبت کبری هدایت عظمی است که حقیقت انسابه مشکاة این مصباح گردد و اشعه ساطعه این سراج چون بر زجاج قلب زند، از لطافت قلب سطوع انوار اشتداد یابد.

و هدایت کبری مشروط و منوط به علم و دانایی و اطلاع بر اسرار کلمات ربّانی است. لهدا، باید یاران الهی صغیراً و کبیراً رجالاً و نساءً به قدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی نمایند.

حضرت صدرالصدور الفائز بالمقام الاعلیٰ فی عالم السرور روح المقرّبین له الفدا تأسیس محفل تعلیم نمودند و ایشان اول شخص مبارکی هستند که اساس این امر عظیم نهادند. الحمدلله در ایام خویش نفوسی را تربیت نمودند که الیوم در نهایت فصاحت و بلاغت مقتدر بر اقامه ادله و براهین الهی هستند و فی الحقیقه این تلامذه سلاله طاهره روحانیه آن مقرب درگاه کبیرا هستند و بعد از صعود ایشان بعضی از نفوس مبارکه اقدام در ابقاء تعلیم و تعلم فرمودند و این مسجون از این خبر بی نهایت مسرور شد.

حال نیز در نهایت تأکید رجا از احبای الهی می‌نمایم که به قدر امکان بکوشند و در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند خوشتر و شیرین تر گردد. حتی احبای الهی چه صغیر و چه کبیر، چه ذکور و چه

انات، هر یک به قدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف، چه روحانی چه امکانی، بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کل در مسائل علمیّه و اطلاع بر علوم و معارف عصریه باشد.

اگر چنین گردد به نور مبین آفاق روشن شود و صفحه غبرا گلشن ملکوت ابهی گردد. (مکاتب

عبدالیهاء، ج ۱، ص ۲۳۰ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۱۸)

۳۲- انسان در نهایت رتبه جسمانیات است و بدایت روحانیات؛ یعنی نهایت نقص است و بدایت کمال؛ در نهایت رتبه ظلمت است و در بدایت نورانیت. این است که گفته اند که مقام انسان نهایت شب است و بدایت روز؛ یعنی جامع مراتب نقص است و حائز مراتب کمال؛ جنبه حیوانیت دارد و جنبه ملکیت؛ و مقصود از مرتبه این است که نفوس بشریه را تربیت بکند تا جنبه ملکیت بر جنبه حیوانیت غالب شود.

(مفوضات عبدالیهاء، ص ۱۷۷ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۸)

۳۳- انسان آیت کبرای انهی است، یعنی کتاب تکوین است. زیرا جمیع اسرار کائنات در انسان موجود است. پس اگر در ظل تربیت مرتبه حقیقی بیفتد و تربیت شود، جوهر الجواهر گردد، نورالانوار شود، روح الارواح گردد، مرکز سنوحات رحمانیه شود، مصدر صفات روحانیه گردد، مشرق انوار ملکوتی شود، مهبط الهامات ربانی گردد و اگر چنانچه محروم بماند، مظهر صفات شیطانی گردد، جامع ذائل حیوانی شود. مصدر شتون ظلمانی گردد.

این است حکمت بعثت انبیاء به جهت تربیت بشر تا این زغال سنگ دانه الماس شود و این شجر بی ثمر پیوند گردد و میوه تی در نهایت حلاوت و لطافت بخشد و چون به اشرف مقامات عالم انسانی رسد، آوقت دیگر ترقی در مراتب کمالات دارد نه در رتبه؛ زیرا مراتب منتهی شود، لکن کمالات الهیه غیر منتهی است. (مفوضات عبدالیهاء، ص ۱۷۸ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۱)

۷۵- ای یاران الهی حضرت رحمن انسان را به جهت تزیین عالم امکان خلق فرمود تا به انواع بخشایش بردانی جهان آفرینش را آرایش دهد و حقیقت انسانیه مانند سُرُج رحمانیه محفل امکان را آئینه انجمن بالا نماید.

این معلوم است که اعظم مواهب یزدان پاک دانش و دانایی است و علم و فضل از فیض عالم آسمانی. پس باید اجزای انهی چنان شوق و همتی در ترویج علم و عرفان و معارف مبذول دارند که در تندرک زمانی طفلان دبستان ادیبان نجم علم و عرفان شوند. این خدمت به آستان یزدان است و از او امر قصیه حضرت رحمن.

پس ای یاران به دل و جان و قوی و ارکان سعی بلیغ نماید که مدرسه تربیت را دبستان دانایی کنید و منبع حقایق و معانی تا نورسیدگان الهی پرتو علوم نامتناهی بایند و نهالهای باغ روحانی به فیض ابر علم و عرفان نشو و نما جویند و چنان ترقی کنند که سبب حیرت دانایان گردند.

قسم به فیض حکمت الهیه که اجزای مدرسه تربیت اگر به این موهبت موفق شوند، اعضاء محفل احدیت گردند و ابواب فیض من دون ریب مفتوح شود. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۵۷)

۱۰۲- ای اطفال عزیز پدر شما شفق و مهربان و نسبت به شما در نهایت رأفت و عطف است؛ شما را ترقی و تعالی خواهد و در ملکوت الهی حیات جاودانی طلبد. پس ای اطفال عزیز وظیفه شما آن است که رضایت و مسرت خاطر او را فراهم نمایید و در سبیل هدایتش سالک گردید، مفتون مغناطیس محبت الله شوید و در دامان عطف یزدانی بیاراید تا عاقبت در جنب ابهی اغصان پرطراوت زیبا گردید و از سلسال فیض و الطاف لانهای حضرت احدیت نصیب موفور برگیرید و خرم و شاداب شوید. (ترجمه بیان حضرت عبداله از انگلیسی؛ مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۷)

۱۰۵- ای اطفال ملکوت نامه شما با عکسهای شما وصول یافت. نامهها را چون خواندم از قرائت نامهها نهایت احساسات قلبیه حاصل شد و از مشاهده عکسها بهجت و سرور روحانی رخ داد. الحمدلله منطوق نامهها دلیل بر آن بود که توجه به ملکوت اعلی دارید و از شمائل واضح بود که نور محبت الله در جبین واضح و آشکار.

از خدا خواهم که در این مدرسه در روزهای یکشنبه تحصیل علوم آسمانی کنید و تربیت اخلاق رحمانی یابید؛ روز به روز ترقی کنید تا هر یک نهال بی همال در بوستان الهی گشته پُربزرگ و شکوفه و پرنمر گردید. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۸)

۱۰۶- ای نهالان بی همال چمنستان هدایت و نورسیدگان اهل حقیقت هر چند حال تلامذهاید امید چنان که اساتذہ گردید؛ در بوستان علم و عرفان مانند گل و ریحان به رشحات سحاب عنایت نشو و نما نمایید و هر یک درختی بارور و شجره‌ای در نهایت طراوت و لطافت و دوحه‌ای مملو از انوار پر جلالت گردید.

تأییدات غیبیه الهیه هر یک را یتوع علم و عرفان نماید و از ملا اعلی به مرکز صدور الهامات غیبیه وصول یابد و انکشافات معنویه حصول پذیرد، قطره حکم دریا گیرد و ذره جلوه آفتاب نماید.

حضرت اعلی روحی له الفداء می فرماید، "لو أرادت نملة أن تفسر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأن السز الصمداتیة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات" چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل، دیگر معلوم است که در ظل فیوض جمال مبارک روحی لاحتیانه الفدا چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.

پس، ای نورسیدگان نورانی، شب و روز جهد نمایید تا به حقایق و معانی پی برید و اسرار بوم ظهور را ادراک کنید و حجج و براهین اشراق اسم اعظم را اطلاع یابید، زبان به نناء بکشاید و ادله و برهان اقامه نمایید، تشنگان را به معین ماء حیوان برسانید و مریضان را شفای حقیقی بدهید؛ شاگردان حق گردید و طیبیان الهی شوید؛ مریضان انسان را معالجه نمایید و محرومان را محرم اسرار کنید؛ مأیوسان را امیدوار نمایید، خفتگان را بیدار کنید، غافلان هوشیار نمایید.

این است ثمره جود؛ این است مقام محمود. (مجموعه نصوص تربیتی، ص ۷۹)

تعلیم و تربیت برای دنیایی جدید

رادنی کلارکن

مدیر آزمایشگاه تجربیات میدانی و استادیار

دپارتمان تعلیم و تربیت

دانشگاه میشیگان شمالی

این رساله در اجلاس سالانه انجمن تحقیق تعلیم و تربیت آمریکا
سان دیه گو، کالیفرنیا، ۱۷-۱۳ آوریل ۱۹۹۸ عرضه شده است

مسائل تعلیم و تربیت آنچنان در سراسر عالم به نحوی فزاینده به مواضع سخت و پردردسر تبدیل می شود که بدون به مخاطره انداختن آینده خود نمی توانیم آنها را ندیده بگیریم. تعلیم و تربیت قوی ترین محمل برای تأسیس صلح، وحدت و پیشرفت مورد نیاز این مدنیت است، البته مشروط بر آن که این تمدن قرار باشد پیشرفت کند. اما چه دانشی بیشتر ارزش دانستن دارد و چگونه می توان آن را به بهترین وجه تعلیم داد؟ اینها سؤالاتی است که عالم انسانی در طول قرون و اعصار با آن مواجه بوده و دول و ملل جهان امروز نیز با آن روبرو هستند. این رساله شروع به تدوین بیانیهای در مورد تعلیم و تربیت نموده که هدایات و راه حل های موجود در کتب بهائی در خصوص این مسائل حیاتی سراسر عالم که جمیع را مبتلا می نماید، ارائه می دهد. این اثر، در واقع صورت اصلاح شده رساله قبلی مؤلف با عنوان "مفاهیم ضمنی در آثار بهائی برای تعلیم و تربیت" (۱۹۷۵) است. نوشته های بهائی، در درجه اول شامل آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالله و حضرت شوقی افندی، و بیت العدل اعظم، مشحون از هدایت و راه حل ها است. این رساله بعضی از اصول و آرمان های مذکور در آثار بهائی در خصوص اداره امور آموزشی، رشد کودک، علم تعلیم و تربیت، و برنامه آموزشی را معرفی می کند. این رساله به مسائل مربوط به تعلیم و تربیت در محیط های مختلف می پردازد و زمینه های تحقیق را که برای آزمایش ارزش این اصول و آرمانها می توان تعقیب نمود، پیشنهاد می نماید.

این رساله سعی دارد به مواضع و هدایات زیر که حضرت عبدالله در سال ۱۸۷۵ بیان فرمودند،

پردازد:

الزم امور و اقدام تثببات لازمه توسیع دائرهٔ معارف است و از هیچ ملتی نجات و فلاح بدون ترقی این امر اهم آقوم متصور نه چنانچه باعث اعظم تنزل و تزلزل ملل جهل و نادانی است؛ و الآن اکثر اهالی از امور عادیّه اطلاع ندارند تا چه رسد به وقوف حقائق امور کلیّه و دقائق و لوازم عصریه.

لهذا لازم است که رسائل و کتب مفیده تصنیف شود و آنچه الیوم مایحتاج الیه ملت و موقوف علیّه سعادت و ترقی بشریه است، در آن به براهین قاطعه بیان شود و آن رسائل و کتب را طبع نموده در اطراف مملکت انتشار شود تا اقلاًّ خواصّ افراد ملت قدری چشم و گوششان باز شده در آنچه سبب عزّت مقدسهٔ ایشان است بکوشند. نشر افکار عالیّه قوهٔ محرکه در شریان امکان، بلکه جان جهان است. افکار چون بحر بی پایان و آثار و اطوار وجود چون تینات و حدود امواج. تا بحر به حرکت و جوش نیاید، امواج برنخیزد و لالی حکمت بر شاطی وجود نیفشاند...

باید افکار عمومیّه را متوجه آنچه الیوم لائق و سزاوار است نمود و این ممکن نه الاّ به بیان کافی و اقامهٔ دلیل واضح مبرهن وافی. چه که بیچارگان اهالی از عالم وجود بی خبرند و شبهه‌ای نیست که سعادت خود را طالب و آمل و لکن حجابات جهل حائل و حاجز گشته. (رساله مدنیّه، ص ۱۲۹ / مجموعه نصوص تربیتی، ص ۲۳)

بررسی آثار

علاوه بر مجلّات بسیاری از آثار حضرت بهاء الله (۱۸۹۲-۱۸۱۷)، حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱-۱۸۴۴)، حضرت ولی امرالله (۱۹۵۷-۱۸۹۶)، و بیت العدل اعظم (-۱۹۶۳)، فقرات متعدّد دیگر از نوشته‌های بهائیان و تشکیلات بهائی به عنوان مطالب منبع مورد استفاده قرار گرفته است. اسناد متعدّدی در حال حاضر در دسترس است که نظریه‌های بهائی در مورد تعلیم و تربیت را برای نهادها و مخاطبین گوناگون بیان می‌کند، مانند "مجموعه آثار مبارکه دربارهٔ تربیت بهائی"، "بیان موضع در خصوص تعلیم و تربیت"، "تعلیم و تربیت برای نامیبیای جدید"، "خط مشی تربیتی: دیدگاه بهائی"، "منشور برای مدارس بهائی" و ادبیات مدل انیسا^۱.

بسیاری از سایر محققین و مرئیان در مورد تعلیم و تربیت بهائی مطالبی نوشته‌اند و آثار آنها نیز در تدوین این رساله مورد استفاده قرار گرفته است، مانند جی مارکز (آفریقای جنوبی)، ای جونز (استرالیا)، حسین دانش، ایرج ایمن، دی تروکسل (سوئیس)، دی آلن، ام اسمیت، اچ هانسون، تان هچر، ایرن تافاکی، آر جانسون، دابلو دیل، دیتان روتشتاین، سی میلر (ایالات متحده آمریکا)، جی ایفورد، ویلیام هچر، ای مونتارت (کانادا)، اس وایت، اچ راست (هندوستان)، پل لمپل، فرزام ارباب (اسرائیل)، اچ نیکجو، اس

^۱ تنظیم شده از طرف دائره مطالعه نصوص و الواح بیت العدل اعظم الهی، آگوست ۱۹۷۶

^۲ Position Statement on Education (Bahá'í International Community Task Force on Education, January 1989)

^۳ Education for a New Namibia (NSA of Namibia, August 1990)

^۴ Educational Policy: A Bahá'í Perspective (NSA of India, November 1985)

^۵ Charter for Bahá'í Schools (American Bahá'í, April 1990)

^۶ The Anisa Model literature (Jordon and Streets, 1972; Streets and Jordan, 1973; Kalinowski and Jordan, 1973)

ریکرز (انگلستان)، پی کریستن (کنیا)، ای آنلو (بولیوی)، یولیو ساوی (ایتالیا)، ام هیجیتز (ژاپن) و ال نوگرچی (هنگ کنگ/چین).

نقش تعلیم و تربیت

حضرت عبدالبهاء، اولین مبین منصوص آثار حضرت بهاءالله بعد از صعود هیکل مبارک، در سال ۱۸۷۵، خطاب به رهبران و ملت ایران، در خصوص اولویت تربیت مطالبی مرقوم فرمودند.

ملاحظه فرمایید که قلت معارف به چه مثابه باعث ذلت و حقارت ملت می‌شود. ایوم اعظم طوائف و ملل عالم از جهت کثرت نفوس ملت چین است که هشتصد کرور و کسری نفوس اهالی است و از این جهت باید که دولتش سرافرازترین دول و ملتش مشهورترین ملل عالم باشد و حال بالعکس، به جهت عدم معارف تمدن ادبی و مادی ضعیف و بی‌بازترین ملل و دول ضعیفه است؛ چنانچه مدت قلبه‌ای قبل از این عساکر قلبی از انگلیس و فرانسه با او محاربه نموده، به قسمی دولت چین شکست خورد که پایتختش را که مسمی به پکن است، فتح نمودند. حال، اگر دولت و ملت چین در درجات عالیه معارف عصریه متصاعد و به فنون تمدن متفنن بودند، اگر کل دول عالم بر او هجوم می‌نمودند، البته عاجز گشته خانیا خاسراً مراجعت می‌نمودند.

و از این حکایت عجب‌تر آن که حکومت زویان در اصل تابع و در تحت حکایت حکومت چین بود. چند سال است که چشم و گوش باز کرده، تشبث به وسائل ترقی و تمدنات عصریه و ترویج معارف و صنایع عمومی نموده، به قدر اقتدار و استطاعت جهد و کوشش کرده تا آن که افکار عمومی متوجه اصلاحات گشته، علی‌العجاله، حکومتش به مقامی رسیده که با وجود آن که نفوس آن مملکت تقریباً سدس بلکه عشر اهالی حکومت چین است، در این ایام با دولت چین مقابلی نمود. بالاخره، حکومت چین مجبور به مصالحه گشت. دقت نماید که چگونه معارف و تمدن سبب عزت و سعادت و حریت و آزادی حکومت و ملت می‌شود. و همچنین لازم است که در جمیع بلاد ایران، حتی فری و قصبات صغیره مکتب‌های متعدده گشوده و اهالی از هر جهت تشویق و تحریص بر تعلیم قرانت و کتابت اطفال شوند؛ حتی عنداللزوم اجبار گردند، تا عروق و اعصاب ملت به حرکت نیاید، کل تشبثات بی‌فائده است؛ چه که ملت به مثابه جسم و غیرت و همت مانند جانند. جسم بی جان حرکت نکند. حال، این قوه عظمی در طینت اهالی ایران در منتهی درجه موجود؛ محرکش توسیع دائره معارف است. (رساله مدیه،

ص ۱۳۰)

اداره امور آموزشی

نقش امور اداری عبارت از رساندن هدف به حیز اقدام جمعی است. آثار بهائی حاوی اصول مرتبط به اداره امور آموزشی است که برای بهبود مدیریت آموزشی و شناسایی متغیرهای ضروری برای حیات جمعی موفق، می‌توان از آنها استفاده کرد. بخش عمده‌ای از مطالب موجود در مورد اداره امور آموزشی و سازمان‌های آن مؤید اصولی است که حضرت بهاءالله در قرن نوزدهم صریحاً بیان کردند.

وقتی که گروه‌ها این اصول را درک کنند، به این صفات ارج نهند و سعی کنند آنها را در جوامع گوناگون خود به مرحله اجرا در آورند، می‌توانند سبب ترقیات هدفمند گردند. جوامع بهائی به عنوان مدل‌های کاربرد مؤثر و عملی این اصول می‌توانند عمل کنند. اصول و رهنمودهای مربوط به محفل روحانی محلی و افراد که در جامعه به کار برده می‌شود، قابلیت استفاده دارند.

حضرت شوقی افندی، مبین منصوص آثار حضرت بهاءالله بعد از حضرت عبدالبهاء، نقش محفل روحانی و رابطه‌اش با فرد را توصیف می‌کنند:

شما باید در کمال اطمینان و اعتماد به محفل محلی خود مراجعه و طالب مساعدت و هدایت محفل گردید. این هیأت‌ها، وقتی که از آنها تقاضا شود، وظیفه مقدّس مساعدت، مشاوره، صیانت و راهنمایی اجباء به هر طریقی که در حدّ قدرت آنها باشد، به عهده دارند - تودیدی نیست که آنها با هدف حفظ نظم و وحدت و اطاعت از احکام الهی در میان اجباء تأسیس شده‌اند. همانطور که طفلی به والدین خود رجوع می‌کند، شما باید به محفل مراجعه نمایید. (ترجمه)^۷

این ترکیب مستلزم مسئولیت‌های معینی از سوی سرپرستی و نیز نفوسی است که سرپرستی می‌شوند و مخالف روح موجود در بسیاری از نظام‌ها است. امروزه، بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی عمومی نسبت به دو مرجع اقتدار مزبور حاکم است. این تا حدّی ناشی از آن است که نفوس مرجع قدرت مستحق احترام نیستند، تا حدّی به علت سنت و فرهنگ، و تا حدّی بدان علت که رهبران سپرهای بلای مقبول هستند. حضرت بهاءالله (در کتاب منتخبانی از آثار حضرت بهاءالله^۸) و حضرت عبدالبهاء (متقول در ظهور عدل الهی) می‌فرمایند که نفوس مرجع باید با رعایت عدالت این احترام را کسب کنند. بدون مشورت، عدالت و وحدت، تحول سازنده‌ی زیادی به وقوع نخواهد پیوست.

اداره مدرسه موجد ساختار و حاکمیتی برای جامعه درسی می‌شود. برخورداری از فلسفه سالم و مؤثر اداره امور برای آن حائز اهمیت است. نظم اداری بهائی حاوی عناصر معینی است که در سه شکل موجود حکومت ملاحظه می‌شود اما از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبرا است.^۹

نظام کاملاً دموکراسی متکی به کسب نمایندگی از مردم و مشارکت نفوسی است که بر آنها حکومت می‌شود. این روش نه مؤثر است و نه عملی زیرا مستلزم مذاکرات طولانی، تصمیم‌گیری، و دانشی است که کلیه نفوس درگیر به سهولت از آن برخوردار نیستند. نظم اداری بهائی مستلزم آن است که

^۷ مکتوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از اجباء، Compilation of Compilations شماره ۱۳۷۵

^۸ دور بهائی، ص ۹۱

نفرسی که بر مسند قدرت جالسند باید به اوضاع و احوال جاریه هیئت جامعه آشنایی کامل حاصل نمایند و به قنایای مرجوعه بدون شائبه غرض رسیدگی کنند، ولی حق نهایی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند.^۱
(درز بهانی، ص ۹۲)

نظام مطلقاً استبدادی یا اشرافی کارآمد و مؤثر است، اما امروزه شرایط ایجاب می‌کند که از حقوق و مسئولیت‌های همه حراست شود. باید تصمیماتی با موافقت کلیه نفوس ذی‌نفع اتخاذ گردد. حقوق جمیع باید محفوظ ماند. فساد، تمایلات قرطاس‌بازی و دیوانی و اقتدار مطلقه استبدادی عموماً در نظام‌ها مانع اجرای عملکرد صحیح می‌شوند.

نظم اداری بهائی مبتنی بر فرایند تصمیم‌گیری موسوم به مشورت است؛ ابزاری نیرومند است که می‌توان برای اتخاذ تصمیمات صحیح و مطلوب و در جهت بهبود مدارس، از آن استفاده کرد. هدف مشورت رسیدن به حقیقت موضوع است نه لاف زدن و به رخ کشیدن نظریه‌های یک نفر و سعی در نفوذ بر دیگری. آثار بهائی حاوی هدایات وسیع و فراوان در خصوص مشورت است.

باید کل با یکدیگر به رفق و مدارا و محبت سلوک نمایند و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد، باید به کمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند، من دون آن که در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند. (حضرت بهاء الله - اقتدارات، ص ۲۲۱)

باید به نوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتی و اختلافی فراهم نیاید و آن این است که حین عقد مجلس هر یک به کمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نمایند؛ اگر دیگری مقاومت می‌کند، ابداً او مکدر نشود. زیرا تا بحث در مسائل نگردد، رأی موافق معلوم نشود؛ و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تضاد افکار است. در نهایت مذاکره، اگر اتفاق آراء حاصل گردد، فتنم المراد و اگر معادله اختلاف حاصل شود، به اکثریت آراء قرار دهند. (مکتوباتی از مکاتیب حضرت عبداله، ص ۸۴)

برخورد آراء متفاوت لازم است، نه برخورد شخصیت‌هایی که سبب کدورت خاطر و اختلاف می‌شوند. باید با نگاهی به نقائص خود نه عیوب دیگران، و نه بامقابله مواجهه، به حل و فصل مسائل پرداخت. مشورت همچنین متضمن فدا کردن آراء و عقاید خویش است، که حضرت ولی امرالله در مکتوبی در خصوص محافل روحانی به وضوح به این نکته اشاره دارند:

جمیع ما نسبت به آراء و عقاید خود از حقی برخورداریم؛ مسلماً ما متفاوت فکر می‌کنیم - اما فرد بهائی باید تصمیمات اکثریت اعضاء محفل خود را بپذیرد و توجه داشته باشد که پذیرش و اتفاق - حتی اگر اشتباهی رخ داده باشد - مواضع واقعاً مهمی هستند ... اگر آنها تسلیم نظر اکثریت شوند و تصمیم را به اتفاق آراء اتخاذ نمایند احسن و اولی است. اما آنها مجبور به این کار نیستند. لکن آنچه که باید انجام دهند، وفادار ماندن به تصمیم اکثریت است، زیرا آن را مؤثر می‌سازد. به عبارت دیگر، آنها باید امر

مبارک را مقدم بدانند نه آراء و عقاید خود را. فرد می‌تواند از محفل تقاضای تجدید نظر در موردی را بنماید، اما حق ندارد، به این علت که آنها عقیده خود را تغییر نمی‌دهند، آنها را مجبور کند یا موجد اختلاف شود. اتفاق آراء مرجح است، اما بدیهی است که به روش‌های غیرطبیعی مانند آنچه که در سایر جوامع استفاده می‌شود، نمی‌توان اعضاء محفل را به حصول اتفاق آراء مجبور کرد. (ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احناء [انوار هدایت، شماره ۱۶۹ / Compilation شماره ۲۰۴])

در خصوص اصول و روش‌های مشورت که در آثار بهائی مشاهده می‌شود، کتبی تألیف شده است (کولستر، ۱۹۸۵؛ دارالتحقیق بین‌العدل اعظم، ۱۹۸۰). این اصل که گروهی از مردم که با هم کار می‌کنند به مراتب مؤثرتر و کارآمدتر از افرادی است که هر یک به تنهایی کار می‌کنند، اصل جدیدی نیست. تحقیقات مربوط به نظریه گروهی ارزش مشورت را مورد تأیید قرار می‌دهد.

حضرت عبدالبهاء خانواده را به ملت تشبیه می‌کنند و شرایط لازم برای فعالیت صحیح را توضیح می‌دهند.^۹ این مثال را می‌توانیم در مورد مدارس به کار ببریم. وقتی عضوی از عائله مدرسه در محیطی متوجه نشئت، تفرقه یا عوامل منفی شود، باید مجهودات مشترک و هماهنگی برای رفع وضعیت نامطلوب مزبور مبذول گردد. نزاع و جدال موجود در بسیاری از مدارس امروز برای رفاه محصلین و هیأت مدرسین مضر و مخرب است.

رشد کودک

حضرت عبدالبهاء رشد طفل را به رشد نهال تشبیه می‌کنند. اگر شاخ کج شود، در تمام مدت عمرش کج خواهد بود. تربیتی که در سالهای اولیه می‌پذیرد در رشد او تأثیر عظیم دارد؛ لهذا، تعلیم و تربیت مادران و اولین مربیان آنان حائز نهایت اهمیت است.

تعلیم و تربیت زنان ضروری‌تر و مهم‌تر از تربیت مردان است، زیرا زن مرتبی طفل از اوان شیرخوارگی است. اگر خود ناقص باشد، لابد بر این است که طفل هم ناقص باشد؛ لهذا، عدم کمال زن تلویحاً دال بر عدم کمال کل عالم انسانی است؛ چه که مادر است که طفل را پرورش می‌دهد، به بلوغ می‌رساند، و رشد او را هدایت می‌کند. (ترجمه - خطابه ۲۰ مه ۱۹۱۲)

^۹ این کتاب توسط خانم فرح معانی به فارسی ترجمه شده است - م

^{۱۰} توضیح مترجم: اشاره نویسنده به خطابه ۲۹ مه ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء (خطابات ۲، ص ۹۹) است که می‌فرماید، ملل را می‌توان قیاس بر افراد عائله کنیم؛ عائله متشکل از افراد است و هر ملتی نیز متشکل از افراد و اشخاص؛ و اگر جمیع ملل را جمع کنید یک عائله عظیمه گردد و این واضح است که نزاع و جدال بین افراد یک عائله سبب خرابی است، همین نوع، جنگ و حرب مابین ملل مورث اهدام عظیم است.

اول مرنی طفل مادر است؛ زیرا طفل مانند شاخه سبز و تر هر طور تربیت شود نشو و نما نماید؛ اگر تربیت راست گردد، راست شود و اگر کج، کج شود و تا نهایت عمر بر آن منهج سلوک نماید. پس ثابت و مریه شد که دختری تعلیم و تربیت چون مادر گردد، سبب محرومی و جهل و نادانی و عدم تربیت اطفالی کثیر شود... به جان بکشید که اطفال خویش را علی‌الخصوص دختران را تعلیم و تربیت نمایید و هیچ عذری در این مقام مقبول نه. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۳۵)

این بیان تأکید بر تعلیم و تربیت اولیه را مورد تأیید قرار می‌دهد. اهمیت تجهیز والدین به دانش و مهارت‌های صحیح برای مسئولیتی چنین درازمدت و حیاتی بدیهی است.

حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرماید که تفاوت‌های افراد منتج از خصوصیات ارثی، اکتسابی و فطری است. صفات موروثی عبارت از خصلت‌های عنصری و ذهنی است که شخص به طور ارثی از والدین خود کسب می‌کند. بیشترین نفوذ که از سوی مربی اعمال می‌شود، و می‌تواند بیش از هر امر دیگری تأثیر بگذارد، خصلت اکتسابی است، که تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی اول قوه آن است. تفاوت‌های فطری خصائل مادرزادی است که مختص شخص است و توجه‌کننده این واقعیت که چرا اطفالی از یک خانواده دارای تأثیرات موروثی و محیطی دارای استعداد‌های متفاوت هستند. (مفروضات عبدالبهاء، ص ۱۶۴-۱۶۱)

تفاوت صفات و خصائل بشری ناشی از تفاوت درجات در این زمینه‌های خصلتی است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، تفاوت استعداد در افراد بشر امری اساسی و بنیادی است ... حضرت بهاء‌الله اصول و احتیاطی را نازل فرمود که استعداد‌های مختلف انسانی را تعدیل و تنظیم می‌کند. (ترجمه - خطبه اول جولای ۱۹۱۲)

حضرت بهاء‌الله معرفت و محبت را دو مورد از امکانات بسیار مهم و اساس حصول جمیع موارد دیگر تعیین می‌فرماید. کلیه نفوس به طور مستقل در مورد هر آنچه که مشاهده می‌کنند یا می‌شنوند باید به عقل خود مورد سنجش قرار دهند، نه آن که هر آنچه به آنها عرضه می‌شود کورکورانه بپذیرند. استعدادها و مسئولیت‌های هر شخصی (یعنی هر جزء) نسبت به کل خلأق^{۱۱} متفاوت و حائز اهمیت است. نفوس از جسم، عقل و روح تشکیل شده‌اند. این سه زمینه است که نیازها و رشد فرد را تعیین می‌کند. عناصر سه‌گانه لازم برای رشد و تحول نتیجه قهری و منطقی این سه زمینه است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، حصول هر شیء مشروط به سه چیز است: اول دانستن، دوم اراده، سوم عمل؛ در تحقق هر مسأله جمیع این سه چیز لازم. (خطبات مبارکه، ج ۲، ص ۱۰۰)

مرییان به هر سه زمینه مزبور، که عموماً حیطه‌های شناختی، عاطفی و ارادی خوانده می‌شود، علاقمندند. تعالیم بهائی حاوی نظریه‌هایی است که در توسعه هر سه زمینه مزبور مفید است، و به مواردی

^{۱۱} Creative whole

مانند استفاده از تشویق و تنبیه، تمرکز بر محاسن و نکات مثبت، تشویق انتظارات متعالی و تقویت قوه اراده مربوط می شود. حضرت بهاء الله می فرماید، "پس بلندی و پستی و یشی و کمی بسته به کوشش او است. هر که بیشتر کوشد بیشتر رود." (متخانی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۶۰-۵۹)

مربیانی می توانند متریان خود را به تقویت قوه اراده خود تشویق کنند. اهمیتی که برای کسب تعلیم و تربیت قائل می شوند، عامل مهمی در ایجاد انگیزه در متریان است. مواردی مانند تعیین اهداف و تقویت قوه استقامت و پایداری و انضباط نفس سبب پیشرفت و ترقی خواهد شد. وقتی ارزش ها با واقعیت انطباق داشته باشند، معرفت و علم وسیله افتخار، سعادت، مسرت، بهجت، انبساط خاطر و ابتهاج می گردد و کسب آن مطلوب تر می شود و با سهولت بیشتر کسب می گردد.¹² آرمانهای متعالی و اشتغال به خدمت سبب پرورش قوه اراده است. مدارس باید فعالانه به رساندن آموخته ها به حیز واقعیت و عمل پردازند. به این طریق، ارزش واقعی یادگیری درک خواهد شد و خدمت به هدف و نتیجه عمل بدل خواهد گردید. حضرت بهاء الله می فرماید، "... فقدر لكل نفس مقادیر الامر علی ما رقم فی الواح عز محفوظ؛ ولكن يظهر کل ذلك بإرادات أنفسکم." (متخانی از آثار حضرت بهاء الله، ص ۱۰۱)

معمولاً با دیدی منفی به امتحانات نگاه می شود، اما آنها برای رشد عنصری، ذهنی و روحانی حائز اهمیت هستند. امتحانات باعث آگاهی ما از وضعیت فعلی و عرضه فرصت ها برای ایجاد نقاط قوت جدید می شوند. از لحاظ سنتی، امتحانات در مدارس برای مقایسه محصلین با سایرین مورد استفاده قرار گرفته است. آثار بهائی بر ارزش رقابت صحه می گذارد، اما بر این اعتقاد است که هر شخصی دارای موارد متمایز شخصی است که با دیگران متفاوت است که نباید معیار خوبی و بدی قرار گیرد، بلکه باید سبب رشد و جمال گردد. بنابراین، امتحانات برای مقایسه محصلین با یکدیگر اهمیتی ندارند، بلکه برای کمک به محصلین جهت حصول آگاهی به توانایی های فعلی خود اهمیت دارند تا آنها بتوانند استعداد های بالقوه خود را بیش از پیش توسعه بخشند.

تعلیم و تربیت عنصری، ذهنی و روحانی باید به ما کمک کند که از وضعیت موجود فراتر برویم و از آگاهی و نقاط قوت عنصری، ذهنی و روحانی جدید برخوردار شویم. زندگی به طور روزانه موجد چنین وضعیت هایی است، اما بسیاری از مردم از آنها بهره برداری نمی کنند. محصلین به موفقیت ها بیش از

¹² توضیح مترجم: اشاره نویسنده به بیان حضرت بهاء الله در لوح تجلیات (تجلی سوم) است که می فرماید، "فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علت عزت و نعمت و فوح و نشاط و بهجت و انبساط؛ کذلک نطق لسان العظمه فی هذا التجن العظیم." (مجموعه اشراقات، ص ۲۰۳)

شکست‌ها نیاز دارند. وقتی مریبان با هدف ایجاد آگاهی امتحان می‌گیرند، و طبق توانایی‌ها و قابلیت‌های هر فرد به ظهور و بروز استعدادهای بالقوه آنها می‌پردازند، در این صورت رشد زیاد حاصل می‌شود.

تدریس

آثار بهائی تعلیم و تربیت و تأثیر آن را مورد ستایش قرار می‌دهند. آنها همچنین هنر تدریس را مدوح شمرده هدایاتی در این زمینه عرضه می‌کنند. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، احسن و اولی آن که مریبان بهائینی مؤمن، منجذب، مطمئن، تحصیل کرده، و بالهرنگ باشند؛ در علم تعلیم و تربیت کاملاً آموخته و با علم شناخت روح و روان طفل آشنایی داشته باشند. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء، در نجم باختر، ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۸)

حرفه خواهرزاده شما در تعلیم و تربیت اطفال یکی از حرفی است که برای او اجر عظیمی خواهد داشت، چه که او به رشد خصائل جوانان امروز مساعدت می‌کند، که نفوسی خواهند شد که عالم انسانی را فردا هدایت خواهند کرد. اگر بتوان آنها را از لحاظ مادی و روحانی، هر دو، هدایت کرد، در این صورت فتح و ظفر عظیمی خواهد بود، چه که بعد از سپری شدن اوضاع ناآرام و پریشان فعلی، ارزش‌های روحانی بر عالم مسلط خواهند شد؛ و جوانانی که از تعلیم و تربیت مادی و معنوی برخوردار باشند رهبران واقعی جامعه خواهند بود. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله نقل در کتاب اثر Rost، ۱۹۶۹، ص ۱۶۷)

مریبان می‌توانند به محصلین کمک کنند به سطوح بالاتری از درک و فهم صعود نمایند نه این که اوقات خود را صرف تمرکز بر کنار گذاشتن بعضی نکات و بازیافتن و اصلاح بعضی نکات دیگر نمایند. آنها می‌توانند محیط زیست محصلین را به نحوی تنظیم کنند که یادگیری و پیشرفت حاصل شود و استعداد بالقوه آنها به خیر شهود رسد.

فی الواقع امروزه مردم به داشتن افکاری سطحی و ظاهری تمایل و گرایش دارند و به نظر می‌رسد که نظام‌های تعلیم و تربیت متداول کنونی به طور دردناکی فاقد توانایی لازم برای ایجاد عقلی کامل و بالغ در فردی هستند که گمان می‌رود در زندگی به مرحله بزرگسالی رسیده است؛ به نظر می‌رسد همه تأثیرات خارجی که شخص را احاطه کرده‌اند، دارای اثرات شدیداً گیج‌کننده‌ای هستند و واداشتن شخص متوسط معمولی به تفکری عمیق یا حتی تعمقی قلیل در خصوص مشکلاتی که او و کل عالم بالمواجهه در مقابل خود مشاهده می‌کنند، کاری بسیار دشوار است. (ترجمه بیان حضرت ولی امرالله - انوار هدایت، شماره ۷۰۹)

آثار بهائی برای کمک به درک وضعیت‌های پیچیده، از تمثیلات بسیاری مانند تشبیه طفل به گیاه و مریبی به باغبان استفاده می‌کنند. همانطور که شرایط رشد و بالندگی هر گیاه متفاوت است، شرایط هر

شخص هم با دیگری تفاوت دارد. باغبان خوب از نیازهای گیاهان آگاه است و طبق همان نیازها عمل می‌کند.

هوانه ای خداوند بی‌مانند کودکی بینوا را پناه باش و بیچاره پُرگناه را آمرزنده و مهربان. ای پروردگار هرچند گیاه تباهیم ولی از گلستان تویم و نهال بی‌شکوفه و برکیم ولی از بوستان تو. پس این گیاه را به رشحات سحاب عنایت پرورش ده و این نهال پژمرده را به نسیم بهار روحانی حرکت و طراوت بخش. بیدار کن؛ هشیار کن؛ بزرگوار کن؛ حیات ابدیه بخش و در ملکوت پابدار کن. ع.ع.^{۱۳}

اگر کلیه گیاهان در معرض شرایط یکسانی باشند، بعضی از آنها ممکن است خوب رشد کنند، بعضی متوسط و بعضی دیگر بسیار ضعیف. این شرایط امروزه در اکثر کلاس‌های درس حاکم است. درست همانطور که دو نوع گل درست یکسان نیستند، دو طفل هم دقیقاً مشابه نیستند. کلیه گلها به مقتضیات اساسی برای زندگی و رشد نیاز دارند و بعضی از آنها شرایط رشد مشابهی را طالبند، اما اگر شما بنفشه آفریقایی را در همان شرایطی قرار دهید که گل سرخ را پرورش می‌دهید، و امیدوار باشید که مانند گل سرخ بشود، نه تنها گل سرخ از آن به دست نخواهید آورد، بلکه حتی بنفشه آفریقایی بسیار سالمی نیز نخواهید داشت. هر گلی دارای استعداد بالقوه‌ای است که الزاماً بدتر یا بهتر از دیگری نیست، بلکه با آن تفاوت است. هر یک از آنها دارای ارزشی است و در نقشه خلّاق ایجاد باغ الهی نقشی ایفا می‌کند. خاک با امتحانات و استقامت شخم می‌خورد، و علف‌های بیهوده غفلت و جهالت، خارهای اوهام و خرافات و خس و خاشاک تولید (ترجمه) "دور ریخته می‌شود تا میوه علم و حکمت ظاهر و پدیدار شود.

آثار و نوشته‌های بهائی در مورد تأمین نیازهای کلیه اطفال هدایت می‌کند، مسائلی را که باید به آنها پرداخت روشن می‌کند، این نظریه را که یک کودک ذاتاً بهتر از دیگری است مردود می‌شمارد و

^{۱۳} توضیح مترجم: نویسنده منجاتی با مضمون مشابه را از Baha'I Prayers صفحه ۳۴ به نقل از خطابه ۱۶ ژوئن ۱۹۱۲ ذکر کرده است. مناجات مزبور یافت نشد. مناجات فوق از صفحه ۴۷۴ طبع ثانی مجموعه مناجات‌های طبع آلمان (۱۵۷ بدیع) نقل گردید.

^{۱۴} توضیح مترجم: بیانی که نویسنده نقل کرده از خطابه ۲۹ اوت ۱۹۱۲ است که اصل فارسی آن در دست نیست. اما بیان مشابهی در خطابه ۱۱ اوت ۱۹۱۲ به این صورت موجود است: "طبیعت نظیر جنگل است و حضرت مسیح باغبان الهی این جنگل را بوستان کرد، اشجار بی‌ثمر را باثمر نمود، این زمین‌ها که به مقتضای طبیعت پر از خس و خاشاک بود باغ پُرگل و ریحان نمود، زمین را شخم کرد، علف‌های بیهوده را بیرون ریخت، خارهایی که به مقتضای طبیعت رویده بود جمع را قلع و قمع نمود. بعد از آن که خارستان بود، مزرعه و گلستان شد." (خطابات مبارکه،

چارچوبی را برای تعلیم و تربیت اطفال تعیین و تثبیت می‌نماید. مربی باید نیازهای یادگیری خاص هر کودک را شناسایی نماید و شرایط و روش‌ها را برای کمک به هر یک از آنها جهت ظهور و بروز کامل استعداد مکنونش را بیابد. نیازهای مزبور با منزّه‌تر و با فرهنگ‌تر شدن اطفال و تغییر محیط زیستشان، تغییر می‌کند.

مربیان باید مسیر صحیح اقدام برای مربیان خود را تشخیص دهند و تجویز نمایند. ضروریات اساسی معینی وجود دارد که جمیع نفوس به آن نیاز دارند، اما هر فردی دارای نیازهای انفرادی است که آنها نیز باید تأمین شوند. مربی باید معیارهای دقیق و مطلوبی را برای رشد و ترقی برقرار و تنفیذ کند.

امروز در مورد نحوه گروه‌بندی اطفال جهت یادگیری، مناقشات و بحث‌های زیادی در جریان است. بعضی معتقدند که وقتی افرادی که دارای توانایی‌ها و علائق مشابه هستند در یک گروه قرار گیرند، یادگیری در حدّ اعلاّی خود خواهد بود، و بعضی دیگر را اعتقاد بر آن است که با گروه‌بندی افراد نامتجانس یادگیری بهبود می‌یابد. تعلیم بهائی بر ارزش وحدت در کثرت تأکید دارد. این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبت و یگانگی و مایه اتفاق و یکرنگی گردد؛ بمثابة موسیقی که چون الحان مختلف ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن و موزون شود، نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذذ و محظوظ نماید.¹⁵

جداتنگاه داشتن افراد مختلف از یکدیگر، موجد تعصب و سبب لطمه زیادی می‌شود. افرادی که رچسب کندذهنی می‌خورند یا به نحوی پست‌تر از سایرین قلمداد شوند از لحاظ کسب فرصت و شناخت خود رنج خواهند برد. اگر مدارس نقش فعالی در فرو شکستن این الگوهای مخرب ایفا نکنند، در این صورت تغییر و تحول به مراتب دردناک‌تر و ترقی و پیشرفت به مراتب کندتر خواهد شد. تحقیق نشان داده است که گروه‌بندی از لحاظ توانایی غالباً تأثیر سوئی بر پیشرفت گذاشته است. چنین کاری نه تنها مانع رشد مؤثر می‌شود، بلکه به ضرر اطفالی که از گروه‌های اجتماعی اقتصادی پایین و از اقلیت‌ها هستند، تبعیض برقرار می‌گردد. در مدارس و جامعه جایی برای گروه‌بندی از لحاظ مفهوم توانایی وجود دارد، اما گرمبادرت به چنین کاری به تبعیض ناعادلانه منجر شود یا تعصب را، از هر نوعی که باشد، ترویج دهد، باید آن را ادامه داد.

حضرت بهاءالله بنفسه المبارک مجازات و مکافات را به عنوان دو ستونی تعیین می‌فرمایند که بنای ثبات و نظم عالم بر آن استوار است.¹⁶ این فرایندی نیز هست که طفل احساسات مثبت و منفی نسبت به

¹⁵ نقل ترجمه خطابه ۲۸ اکتبر ۱۹۱۱: Paris Talks، ص ۵۳ از صفحه ۸۰ ظهور عدل الهی

¹⁶ توضیح مترجم: این نکته در موضع مختلف آثار حضرت بهاءالله مشاهده می‌شود. اشراق سوم از لوح اشراقات: خیمه نظم عالم به دو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات؛ بشارت سیزدهم از لوح بشارات و اشراق هشتم از لوح اشراقات: یا

نگرش‌ها و رفتارها را در خود می‌پرورد. به مرور زمان، نظام‌های ارزشی به وجود می‌آیند که می‌توانند طفل را به زندگی سعادتمند و سودمندی هدایت کنند. بدون تشویق و تنبیه مناسب، بسیاری از کودکان در حالی به بزرگسالی می‌رسند که زندگی آنها آشفته است، هدفی ندارند و معنایی برای زندگی نمی‌شناسند. مسئولیت تربیت کودکان که ارزش‌های مطلوبی برای خود به وجود آورند بسیار مهم است، و غفلت از آن سبب فرو شکستن نظم اجتماعی مادر این یوم می‌گردد.

اما تشویق و تنبیه باید بنا و ساختار را حفظ کنند؛ یکی بدون دیگری از بنای مزبور حفاظت نخواهد کرد. ما به سستی تعلق داریم که از موازین تیهی و کیفی برای حفظ و توسعه نظم استفاده می‌کند. تنبیه بدون تشویق و اشاره به این که چه کاری باید انجام شود، یا تشویق و ستایشی که به طور یکسان بدون هیچ معیاری مورد استفاده گردد، هیچ اثر مثبتی نخواهد داشت. ستایش و تشویق که به طور معقول و خردمندانه استفاده شود به مراتب از تنبیه و مجازات مؤثرتر است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، اطفالی که در رأس کلاس باشند، بایستی جایزه و انعام دریافت دارند؛ باید تشویق شوند و چون یکی از ایشان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای ظاهر ساخت، برای حصول ترقی بیشتر لازم است مورد تمجید و ترغیب قرار گیرد.^{۱۷۰}

تنبیه در زمانی مؤثرتر است که عادلانه باشد و با روح محبت عملی گردد. بنابراین، اجرای تنبیه باید قبل از آن که صورت انتقام‌جویی به خود بگیرد، اجرا شود. حضرت ولی امرالله در مورد لزوم انضباط، ماهیت اطفال و هدف هر تعلیم و تربیتی مرقوم می‌فرمایند.

در باب بیانی که منتسب به حضرت عبدالبهاء است و شعاً در نامه خودتان راجع به یک طفل ناملایم و صعب‌التربیه ذکر نموده‌اید: این بیانات مبارک هر چند در اساس کامل و مقرون به حقیقت است، ولی نباید هرگز آنها را تحت‌اللفظ تعبیر و تفسیر نمود. حضرت عبدالبهاء را به هیچ وجه منظور آن نبود که طفلی را باید به خود واگذاشت و یا بالمره او را در شئون خویش آزاد ساخت.

فی الحقیقه تربیت بهائی مانند هر روش تربیتی دیگر مؤسس بر این نظریه است که پاره‌ای نواقص طبیعی در هر طفل و گوهر قدر صاحب استعداد باشد، موجود است که مرتیان وی اعم از والدین،

حزب‌الله مرتبی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات عالم. در کلمات فردوسی از آن دو تحت عنوان "وعد و وعید" یاد کرده‌اند: "ورق پنجم از فردوس اعلی ... چون به اراده رحمانی بر منبر بیان مستوی به دو حرف نطق فرمود؛ از اول بشارت و وعد ظاهر و از ثانی خوف وعید و از وعد و وعید بیم و امید باهر و به این دو اساس نظم عالم محکم و برقرار." لوح مقصود: "خیمه نظم عالم به دو ستون قائم و برپا، مجازات و مکافات." و نیز در لوح مقصود: "للعدل جند و هی مجازات الأعمال و مکافاتها؛ یهما ارتفع خباء النظم فی العالم و اخذ کمال طالع زمام نفسه من خشية الجزاء..."

^{۱۷} نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۱۱۷ مجموعه نصوص تربیتی (متن انگلیسی بیان در صفحه ۵۴۳ جلد نهم عالم بهائی مندرج است.)

استادان و یاراهنمایان و معلمین روحانی باید در علاج آن سعی و مراقبت موفور مبذول دارند. انتظام و روش صحیح به هر نوع جسمانی، اخلاقی و یا عقلانی فی الحقیقه لازم و ضروری است و هیچ تربیتی را نمی‌توان کامل و مفید تلقی نمود مگر آن که این اصل اساسی در آن مرعی گردد. طفل پس از تولد از سرحد کمال بسیار دور، یعنی نه تنها ضعیف و بیچاره است، بلکه عملاً ناقص و حتی بالطبع متوجه شرور و مفاسد می‌باشد. بنابراین، باید تربیت یابد، تمایلات طبیعی او هم‌آهنگ، بل تعدیل و کنترل گردد و در صورت لزوم متوقف و یا منتظم شود تا رشد و نمو جسمانی و ترقی و پیشرفت اخلاقی او تأمین پذیرد. والدین بهائی نمی‌توانند به سادگی یک حالت عدم مقاومت نسبت به اطفال خویش در پیش گیرند، خصوصاً اطفالی که بالطبع ناملایم و شدیدند، حتی این امر به تنهایی کافی نیست که ابوبن در حق اطفالشان دعا کنند، بلکه باید سعی و همت نمایند که به کمال ملایمت و شکیبایی شئون اخلاقی را در افکار جوانشان القاء نمایند و آنان را به اصول و تعالیم امریه مانوس سازند و این امر را با چنان مهارت و توجه عاشقانه انجام دهند، تا بالمآل 'فرزندان حقیقی الهی' گردند و سگان باوفا و هشیار ملکوت ابهی به بار آیند. این است مقصد بلند و نیت ارجمندی که حضرت بهاءالله بنفسه المقدس در آثار مبارکه تشریح و آن را هدف اعلی و غایت قصوی هر تربیت مقرر فرموده‌اند.^{۱۸}

در نفوس انسانی، هم خوبی وجود دارد و هم بدی، اما اگر به حال خود رها شوند، طبیعت پست و دنی مظفر و پیروز خواهد شد. تنها از طریق تعلیم و تربیت و سعی و کوشش می‌توان ماهیت برتر را مسلط ساخت. مریبان، با فراهم آوردن امکانات برای حصول توفیق در این زمینه، ایجاد طبع بلند و همت عالی، و تشویق مفاهیم مطلوب‌تری که اطفال نسبت به خود می‌پرورند، به سلطه یافتن ماهیت برتر مساعدت کنند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، اگر به تلمیذی گفته شود که میزان هوش و استعدادش از سایر تلامیذ کمتر است، البته این امر علت خمودت گردد و مانع بزرگ در راه ترقی و پیشرفت وی ایجاد خواهد نمود. اما به جای این تذکر احسن و اولی آن که مورد تشویق قرار گیرد و در طی طریق کمک و مساعدت شود.^{۱۹}

شیوه‌های تعلیم

چه شیوه تعلیمی برای یادگیری بسیار مؤثر است؟ آثار بهائی چندین شکل تعلیم را به طور مستقیم و غیرمستقیم ذکر می‌کنند.

ادای نطق و خطابه بسیار ضروری است، زیرا تصویر شگفت‌انگیزی از موضوع مورد بحث ارائه می‌دهد. اما، داشتن تصویر کافی نیست؛ یاران الهی باید به تزئید معارف خویش پردازند و این در صورتی میسر است که همراه نطق، کلاس‌های مطالعه و تحقیق و سمینار توسط همان قاطب منعقد شود.^{۲۰}

^{۱۸} نقل ترجمه مکتوب ۹ ژوئیه ۱۹۳۹ که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، از صفحه ۱۰۲ مجموعه نصوص تربیتی

^{۱۹} نقل ترجمه خطابه ۲ مه ۱۹۱۲ از صفحه ۱۲۲ مجموعه نصوص تربیتی

^{۲۰} نقل ترجمه مکتوب ۲۷ ژوئیه ۱۹۳۲ که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، از انوار هدایت، شماره ۱۸۹۴

خداوند به انسان دیده بصیرت بخشیده تا بتواند حقیقت را ببیند و بشناسد. او به انسان گوش داده تا مواضع را برای خود کشف کند. این مواهب و وسائل برای تجرّی حقیقت است. مقصود این نبوده که انسان از چشم دیگران ببیند، و به گوش دیگران بشنود یا با عقل و مغز دیگران درک کند. هر فرد انسانی دارای مواهب، قوا و مسئولیت‌های فردی در نقشه خلقت الهی است. لهذا، به عقل و قضاوت خود متکی باشید و به حاصل تحقیق خود متمسک گردید؛ والا، در بحر غفلت و جهالت مستغرق گردید و از جمیع فیوضات الهیه محروم شوید. (ترجمه خطابه ۲۹ اوت ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء)

حضرت ولی امرالله نیز از استفاده از کارگاه‌ها حمایت^{۲۱} و استفاده از تعمق و تفکر را تشویق می‌فرماید. "با تعمق و تأمل ابواب الهام و معرفت عمیق‌تر ممکن است مفتوح گردد."^{۲۲} حضرت عبدالبهاء در مورد ارزش بیان و سؤال و جواب صحبت می‌کنند.

اغلب افکار و معلومات باید ضمن صحبت و مذاکره تفهیم گردد نه از راه کتاب. یک طفل باید از طفل دیگر درباره این مواضع پرسش کند و طفل ثانی پاسخ گوید. بدین طریق ترقی محسوس حاصل خواهد شد. فی‌المثل، مسائل ریاضی نیز بایستی به صورت سؤال و جواب تفهیم گردد.^{۲۳}

بسیاری از معلّمین از این رهیافت با موفقیت تام استفاده می‌کنند. هم سؤال کننده و هم جواب دهنده با این روش به سرعت یاد می‌گیرند و هر محصل از توجهی که به آن نیاز دارد بهره‌مند می‌گردد و به او کمک می‌شود که در وجود خود به تقویت علم و احساس مسئولیت پردازد. مثال نیز عامل و وسیله نیرومندی برای تعلیم است. اطفال نحوه زندگی را یاد می‌گیرند، بخصوص فرا می‌گیرند چگونه ارزش‌ها و نگرش‌ها را به وجود آورند. شخصیت و رفتار معلّم در اطفال تأثیر می‌گذارد.^{۲۴}

^{۲۱} توضیح مترجم: نویسنده فقط به صفحه ۲ از اخبار امری شماره ۲۶۶ آمریکا اشاره کرده است. اما حضرت ولی امرالله بیانی در "حصن حصین شریعت‌الله" (ص ۱۹) دارند که به اهمیت کارگاه اشاره دارد. البته مترجم کتاب مزبور کلمه workshop را که به معنای کارگاه است، به "تمرینات" ترجمه کرده است. می‌فرماید، "تو تسهیلاتی که با تهیه دوره‌های تمرینات عملی در مدرسه بین‌المللی ... فراهم گشته، باید کمال استفاده به عمل آید."

^{۲۲} ترجمه - نوامبر ۱۹۴۸ / مکاتیب حضرت ولی امرالله، اخبار امری آمریکا، ۳-۲

^{۲۳} نقل ترجمه بیان مذکور در صفحه ۵۴۳ جلد نهم عالم بهائی، از ص ۱۱۷ مجموعه نصوص تربیتی

^{۲۴} توضیح مترجم: اشاره نویسنده به بیان حضرت عبدالبهاء است که در صفحه ۷۰ مجموعه نصوص تربیتی درج شده است: "در خصوص بنات احباب مرقوم نموده بودی که به مدرسه ملل سائره می‌روند؛ فی‌الحقیقه این اطفال هرچند در آن مدارس اندک تعلیمی می‌گیرند، وکن اخلاق معلّمات را در اطفال تأثیری و از القای شیئات، قلوب بنات را تغییر و تبدیلی. باید احتیای الهی مدرسه‌ای از برای بنات تهیه و تدارک نمایند که معلّمات بنات را به تربیت الهیه تربیت نمایند، اخلاق ربّانی بیاموزند و اطوار رحمانی تعلیم کنند."

حضرت عبدالبهاء چهار معیار برای ادراک تعیین می‌کند: (۱) حسن؛ (۲) عقل؛ (۳) نقل، و (۴) الهام. هیکل مبارک می‌فرماید جمیع موازین موجود و در دسترس انسان ناقص و خطاپذیر هستند، اما استفاده از هر چهار مورد با هم، این احتمال را که علم حاصله صحیح باشد، بالا می‌برد.^{۲۹}

ترس در جامعه و کلاس‌های ما مورد سوء استفاده واقع شده، اما این بدان معنی نیست که نمی‌تواند عنصری ارزشمند در تعلیم و تربیت باشد. در جامعه ما ترس لغتی دارای بار منفی است، اما ارزشی مثبت دارد. جمیع ما بر مبنای ترس عمل می‌کنیم و باید این دانش را برای ارتقاء خود و نه ویرانی خویش بشناسیم و مورد استفاده قرار دهیم. آنچه سبب اول است از برای تربیت خلق، خشیة‌الله بوده.^{۳۰}

برنامه آموزشی

هر سنی نیازهای خاص خود را دارد و هر شخصی از مواهب و آرمان‌های ویژه منحصر به فرد خود برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر شرایط زمان و مکان است. این سؤال که چه موضوعی را باید آموزش داد هرگز نباید ایستا باشد. بلکه باید پویا و منطبق با تغییر مقتضیات و نیازها باشد. معهدا، مهارت‌هایی اساسی وجود دارد که قبل از آن که فرد به طور مستقل بتواند به تحرری حقیقت بپردازد و زندگی پرثمر، ساداتمند و پرباری را شروع کند، باید آنها را کسب کند.

علمای عصر باید ناس را در تحصیل علوم نافع امر نمایند تا خود و اهل عالم از آن منتفع گردند. علمی که از لفظ ابتدا و به لفظ منتهی گردد مفید نبوده و نخواهد بود. (لوح مقصود، دربی دانش، ص ۲۲)

مقصود از علم منفعت عباد است و آن صنایع بوده و هست. لازال فرموده و می‌فرمایند قدر اهل صنایع را بدانید چه که سبب و علت نهیلات امور شده‌اند... مقصود از علم علمی است که منفعت آن عاید خلق شود نه علمی که سبب کبر و غرور و نهب و ظلم و ستم و غارت گردد. حضرت بهاء... پیام آسانی، ج ۲، ص ۳۶۵

طفل مانند نهال تازه است: به هر قسم تربیت نمایی نشو و نما نماید؛ اگر به راستی و درستی و حق پرستی بی‌روانی نهالی مستقیم گردد و در نهایت ضراوت و لطافت نشو و نما و الا به سوء تربیت از استقامت بیفتد و اعوجاج حاصل کند و دیگر چاره ندارد.

فی الحقیقه معلمات اوروپ تعلیم لسان و خطوط و ترتیب بیوت و طرازی و خیاطی می‌نمایند؛ اما اخلاق به کلی تبدیل گردد، به قسمی که بنات ایماث را نپسندند و بدخوی و بدرفتار و متکبر و بزرگوار گردند. پس، باید چنان تربیت نمود که روز به روز بر خضوع و خشوع بیفزایند و اطاعت و انقیاد به آباء و اجداد کنند و سبب راحت و آسایش کل گردند.^{۳۱}

Promulgation of Universal Peace, vol. 1, page 48-49^{۳۲}

^{۳۰} لوح شیخ نجفی، ص ۲۱ در زین تگلیبی برای ترس از خدا، خشیة‌الله و تقوای الهی عبارت واحد به کار رفته است - م)

حضرت بهاء الله تصریح می‌فرمایند که علم و محبت از قابلیت‌ها و وجوه متمایزه مختص انسان است، و معرفت و محبت را هدف اولیه خلقت می‌دانند. حضرت بهاء الله اصول، فضائل و صفات مزبور را برای رشد و ترقی سالم فرد و جامعه لازم می‌شمارند و وسائل پیشرفت آنها را تثبیت می‌فرمایند. وظیفه و مقصد هر فرد کسب فضیلت‌ها، و وظیفه مرتبی کمک به توسعه آنها به وسیله استعدادها و قابلیت‌ها است.²⁷ تربیت عبارت از فعال کردن استعدادهای بالقوه است، نه صرفاً عرضه کردن و بازیافتن نکات و دقائق.

ما موجوداتی عنصری، عقلانی و روحانی هستیم. هر یک از وجوه مزبور مستلزم رشد و توسعه، مرتبط و تحت تأثیر دو وجه دیگر است. اختلالات روانی می‌تواند به بیماری‌های عنصری منجر شود و شرایط عنصری ممکن است بر اوضاع روانی مؤثر واقع شود. در مورد تأثیر متقابل بین این دو زمینه و عالم روحانی، اطلاع زیادی حاصل نشده است.

حضرت ولی امرالله تأیید می‌فرمایند که در تعلیم و تربیت ضروری است که هر سه جنبه مد نظر قرار گیرد. ارتباط بین عقل، جسم و روح در آثار بهائی مورد بحث واقع شده و رهنمودهایی برای روابط و توسعه صحیح آنها عرضه شده است. این رهنمودها، همچون امتناع از مصرف مواد مخدر و مسکرات مگر در موارد معالجه امراض، اعتدال در کلیه امور و رعایت نظافت و طهارت، حفظ افراد از اقداماتی که برای رفاه عنصری، روانی و روحانی ضروری است. ارزش گنجاندن این اصول در خصوص سلامت و درمان در برنامه آموزشی واضح است.

حقیقت عنصری به عقل و روح اجازه می‌دهد استعدادهای مکنون خود را در این عالم بروز دهند. علم در تلاش برای فراهم آوردن نیازهای عنصری، از طریق تأمین علم و تکنولوژی برای درک و کنترل وجوه گوناگون مربوط به جسم انسان، فعال بوده است. درک بیشتر از این که چگونه می‌توان به بهترین وجه رشد و توسعه بشری در سطح عنصری را تأمین نمود با شدت و حدت تعقیب می‌شود. گزارش شده که حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند کودک باید یک ساعت ورزش داشته باشند تا عقول و ابدان آنها طراوت و نازگی یابد. در مورد رابطه بین ابدان، عقول و ارواح ما، و مواضع ضروری برای رشد صحیح، از جمله تعلیم حواس که ابزار مؤثری برای کسب دانش باشند، هنوز موارد بسیار زیادتری را باید آموخت. ما یاد

²⁷ توضیح مترجم: اشاره نویسنده به بیان حضرت بهاء الله مندرج در مجموعه الراح مبارکه، طبع مصر، ص ۳۳۹ است که می‌فرمایند: "...تجلیات انوار صبح هدایت و اشراقات انوار شمس عنایت در حقیقت انسان مستور و محجوب است، چنانچه شعله و اشعه و انوار در حقیقت شمع و سراج مستور است و تابش درخشش آفتاب جهانتاب در مرایا و مجالی که از زنگ و غبار شنونات بشری تیره و مظلم گشته مخفی و مهجور است. حال این شمع و سراج را فروزنده‌ای باید و این مرایا و مجالی را صیقل دهنده‌ای شاید؛ و واضح است که تا ناری مشتعل ظاهر نشود، هرگز سراج نیفرزد و آینه از زنگ و غبار ممتاز نگردد، صورت و مثال و تجلی و اشراق شمس بی‌امس در او منتجع نشود ..."

می‌گیریم که راه برویم، صحبت کنیم، گوش کنیم، لمس کنیم، استشمام کنیم، ارزش قائل شویم و بسیاری امور دیگر که هدایت آگاهانه در مورد آنها بسیار اندک است.

توانایی‌های عقلی و فکری ما را قادر به کشف اسرار طبیعت می‌کند و و کلیه منافع و مزایای علمی را محقق می‌سازد. تحصیلات رسمی بر توسعه عقول متمرکز است و برای رشد صحیح آن جدّ و جهد زیادی صورت می‌گیرد.

تربیت انسانی عبارت از مدنیت است و ترقی؛ یعنی سیاست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسيمه که مدار امتیاز انسان از حیوان است. (مفارصت، ص ۶)

حقیقت روحانیه خود را در جمیع وجوه حیات ظاهر می‌سازد. اگر روح سالم نباشد و به نحوی صحیح رشد و کمال نیابد، جسم و عقل، هر دو، از آن متأثر می‌شوند. بسیاری از والدین و مربیان توجه چندانی به تربیت اخلاقی و تعلیم شخصیت مبذول نمی‌نمایند. ثمره چنین غفلتی در دنیای امروز ما واضح و آشکار است. توسعه و رشد صفات و سجایای روحانی مهم‌ترین عامل در ظهور و بروز فرد سالم و جامعه مرفقی است. چه بسا نفوسی با قوای عقلانی و جسمانی به کمال رسیده سبب شرّ و فساد شده و موجب مضرات شده‌اند. تعلیم و تربیت روحانی به تنهایی می‌تواند این نقائص را اصلاح نماید. مؤسساتی که زمانی به این نیاز می‌پرداختند دیگر به آن مبادرت نمی‌کنند.

والدین و مربیان مسئول القاء ارزش‌هایی هستند که برای زندگی سعادت‌مند و سازنده حیاتی است. این مسئولیت غالباً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد یا از آن غفلت می‌شود. بسیاری از نفوس در مورد ارزش‌های سالم دچار اشتباه می‌شوند و بنابراین آنقدر مجهز نیستند که به مشکل بپردازند. کدام ارزش‌های گذشته مضرتند؟ کدام مطلوبند و باید حفظ شوند؟ بسیار از نفوس معتقدند که اطفال باید آزاد باشند تا همه چیز را خود به طور کامل تجربه کنند و مورد تحقیق قرار دهند، و بدون آن که جهان آشفته اطراف آنها در کار ایشان خللی وارد کند، ارزش‌های خود را به وجود آورند. تعلیم ارزش‌ها در مدرسه موضوعی مناقشه‌برانگیز است زیرا در مورد ارزش‌هایی که باید تعلیم داده شود و نحوه تعلیم آنها هیچ توافقی وجود ندارد، گو این که بر این موضوع صحه گذاشته شده است که، چه دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم، با عمال و مثال‌های خود به تعلیم ارزش‌ها می‌پردازیم. آثار بهائی به این موارد پرداخته و با توضیح این نکته که کدام یک از صفات و خصلت‌ها برای زندگی ما مفید هستند، با پدید آوردن قوه اراده برای پرورش آنها و با تثبیت روش و نحوه توسعه آنها، به این سؤالات جواب می‌دهد. این علم و طلب می‌تواند، در کنار کسب تجربه، از آثار بهائی حاصل شود. کسب خصائل مدوح در حیات فردی و جمعی مستلزم تلاش

روزمره در مدارس و جامعه است و می‌توان آن را با تشویق خارج از محیط مزبور به میزان زیادی مساعدت کرد. بنابراین، این وجه از برنامه آموزشی خصلت‌های لازم برای زندگی سعادت‌مند و سازنده را شناسایی می‌کند، اراده و خواست برای توسعه آن را تشویق می‌کند، و وضعیتی را به وجود می‌آورد که در آن بتوان به رشد و توسعه آنها پرداخت. "اما اس" اساس اخلاق الهیه است و فضائل و خصائل ممدوحه انسانیه. این رایش از همه باید منظور داشت" (حضرت عبدالبهاء - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۶۳). چون تعداد خصائل و سجایای مزبور به هزاران مورد می‌رسد، ذکر آنها در اینجا عملی نیست.

حضرت عبدالبهاء قوای روحانیه را توضیح می‌فرماید و بیان می‌کنند که عقل انسان محدود به مواردی است که از طریق حس کسب می‌کند، در حالی که روح محدود نیست. رؤیاهای نیز تظاهرات روح است چه که نفوس می‌توانند در عالم رؤیا آزادانه به هر سوی حرکت کنند، مسائل غامضه را حل نمایند و تجاربی را کسب کنند که بعداً در این جهان رخ می‌دهد.

و همچنین انسان قوای معنویه دارد. قوه متخیله که تخیل اشیاء کند و قوه متفکره که تفکر در حقائق امور نماید و قوه مدبره است که ادراک حقائق اشیاء کند و قوه حافظه است که آنچه انسان تخیل و تفکر و ادراک نموده حفظ نماید و واسطه میان این قوای خمس ظاهره و قوای باطنه حس مشترک است؛ یعنی در میان قوای باطنه و قوای ظاهره توسط نماید. (مناضات، ص ۱۶۰)

اما قوای عقلیه از خصائص روح است، نظیر شعاع که از خصائص آفتاب است. اشعه آفتاب در تجدد است، ولیکن نفس آفتاب باقی و برقرار. ملاحظه فرمایید که عقل انسانی در تزیید و تناقص است و شاید عقل بکلی زائل گردد، ولیکن روح بر حالت واحده است و عقل ظهورش منوط به سلامت جسم است. جسم سلیم عقل سلیم دارد، ولی روح مشروط به آن نه. عقل به قوه روح ادراک و تصور و تصرف دارد، ولی روح قوه آزاد است. (الروح پرور فرورال - مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۴۷۵)

از این گونه تعالیم در آثار بهائی بسیار وجود دارد و مفاهیم ضمنی آن برای برنامه‌های آموزشی آینده بسیار متنوع و گسترده است. نگاهی اجمالی به این آثار بسیاری از امکانات برای بازنویسی برنامه‌های آموزشی آینده و نگرش‌هایی برای کسب دانش لازم جهت اخلاف را مکشوف می‌سازد.

از جمله اموری که محتاج اصلاحات تافه کامله است، طریق تعلم علوم و ترتیب تحصیل معارف و فنون است. چه که از عدم ترتیب، بسیار پریشان و متفرق گشته و فنون موجهه که داعی بر تطویلش نه، بغایت مطول شده؛ به قسمی که باید متعلمین مدت مدیده اذهان و اعمار خود را صرف اموری نمایند که تصور صرف است و به هیچ وجه تحقیقی ندارد؛ چه که تعمق در اقوال و افکاری است که اگر به دیده بصیرت ملاحظه شود واضح و مثبت گردد که این تکات بعد از وقوع نیز نیست؛ بلکه صرف اوهام و تابع تصورات بی‌فایده و توالی ملاحظات بیهوده است. و شبهه‌ای نیست که اشتغال به این گونه اوهام و

تدقیق و بحث زاید در این گونه اقوال سبب تضییع اوقات و اتلاف اعمال است. بلکه انسان را از تحصیل معارف و فنونی که از لوازم ما بحتاج الیه هیأت بشریه است، ممنوع و محروم می‌نماید. انسان باید در هر فنی قبل از تحصیل ملاحظه نماید که فوائد این فن چه چیز است و چه نمره و نتایجی از او حاصل. اگر از علوم مفیده، یعنی جمعیت بشریه را فوائد کلی از او حاصل، البته به جان در تحصیلش بکوشد؛ والا اگر عبارت از مباحث بی‌فایده صرفه و تصورات متتابعه متوالیه بوده و جز آن که سبب نزاع و جدال شود نمره‌ای از او حاصل نه، به چه جهت انسان حیات خود را در منازعات و مجادلات بی‌فایده آن صرف نماید؟ (رساله مدینه، ص ۱۲۶-۱۲۴)

گذشته از این، هر موضوعی که توسط فرد پیگیری و فرا گرفته می‌شود مشروط بر این است که چگونه این دانش به کار برده می‌شود. اگر برای خیر عموم است، در این صورت ماحصل آن مفید خواهد بود، اما، اگر به ضرر عموم و برای تأمین انگیزه‌های خودخواهانه خودپرستانه است، نتیجه حاصله زیانبار خواهد بود. مواضع بسیار یا امکانات آموزشی فراوانی وجود دارد که در آثار بهائی به آن اشاره شده است.

هر طفلی من دون استثناء باید از صغر سن علم قرائت و کتابت را کاملاً تحصیل نماید و به حسب میل و رغبت به قدر استعداد و استطاعت خویش در اکتساب علوم عالیه و فنون نافع و لغات مختلفه و علم بیان^{۲۸}، و حرف و صنایع موجوده همت و سعی موفور مبذول نماید. (حضرت ولی امرالله - مجموعه نصوص تربیتی، ص ۸۷)

علم و دانش مکرراً در آثار بهائی مورد مدح و ستایش عظیم واقع شده است. کسب علوم و فنون در حضرت بهاءالله به منزله عبادت الهی محسوب فرموده‌اند. مقصود از علم کلیه علوم است که از طریق فرایندی سیستماتیک کسب می‌شود و از آن نتایجی حاصل می‌شود. این نه تنها شامل آن نوع دانشی می‌شود که به روش علمی حاصل می‌گردد، بلکه سایر رشته‌های قابل اثبات دانش را نیز در بر می‌گیرد. حضرت عبدالبهاء در توصیف اهل دانش، به توضیح بیشتری در خصوص ماهیت علم می‌پردازند.

عالمان نمایندگان حقیقی بشریت‌اند، زیرا با تحقیق و تتبع از عالم و عالمیان خبر یابند، شخص عالم از سیاست عالم باخبر می‌شود، مشاكل هیأت اجتماعیه را می‌فهمد و تار و پود مدنیت را می‌تند. در حقیقت علم آینه تمام‌نمای اشکال و صور گوناگون کائنات است. علم اساس کلیه پیشرفت‌های انسانی است. بدون تحقیق و تتبع پیشرفت ممکن نیست. (نقل ترجمه خطابه ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ از صفحه ۷ جزوه تحقیق و تتبع)

^{۲۸} توضیح مترجم: عبارت علم بیان در متن انگلیسی موجود، اما در متن فارسی مفقود است.

بعضی اصول کلی که حضرت بهاءالله در ارتباط با تعلیم و تربیت بیان و تثبیت فرموده‌اند عبارت است از وحدانیت الهیه، وحدت اصول ادیان سماویه، وحدت نوع انسان، تحرّی حقیقت، تعلیم و تربیت عمومی و اجباری، انطباق علم و دین، راه حلّ روحانی برای مسائل اقتصادی، برابری حقوق زن و مرد و ترک کلیه انواع تعصبات.

بسیاری از مواضیعی که در سراسر آثار بهائی ذکر شده بخشی از برنامه‌های آموزشی خواهد شد و تحت تأثیر اصول امری قرار خواهد گرفت. علوم، از جمله مهارت‌های پژوهشی و محاسباتی، برای حصول منافع عموم تعلیم داده خواهد شد. مشارکت دین و تأثیرش در تاریخ در تدریس درس تاریخ لحاظ خواهد شد. جغرافی، روانشناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی به افزایش درک ما از خودمان، از جهان و از یکدیگر کمک خواهد کرد. اصول روحانی اقتصاد آموزش داده خواهد شد. کلیه مهارت‌های ارتباطی اصلاح خواهد شد تا جمیع نفوس بتوانند به طور مؤثر به تبادل افکار و اطلاعات بپردازند. هنرها نیز برای مسرت جمیع نفوس ارتقاء خواهند یافت.

در انتخاب تعداد مواضیعی باید به نحوی معتدل عمل کرد. وقتی تعداد مواضیعی زیاد باشد، نتیجه جز آشفتنگی و پریشانی نیست. رعایت اعتدال ضروری است. مغز انسان را نباید بیش از حدّ زیر بار گذاشت. فی‌المثل، محصلین نباید روزانه بیش از شش ساعت به درس و بحث و آماده کردن دروس بپردازند. والاّ توفیقی حاصل نخواهد شد. مغز خسته می‌شود.

کلام آخر

این اصول و آرمانها تحقق نخواهد یافت مگر آن که مساعی و مجهودات به سوی تحقق آنها هدایت شود. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این تحولات به سرعت صورت گیرد. بلکه، فرایندی کند و دردناک خواهد بود که در طی آن نومییدی نسبت به وضعیت فعلی به نحوی فزاینده آشکار خواهد شد، و مردم به جستجوی راه‌های جدید و بهتر برای انجام دادن کارها خواهند پرداخت. بعد، تدریجاً، این اصول اتخاذ خواهند شد، تا آن که نهایتاً نظامی جدید به کلی جایگزین نظام قدیم خواهد شد. از زمانی که این اصول متجاوز از صد سال قبل پیشنهاد شده‌اند، بسیاری از آنها اتخاذ شده و بسیاری موارد دیگر با این اصول منطبق شده‌اند. تحوّل در تعلیم و تربیت برای دنیایی جدید مستلزم تعامل جزء (فرد) و کلّ (جامعه) است. اگر جزء بهتر باشد، کلّ بهبود می‌یابد، و اگر کلّ در وضعیت مطلوب باشد، در بهبود جزء تأثیر خواهد داشت.

عالم انسانی سکرآت موتِ عصری قدیم و دردِ زه عصری جدید را تجربه می‌کند. نوع بشر مرحله نوجوانی را پشت سر می‌گذارد و وارد مرحله بلوغ می‌شود. تعلیم و تربیت نیازهای افراد یا جامعه را تأمین نمی‌کند. تصور در حل این مسأله رفاه و سعادت هر دو را تهدید می‌کند. آینده ما به توجّه مؤثر ما به نقائص ناشی از عملکرد نادرست و نارسای نظام آموزش و پرورش بستگی دارد.

تعلیم و تربیت، اعم از رسمی و غیررسمی، ما را مجهز و قادر نمی‌سازد که به طور مؤثر به مسائلی پردازیم که رو در روی ما قرار دارد. در همه جا افزایش مسائل اجتماعی و ناتوان نظام‌های تثبیت شده برای مقابله با آنها را ملاحظه می‌کنیم. فقدان تعلیم و تربیت صحیح نوع انسان را از علم و اراده برای قیام جهت تعیین سرنوشت خود محروم کرده است.

این اصول و آرمانها مقدمه‌ای بر هدایاتی است که در آثار و کتب بهائی مطرح شده و به بحث درباره نقش و اهمیت تعلیم و تربیت، اهمیت خانواده و مرثیان، ماهیت تعلیم و تربیت و انسان‌ها، هدف از زندگی و مدنیت و فضائل و خصائل متناسب عالم انسانی می‌پردازد. این اثر مبتنی بر سایر آثاری در این خصوص است که اصول تعلیم و تربیت بهائی²⁹ مکمل آن است. آثار آینده می‌تواند بیش از پیش نقش علم، اراده و عمل را در تعلیم و تربیت متحول کننده توضیح دهد، تجربه بهائی و مثال‌های عملی به عنوان الگو را عرضه کند، نوع فرد و جهان را که از این نگرش‌های جدید به تعلیم و تربیت حاصل می‌شود توصیف نماید و ویژگی‌های این مفهوم جدید از تعلیم و تربیت را بیش از پیش وصف نماید.

تحقیقات و مساعی آتی می‌تواند به بیانیه‌ای منجر شود که در ابعاد وسیعی انتشار یابد. در سطوح دانشگاه و مدرسه می‌توان آن را رسماً به رهبران و معلمین عرضه کرد، و در کل جامعه، به رهبران تعیین سیاست و رهبران اندیشه تسلیم نمود. این اطلاعات باید مورد علاقه عموم مردم، بخصوص نفوس علاقمند به تعلیم و تربیت جوانان باشد. این اثر تلاش کرده تصویر واضح تری از آنچه که آموزش و پرورش باید باشد ارائه کند تا رهبران در فرایند تحول آموزشی، چه در جامعه بهائی یا جامعه بزرگتر، بتوانند به سوی رسیدن به تصویر مزبور فعالیت نمایند.

²⁹ اثر همین نویسنده که توسط مترجم حاضر ترجمه شده است - م.